



پرستش آگاهانه

ویراست دوّم

دکتر محمدرضا رضوان طلب

استادیار دانشکده الهیات و معارف اسلامی

دانشگاه تهران

نام کتاب: پرستش آگاهانه

نویسنده: دکتر محمدرضا رضوان طلب (عضو هیأت علمی دانشگاه تهران)

ناشر: ستاد اقامه نماز

شمارگان: ۵۰۰۰ نسخه

نوبت چاپ: دهم، تابستان ۱۳۸۶

چاپ و صحافی:

قیمت: ریال

مرکز پخش:

تهران - میدان فلسطین، انتشارات ستاد اقامه نماز، تلفن: ۸۸۹۰۰۰۵۹

فهرست مطالب

۱۱	طلیعه
۱۵	«منشور نماز»
۱۹	درس اول: چرا نماز بخوانیم؟
۲۲	۱. تأمین نیاز درونی و روانی انسان
۲۶	دستیابی به آرامش و کنترل اضطراب‌ها
۲۸	نظریات دیگران برای کنترل اضطراب
۳۳	درس دوم: چرا نماز بخوانیم؟
۳۴	۲. جبران خطایا
۳۹	۳. پرورش تمرکز ذهن
۴۱	۴. برقراری عدالت اجتماعی
۴۴	۵. دستیابی به وقار اخلاقی و شخصیتی
۴۶	۶. پذیرش انضباط و نظم
۵۰	۷. استواری ایمان و استقامت
۵۳	درس سوم: چرا نماز بخوانیم؟
۵۴	۸. انس فطری انسان با پرستش
۵۷	۹. عام نگری
۵۹	۱۰. زنگ هشدار

۶۱	۱۱. همراهی با هستی
۶۳	۱۲. بهداشت جسم و نظافت لباس
۶۵	۱۳. احساس قدرت و عزّت
۶۷	درس چهارم: سابقه‌ی تاریخی نماز
۷۱	تشریح نماز در اسلام
۷۲	قبله
۷۴	معنای واقعی اقامه‌ی نماز
۷۷	درس پنجم: اهتمام به نماز
۷۹	وجوه اهمّیت نماز
۷۹	۱. نماز؛ وجه مشترک ادیان آسمانی
۸۰	۲. نماز، سیمای دین
۸۰	۳. نماز، فریضه‌ای همیشگی و همگانی
۸۱	۴. نماز، امداد الهی
۸۲	۵. نماز در مسجد
۸۲	۶. تکرار نماز در هر روز
۸۳	۷. انواع نماز
۸۳	۸. تکفیر تارک نماز
۸۴	۹. نخستین پرسش در قیامت
۸۵	۱۰. برابری نماز با ایمان
۸۵	۱۱. نقش نماز در اصلاح جامعه

۸۹	درس ششم: محراب سخن
۸۹	اذان و اقامه
۹۰	ثواب مؤذن
۹۱	شرایط مؤذن
۹۱	کیفیت اذان
۹۳	وضو
۹۴	تکرار وضو

۹۷	درس هفتم: پایه‌ی ارزش
۹۷	نیت
۱۰۱	نقش و جایگاه نیت خالص
۱۰۵	راه‌های دستیابی به نیت خالص
۱۰۵	۱. یقین به مبدأ و معاد
۱۰۶	۲. یأس از مردم
۱۰۷	۳. دوری از پرورش و پرستش هواها
۱۰۷	۴. به کارگیری عقل

۱۱۱	درس هشتم: گفت‌وگو با معبود
۱۱۱	الله اکبر
۱۱۲	بسم الله الرحمن الرحيم
۱۱۳	الحمد لله رب العالمين
۱۱۳	الرحمن الرحيم
۱۱۳	مالک يوم الدين
۱۱۴	اياک نعبد و اياک نستعين

۱۱۵	اهدنا الصِّراطَ المستقیم
۱۱۷	صراطُ الَّذین انعمت علیهم
۱۱۷	غیر المغضوب علیهم ولا الضَّالِّین
۱۱۹	سوره‌ی توحید

۱۲۳	درس نُهم: اجزای نماز
۱۲۳	رکوع
۱۲۴	سجده
۱۲۷	سجده‌ی شکر
۱۲۸	قنوت
۱۲۹	تشهّد

۱۳۱	درس دهم: شوق وصال و دردِ فراق
۱۳۱	نماز اوّل وقت
۱۳۴	تعقیبات نماز
۱۳۶	۱. تکبیر
۱۳۶	۲. تسبیحات حضرت زهرا (س)
۱۳۷	۳. نفرین و اعلان برائت از دشمنان اسلام
۱۳۷	۴. استغفار
۱۳۷	۵. سجده‌ی شکر
۱۳۸	۶. تبرک جُستن به سجده‌گاه

۱۴۱	درس یازدهم: نماز جماعت
۱۴۳	آثار و برکات نماز جماعت
۱۴۶	آداب نماز جماعت
۱۴۸	نماز جمعه
۱۵۳	درس دوازدهم: نمازهای غیر یومیّه
۱۵۳	نماز شب
۱۵۹	نماز عید
۱۵۹	نماز آیات
۱۶۱	نماز میّت
۱۶۲	نماز باران
۱۶۴	نماز قضا
۱۶۷	درس سیزدهم: ترک نماز
۱۶۸	بی‌اعتنایی به نماز
۱۷۰	پیامدهای کوچک شمردن نماز
۱۷۰	۱. قهر پیامبر و قطع رابطه با عترت
۱۷۱	۲. خشم خداوند
۱۷۲	۳. اجابت نشدن دعا و محرومیّت از دعای صالحان
۱۷۲	۴. تنگنا و نارسایی دنیوی
۱۷۳	۵. سختی احوال قبر و قیامت
۱۷۳	۶. قبول نشدن نماز
۱۷۴	۷. نفرین و لعنت

۱۷۹	درس چهاردهم: عوامل بی‌ رغبتی به نماز
۱۸۰	۱. گناه و آلودگی
۱۸۰	۲. نا آشنایی با خداوند
۱۸۱	۳. نا آشنایی با فلسفه و معانی نماز
۱۸۲	۴. نشناختن نیازهای خود
۱۸۳	۵. دنیا زدگی
۱۸۴	۶. نداشتن برنامه صحیح درباره‌ی نماز

۱۸۹	جداول نظرسنجی
-----	---------------

۱۹۵	فهرست منابع
-----	-------------

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

طلیعه

پلکان ترقی آدمی بر حوض حیوانیت نهاده شده، تا او را به اوج مقام انسان و به دیگر سخن: فراتر از مرتبه‌ی فرشتگان، برنشانند. تا آن هنگام که بشر در عرصه‌ی مشترکات حیوانی هر چند شتابان گام بردارد، جز فروغلتیدن فزون‌تر در باتلاق حیوانیت، حاصلی برای او ندارد.

اکنون این پرسش مطرح است:

غیر مشترک بین انسان و حیوان چیست؟

پژوهندگان دانش و سوداگران علم و تحقیق به عنوان گزیدگان خیل انسانیت، پیش از دیگران باید این غیر مشترک‌ها را شناسایی کنند و در اندیشه‌ی دستیابی به قلّه‌ی بلند آن بر آیند.

بی‌تردید، اندیشه و پرستش آگاهانه از برترین امتیازهای آدمی و وجه افتراق بین او و حیوان است. نماز، فرآیند اندیشه و تجسم پرستش اندیشه‌مندانه است. اندیشه در آغاز هستی و هستی بخش و رابطه‌ی او با انسان، وی را به ستایش ربّ العالمین فرا می‌خواند، تفکر در مورد واپسین راه این پیمایش، ما را به خضوع در بارگاه باری تعالی^۱ و راهبر نشأه دیگر می‌کشاند، تا تنها و تنها او را بستاییم و بر آستان بی‌نیازش، پیشانی بساییم.

آری پژوهندگی انسانی، او را به ستایش و خضوع در پیشگاه معبود وا می‌دارد؛ چرا که «أَنْمَّا يَخْشَى اللَّهَ مِنْ عِبَادِهِ الْعُلَمَاءُ»^۱ و غفلت حیوانی، وی را از اشتغال والهانه در برابر الله؛ زیرا «أُولَئِكَ كَالْأَنْعَامِ بَلْ هُمْ أَضَلُّ أُولَئِكَ هُمُ الْغَافِلُونَ»^۲ پس چرا دانش پژوهان ما از ژرفای بی‌پایان اقیانوس معارف توحیدی و کهکشان عروج یکتاپرستان بی‌خبر باشند؟!

بر ماست نسل برگزیده را هر چه بیش‌تر با معارفی که از راسخان در علم و شکافندگان دانش^۳ به یادگار مانده است مخصوصاً پایه‌ی معرفت دینی^۴ «نماز» آشنا سازیم.

به منظور انجام این تکلیف، جزوه‌ی حاضر در معرفی نماز برای دانشجویان عزیز و گرانقدر نوشته شد. امید است کاستی‌های آن با پیشنهاد‌های سازنده استادان محترم معارف اسلامی بر طرف، و به زیور قبول در پیشگاه حضرت احدیت، مزین گردد.

از آن جهت که الهام تدوین این مجموعه در شب ولادت دانشمندی از خاندان طهارت و تقوا - که در کودکی، تمام بزرگ‌دانشوران و مدعیان علم در عصر خود را متحیر ساخت - یعنی: حضرت جواد الائمه علیه السلام پدید آمد؛ لذا این نوشتار را به پیشگاه آن اختر به پادارنده‌ی نماز تقدیم می‌دارم.

۱. فاطر / ۲۸

۲. اعراف / ۱۷۹

۳. اصول کافی، ج ۱، ص ۲۱۲. «عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: نَحْنُ الرَّاسِخُونَ فِي الْعِلْمِ وَ نَحْنُ نَعْلَمُ تَأْوِيلَهُ»؛

۴. از پیامبر اکرم (ص)، امیرالمؤمنین و امام باقر - علیهما السلام - روایت شده است که: نماز، ستون و پایه دین است؛ فروع کافی ج ۳، ص ۲۶۶؛ شرح نهج البلاغه ابن ابی‌الحدید ج ۵، ص ۱۷ و بحار الانوار ج ۸۲، ص ۲۱۸.

بی‌تردید، بهره‌ی معنوی استاد ارجمندی که انگیزه‌ی ارائه‌ی این اثر را ایجاد کرد، از نگارنده افزون‌تر است. از همکاری همه‌ی دوستان، دست اندرکاران ستاد اقامه‌ی نماز، نهاد محترم نمایندگی ولی معظّم فقیه دردانشگاه‌ها، وزیران محترم فرهنگ و آموزش عالی، بهداشت، درمان و آموزش پزشکی و دیگر عزیزانی که در گنجاندن درس نماز، ضمن دروس معارف اسلامی دانشگاه‌ها سهیم بودند، بسی سپاسگذارم. خداوند، آنان را مشمول دعای سرور شهیدان: حضرت اباعبدالله الحسین علیه السّلام قرار دهد که به یکی از اصحاب گران قدر خویش، که از نماز ظهر عاشورا در اوّل وقت، یاد کرد، فرمود: «جَعَلَكَ اللهُ مِنَ الْمُصَلِّينَ الذَّاكِرِينَ». هر چند این مهم، باید از سال‌های نخست پیروزی انقلاب اسلامی و در مقطع راهنمایی، شکل، و استمرار می‌یافت.

از یاد نمی‌بریم که تمامت این مواهب، ره آورد خون شهیدان والامقام، اثر انفاس قدسی و نمازهای نیمه شب امام خمینی رحمة الله علیه و رهین راهبری‌های خردمندانه‌ی مرجع جهان تشیّع: حضرت آیه‌الله العظمی خامنه‌ای - مد ظّله العالی - است؛ فریادگر بیداری که ازسالیان، رنج خود را از ناآشنایی نسل‌نو با فرهنگ نماز، به مناسبت‌های گوناگون از جمله در: پیام‌های خود به اجلاس سالانه‌ی نماز ابراز فرمودند. به همین دلیل، پیام والای آن بزرگ پیامدار، به ششمین اجلاس نماز را - که «منشورنماز» نام گرفت - زینت بخش مقدمه‌ی چاپ دوم می‌سازم.

دکتر محمدرضا رضوان طلب

عضو هیأت علمی دانشگاه تهران

منشور نماز

پیام مقام معظم رهبری - مدظله العالی - به ششمین اجلاس سراسری نماز

بسم الله الرحمن الرحيم

خداوند متعال را سپاس می‌گوییم که دل‌های نورانی و پاکیزه ای را به کار نماز و ترویج و برپاداری آن، برانگیخته و شوق مجاهدت و تلاش مخلصانه در این راه را به آن‌ها بخشیده است. ثمره‌ی کوشش‌های هوشمندانه‌ی جمع شما در این چند سال، آن شده است که: نماز که مظهر کامل پرستش و نیایش و رازگویی و نیازجویی و عشق و ایمان به محبوب فطری عالم وجود است، پرتوی درخشان‌تر و حضوری برجسته‌تر در ذهن و عمل جامعه‌ی اسلامی ما یافته است.

اکنون بحمدالله در بسیاری از جاهایی که جماعت مردم در آن گرد می‌آیند و به ویژه مراکز گردآیی جوانان، مانند مدارس و دانشگاه‌ها و سربازخانه‌ها و بوستان‌ها و نیز دانشگاه‌های دولتی و راه‌ها و غیره «نماز»، حاضر و بارز و چشم و دلنواز است. نوشته‌ها و گفته‌های بسیار در رسانه‌ها و در کتاب‌ها و درس‌ها و برنامه‌های هنری و تبلیغی به نماز می‌پردازد و ذهن‌ها و دل‌های کسان بی‌شماری را به این تکلیف شیرین و دلنشین متمایل می‌سازد و به گزاردن آن وا می‌دارد.

شک نباید کرد که این، راهی است به سوی کامیابی و توفیق در همه‌ی مهام شخصی و اجتماعی؛ راهی است به سوی سعادت و فلاح و... «قَدْ أَفْلَحَ الْمُؤْمِنُونَ، الَّذِينَ هُمْ فِي صَلَاتِهِمْ خَاشِعُونَ».

چه افراد و جماعتی که با شناختن قدر و جایگاه ذکر و خشوع و انابه - که نماز، مظهر کامل آن است - و همراه کردن کار و ابتکار دنیایی با آن، به قلّه‌های تعالی و کمال رسیدند و چه بی‌خبران و کوتاه نظرانی که با غفلت از این راز بزرگ هستی، خود را از سعادت کامل محروم ساختند و چه در صورت تلاش و کار مادی و چه در صورت بیکارگی و تنبلی، هر جا به گونه ای خود را در منجلاّب‌های محرومیت و ناکامی غرقه ساختند. انسان‌هایی که تلاش و مجاهدت در عرصه‌ی زندگی بشری را با یاد خدا و انس با او و عشق به او همراه می‌سازند، خوشبختی در معنای حقیقی آن را در می‌یابند و آن را برای جسم و جان خود فراهم می‌کنند.

شما برادران و خواهرانی که به امر نماز، همت گماشته اید، از این دیدگاه، در تدارک بزرگ‌ترین خدمت به مردم و کشور خود هستید و بی‌گمان، ملت ما از معرفت به نماز و عمل به آن، بهره‌های بزرگ در همه‌ی عرصه‌های زندگی خود خواهد برد. مسئولان محترم اقامه‌ی نماز، گزارش امیدبخشی از به کار بستن سفارش‌های قبلی درباره‌ی نماز داده‌اند. این جانب پس از سپاس از آنان و از همه‌ی بخش‌هایی که به آن سفارش‌ها جامه‌ی تحقق پوشانده‌اند، به همه‌ی دست اندرکاران این مهم و دیگر مدیران و مسئولان کشور توصیه می‌کنم که:

۱. برای تبیین ژرفای نماز و معرفی رازها و زیبایی‌های آن، دست به تلاش پیگیر و همه‌جانبه‌ی زده شود. در کتاب‌های معارف دانشگاه‌ها و کتب درسی دوره‌های پیش از دانشگاه و جزوه‌های کوچک و قابل فهم همه، سخنان نغز و پر مغز و مضمون‌های تازه‌ی فراوان در این باره وارد شود.

۲. احکام فقهی نماز به صورت آسان و روان منتشر شود و جزوه‌ها و نوارهای صوتی و تصویری مناسب برای فرستادن به میان ملت‌های دیگر، آماده گردد.

۳. اذان از حنجره‌ی اشخاص خوش صدا در همه جا پخش شود و هیچ شهر و محله ای محروم از آهنگ اذان نماند.
۴. مساجد، به شکل شایسته، غبارروبی شود و خدمت به مسجد، کاری مردمی و همگانی شمرده شود.
۵. نماز صبح در مساجد اقامه شود.
۶. نمازهای جمعه در هر شهر با شرکت فرزنانگان و اصحاب معرفت در ستادهای آن، پر بارتر گردد.
۷. مدیران دستگاه‌های اداری و دولتی، خود، متصدی اقامه‌ی نماز در آن دستگاه‌ها شوند.
۸. در سربازخانه‌ها، آموزش نماز و عمل به آن، جدی‌تر گرفته شود.
۹. در میان جاده‌های بیابانی، مسجد به قدر کافی ساخته شود و در شهرهای سر راه، در همه‌ی بیست و چهار ساعت، مسجد باز و آماده وجود داشته باشد.
۱۰. در شهرها و شهرک‌هایی که تازه ساخته می‌شود، مسجد جامع، نخستین بنا و مرکز حقیقی شهر، قرار گرفته و ساخته شود.
۱۱. در همه‌ی اجتماعات، بافرارسیدن وقت نماز، نماز به پاداشته شود و اجتماعاتی که به خاطر انبوهی آن، یا به هر جهت دیگر قادر به این کار نیستند، برنامه‌ی زمانبندی آن‌ها جوری تنظیم شود که با وقت نماز، تصادف پیدا نکند.
۱۲. و به‌طور خلاصه: وضع شهرها و روستاهای کشور را جوری کنید که هر کس که تازه وارد آن می‌شود، آن را محیط اهتمام به نماز و جایگاه اقامه آن بداند. توفیقات همه‌ی شما را از خداوند خواستارم.

سید علی خامنه‌ای

۱۳۷۵/۶/۳۱

چرا نماز بخوانیم؟ (۱) □ ۱۹

درس اوّل

چرا نماز بخوانیم؟

(۱)

چند سال است نماز می‌خوانید؟

با چه هدفی این اعمال را هر روز تکرار می‌کنید؟

آیا می‌توانید ۳ هدف یا انگیزه‌ی خود را از این برنامه‌ی روزانه در جدول زیر

بنویسید؟

جدول ۱. اهداف نمازگزاری

۱.
۲.
۳.

مفاهیم مورد نظر خود را، همچون: شکر، خضوع، کرنش، و... - که در جدول

اهداف نگاشته‌اید - به روشنی، در جدول زیر، تعریف کنید.

تعریف	مفهوم	ردیف
		۱.
		۲.
		۳.
		۴.

گرچه نماز از منظر عاملان و ناظرانی فروان، تصویری جز یک عمل تعبّدی و مورد هدف زاهدان و رهبان‌ها ندارد، که صرفاً برای نمایش خضوع و کرنش در بارگاه خالق، ایفای نقش می‌کند، اما بررسی آداب، شرایط، مضامین و هویت این عبادت بزرگ، ضمن تأیید تعبّدی بودنش، آن را عاملی مهم برای اصلاح نفّس انسان‌ها و کنترل نظام‌های عمومی جامعه بر می‌شمارد.

اصولاً هر عبادت و اطاعتی که انسان بر حسب تکلیف به جا می‌آورد، با نظر به استغنائی ذات اقدس باری تعالی^۱ نمی‌تواند کم‌ترین سود و خیری را متوجه ذات خداوند گرداند، یا منشأ ارضای خواسته‌ای در مبدأ لایزال باشد، چنانکه اگر همه مردم نیز از اطاعت او سر باز زنند، هیچ شرّ و ضرری متوجه او نمی‌گردد:

گر جمله‌ی کاینات، کافر گردند بردامن کبریاش ننشیند گرد!

پس او از طاعت ما بهره‌ای نمی‌برد و به آن نیازی نیازی ندارد. عظمت مطلق است و همه‌ی عالم در برابر او سر تعظیم دارند.

حال این پرسش مطرح می‌شود که چرا خداوند، گونه‌هایی از خضوع و کرنش را بر انسان، واجب کرد؟ چرا انسانِ علاقه‌مند به دنیا و وابسته به آن را مأمورِ واگذاری بخشی از داشته‌های محدود خود به دیگران ساخت؟ با آن‌که

چرا نماز بخوانیم؟ (۱) □ ۲۱

می توانست از خزاین بی پایان خود، بینوایان را نیز روزی دهد. به راستی او از چنین الزام‌هایی چه هدفی را دنبال می‌کند؟!

شُکْر مُنْعَم و اطاعت از ولی نعمت، امری انسانی و اخلاقی است، بلکه حیوانات نیز متناسب با درک و شعور خود، از انجام این امر فروگذار نمی‌کنند. اما آیا مُنْعَمی هم‌چون خداوند، که بی هیچ چشمداشتی، نعمت می‌دهد، به مانند انسانی است که با چشم امید عطا می‌کند و سپاس دیگران در روح او اثر تشویقی یا ارضائی دارد؟

هرگز! او پروردگار عزت است و از هر گونه نیاز و نقصی مبرا است: «سَبْحَانَ رَبِّكَ رَبِّ الْعِزَّةِ عَمَّا يَصِفُونَ»^۱ و اصولاً چنین مقایسه‌هایی در حق او روا نیست: «مَالِكُمْ كَيْفَ تَحْكُمُونَ»^۲؛

بنا براین تکلیف، نشانه نیاز نیست، زیرا سود سپاس، به خود آدمی باز می‌گردد: «وَمَنْ يَشْكُرْ فَإِنَّمَا يَشْكُرُ لِنَفْسِهِ»^۳

اما نگرشی نه این‌گونه به نماز، آن را عملی دشوار می‌نماید و وارستگی از دنیا را هنگام اقامه‌ی نماز، مشکل می‌سازد: «وَأَنَّهَا لَكَبِيرَةٌ إِلَّا عَلَى الْخَاشِعِينَ»^۴ آری نماز دشوار است، مگر برای کسانی که درک صحیحی از مقام ربوبی، بزرگی و بی‌نیازی خالق دارند. آن‌را باور کرده و می‌دانند صبر و صلوات نوعی

۱. صافات / ۱۸۰.

۲. همان / ۱۵۴.

۳. لقمان / ۱۲. آیاتی فراوان، انسان را به شکر نعمت‌های الهی فرا می‌خواند؛ همانند: وَاشْكُرُوا لِي وَلَا تَكْفُرُونَّ (بقره / ۱۵۲) كُلُوا مِن طَيِّبَاتِ مَا رَزَقْنَاكُمْ وَاشْكُرُوا لِلَّهِ (همان / ۱۷۲) وَاشْكُرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ (نحل / ۱۱۴) و... اما هیچ کدام منافاتی با این آیه ندارد: «من شکر فانما يشکر لنفسه» (نساء / ۱۴۷) بلکه شکر دربارهی خدا، نمی‌تواند مفهومی جز این داشته باشد.

۴. بقره / ۴۵.

نیروی کمکی برای نیل به مقاصد و تعالی خود آن‌هاست: «وِاسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ»^۱، نه یاری پروردگار! «سُبْحَانَہُ وَتَعَالَىٰ عَمَّا یَقُولُونَ عُلُوًّا کَبِیراً»^۲ با گشودن این زاویه‌ی جدید در نگرش به نماز و عبادات دیگر و امید آن که خداوند متعال، طعم این غذای سازنده‌ی روح را به ما بچشاند و پرهیز از تقصیر در نمازها را به ما الهام فرماید، به بررسی آثار و اسرار نماز می‌پردازیم. اما قبل از آن، جدول پاسخ‌های خود را بر اساس جواب‌های داده شده در متن، تصحیح کنید و ببینید از ۲۰ امتیاز، چند امتیاز به آن اختصاص می‌یابد؟! اینک کارکرد نماز را در آیات و روایات اسلامی بررسی می‌کنیم.

۱. تأمین نیاز درونی و روانی انسان

بدون شک، انسان، برای راهیابی به زندگی انسانی و حیات طیبه و گریز از توّحش، همچنین تخلّق به اخلاق و رهایی از یأس و افسردگی، به عاملی مهارکننده نیازمند است، که روح او را در کنترل و تسخیر خود قرار داده، پرهیز از انحراف و جنایت را بر او الزام، و روح تعاون و نوع دوستی، عاطفه و محبت را بر وی الهام کند و هنگامی که پژمرده و افسرده می‌گردد، آن را طراوت بخشد. روان‌شناسان، جامعه‌شناسان و کارشناسان تربیتی - جملگی - اتفاق نظر دارند که این نیرو از منبع اعتقاد دینی نشأت می‌گیرد. روان‌شناس معروف امریکایی «هنری لنک» پس از تحقیقات گسترده‌ی بالینی، روی بیش از هفتاد و سه هزار انسان افسرده‌ی تبهکار، می‌گوید:

۱. بقره / ۴۵.

۲. اسراء / ۴۳.

چرا نماز بخوانیم؟ (۱) □ ۲۳

«اینک بخوبی اهمّیت اعتقاد دینی را در زندگی انسان درک می‌کنم و از میان تمام آزمایش‌ها، این نتیجه‌ی مهم را یافته‌ام، که هرکس به دین و باورهای مذهبی، گردن سپارد، یا با عبادت‌تکده‌ای در ارتباط باشد، از شخصیت انسانی والاتری برخوردار است و در مقایسه با آن کس که ایمانی ندارد و با عبادتی در تماس نیست، کرامت خاصی دارد.»^۱

دانشمندی روسی نیز می‌گوید:

«مشکل ما، حقانیت کاپیتالیسم یا کمونیسم نیست، بلکه باید درباره‌ی جانشینی یک فرهنگ بشری به جای فرهنگ مادی فکری کرد.»^۲

یک مرکز بهداشت روانی در دانشگاه «سنت لویی» آمریکا کتابی را با عنوان «عوامل فراموش شده در بهداشت روانی» منتشر کرده است. در این کتاب، که مذهب را، مهم‌ترین و مؤثرترین عامل بهداشت روحی، و حفظ سلامت جامعه بر شمرده، می‌خوانیم:

«کسانی که هفته‌ای یک روز به کلیسا می‌روند، مشکلات روانی کمتری دارند.»

کارل گوستاو یونگ، روان‌شناس معروف سوئیسی می‌گوید:

«من صدها بیمار را معالجه کرده‌ام و از میان تمام بیمارانی، یکی پیدا نشد که مشکل روانی‌اش مربوط به پیدا کردن عقیده‌ی دینی به زندگی باشد. با اطمینان خاطر می‌گویم: هر یک از آنها از آن جهت مریض شده بودند، که آنچه را مذاهب زنده‌ی هر عصر به پیروان خود عطا کرده‌اند، از دست داده بودند و آنان که عقیده‌ی مذهبی خود را باز نیافتند، واقعاً درمان نشدند.»^۳

۱. روح الصلاة فی الاسلام ۲۹؛ به نقل از: بازگشت به ایمان تألیف دکتر هنری لنک.

۲. سیمای تمدن غرب / ص ۸۸

۳. انسان مدرن در جست وجوی معنا.

بنابراین: آنچه دنیای برخوردار از فن آوری و صنعت را رنج می‌دهد، خلأ روانی و نداشتن اطمینان روحی است. بیش از پنجاه درصد از تخت‌های بیمارستان‌های امریکا اختصاص به بیماران روانی دارد و بیش از هفتادوپنج درصد از دانش آموزان دبیرستان‌های این کشور، مواد مخدر مصرف می‌کنند.^۱

رهبران غرب و شرق در سال ۱۹۶۲ از نبودن عنصر دینی در هموطنانشان اظهار نگرانی و آینده‌ای نگران کننده را برای کشور خود پیش بینی کردند.

کندی می‌گوید:

«امریکا آینده‌ای دردناک پیدا خواهد کرد، چرا که جوانان، غرق شهواتند و حاضر نیستند وظایفی را که به آنان محول می‌گردد، به خوبی انجام دهند. از هر هفت جوان که به سربازی اعزام می‌شود، شش تن نالایق و سست از آب در می‌آیند.»

خروشچف نیز در اعتراف‌های خود درباره‌ی نبودن عنصر دینی و پیامدهای آن می‌گوید:

«آینده‌ی شوروی در خطر است و جوانان هرگز آتیه‌ای امیدبخش ندارند؛ چه، بی بند و بار و اسیر شهوات گشته‌اند.»^۲

استاد مطهری رحمه الله علیه می‌فرماید:

نهر، مردی است که از سنین جوانی لامذهب شده است. در اواخر عمر، تغییر حالی در او پیدا شده بود. خودش می‌گوید: «من، در روح خودم، خلأی را احساس می‌کنم، که هیچ چیز نمی‌تواند جای آن را پر کند، مگر یک معنویت!

۱. سخنرانی دکتر افروز در سمینار نماز.

۲. سیمای تمدن غرب / ۶۱

چرا نماز بخوانیم؟ (۱) □ ۲۵

علت این اضطرابی که در جهان پیدا شده، آن است که نیروهای معنوی اش تضعیف شده و این بی‌تعادلی در جهان از همین رو است. الان در کشور اتحاد جماهیر شوروی، این ناراحتی به سختی وجود دارد. تا وقتی که این مردم گرسنه بودند و گرسنگی به ایشان اجازه نمی‌داد درباره‌ی چیز دیگری بیندیشند، یک سره در فکر تحصیل معاش و مبارزه بودند. بعد که یک زندگی عادی پیدا کردند، الان یک ناراحتی روحی در میان آنان پیدا شده است. در موقعی که از کار، بیکار می‌شوند، تازه اوّل مصیبت آن‌هاست که این ساعت فراغت و بیکاری را با چه چیز پُر بکنند؟ بعد می‌گویند: من گمان نمی‌کنم این‌ها بتوانند آن ساعات را جز با امور معنوی، با چیزی دیگر پُر کنند. و این همان خلئی است که من دارم.

پس معلوم می‌شود واقعاً انسان به عبادت و پرستش احتیاج دارد. امروز که در دنیا بیماری‌های روانی زیاد شده، بر اثر این است که مردم از عبادت و پرستش رو بر گردانده‌اند. ما این را حساب نکرده بودیم، ولی بدانید هست.

نماز، قطع نظر از هر چیزی، طیبِ سرِخانه است؛ یعنی اگر ورزش برای سلامت مفید، آبِ تصفیه شده برای هر خانه‌ای و هوای پاک و غذای سالم برای انسان لازم است، نماز هم برای سلامت انسان لازم است. شما نمی‌دانید اگر انسان در شبانه روز، ساعتی از وقت خودش را به راز و نیاز با پروردگار، اختصاص بدهد، چه قدر روحش را پاک می‌کند! عنصرهای مودی به وسیله‌ی نماز از روح انسان بیرون می‌روند.^۱

برای فرو نشاندن تمام امواج خروشان نگرانی و اضطراب، قرآن کریم «ذکر خدا» را برترین داروی آرام بخش و شفادهنده‌ی قلبها می‌خواند و «نماز» را مصداق برتر ذکر می‌داند. همه‌ی آشوب‌ها، تشویش‌ها، و ناآرامی‌ها، با استمرار یاد

۱. اسلام و مقتضیات زمان/۲۹۲

خدا در فواصل گوناگون شبانه روز، مهار می‌گردند. نهادِ ناآرام، آرام می‌گیرد؛ طغیان هواها و هوس‌ها فرو می‌نشیند. قلب مأیوس، امید می‌یابد و هنوز آثار حاصل شده از این معدن فیض به کاستی نگراییده، که مؤذن، دیگر بار، بانگی دیگر سر می‌دهد و رمقی دوباره رقم می‌زند.

چگونگی دستیابی به آرامش و کنترل اضطراب‌ها

آیا می‌توانید مهم‌ترین راه‌های کاهش و کنترل اضطراب‌های روحی را در چند بند، خلاصه و کوتاه در جدول زیر بنویسید؟

جدول ۲. راه‌های کنترل اضطراب

۱.
۲.
۳.

اگر در بین این عوامل راه‌هایی وجود دارد که به تلقین درمانی ارتباط می‌یابد، روی آن را با ماژیک برجسته‌کننده علامت بگذارید.

قرآن، نماز را ذکر خدا می‌شمرد: «أَقِمِ الصَّلَاةَ لِدِكْرِي» و باز می‌فرماید: «أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ»:

نماز یاد خداست + یاد خدا موجب آرامش دل‌هاست = نماز به انسان آرامش می‌دهد.

چرا نماز بخوانیم؟ (۱) □ ۲۷

احساس بی‌ثباتی و بی‌اعتباری در جهان طبیعت و فناپذیری و ختم زندگی در دنیا از سویی و پاسخگو نبودن طبیعت مادی به احساس نیاز نامتناهی انسان از دیگر سو، نوعی اضطراب و غربت را بر روح انسان، چیره می‌گرداند. او چیزی را می‌جوید که در این جهان نمی‌یابد. نماز، انسان را با ذاتی فنا ناپذیر، پیوند و به وی جاودانگی را نوید می‌دهد. لذا انسان، هنگام نماز، آرامش خود را باز می‌یابد و به زندگی و حیات خویش امیدوار می‌گردد؛ مشروط بر آن که در این سیر روحی، رابط و واسطه اصلی (روح) غایب نباشد.

اقامه‌ی نماز با شرایط مزبور، منزلت خالق و میعاد مخلوق را یادآور می‌شود. از این رو، هر گاه که نفس و شیطان، او را به مخالفت با خدا دعوت کنند، در پاسخ می‌گوید: «مَعَاذَ اللَّهِ إِنَّهُ رَبِّي أَحْسَنَ مَثْوَايَ إِنَّهُ لَا يُفْلِحُ الظَّالِمُونَ»^۱ همچنان که نگهبان در صورتی می‌تواند حراست کند که جسم و فکر او در محل حاضر باشد، نماز هم اگر با حضور قلب همراه شود، انسان را از فحشا و منکر باز می‌دارد^۲ و هواها را در آدمی کنترل و مهار می‌کند؛ زیرا انسانی که با همه‌ی وجود، پویایی راه صالحان و دوری و تبری از مسیر گمراهان را از خداوند تبارک و تعالی خواسته و بر عبادت و استعانت از او پیمان سپرده، چگونه ممکن است با گذشت زمانی اندک، پیمان او را نقض کند؟!

نماز، جامه‌ی پاکی است، و کسی که لباس سپید می‌پوشد، می‌کوشد که خویش را از مکان‌های آلوده و تماس با آلودگی‌ها حفظ کند.

۱. یوسف / ۲۳؛ حضرت یوسف، در پاسخ به پیشنهاد گناه گفت، پناه بر خدا چگونه معصیت او را انجام دهم، در

حالی که او پروردگار من است و جایگاهی ممتاز به من داده است؟

۲. عنکبوت / ۴۵.

نظریات دیگران برای کنترل اضطراب

برخی، آزادی جنسی یا تأمین اقتصادی، امنیت و سلامت را به عنوان راه کنترل ناآرامی‌های روحی دانسته و معتقدند: چگونه ممکن است با یاد خدا، فوراً شهوت و فشار گرسنگی را مهار کرد، جز آن که به تأمین خاص و مناسب هر یک از این‌ها تن داد؟! در پاسخ می‌گوییم: اسلام، لزوم تأمین هیچ یک از نیازهای انسان را از نظر دور نداشته است. برای اطفای غریزه و نیاز جنسی، ازدواج سالم را در شکل‌های دائم و موقت پیشنهاد کرده، آن را عامل آرامش بر شمرده، و از نشانه‌های حکمت الهی می‌داند. قرآن کریم در این باره می‌فرماید:

«وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا؛^۱

از نشانه‌های او، آن است که برای شما همسرانی از جنس خودتان آفرید، تا موجب آرامش شما گردند.»

اما آیا بی‌بند و باری جنسی می‌تواند سکون و آرامش را به ارمغان آورد؟! در این باره باید آمار طلاق و مشکلات روحی و جسمی مردان و زنانی که در پرتو آزادی جنسی، دست به هر گونه ارضا و بهره‌ی بی‌حد و مرز زده‌اند، واریسید. اسلام، بر ازدواج به عنوان یک ضرورت و نیاز طبیعی و متناسب با فطرت تأکید کرده است. ما معتقدیم اگر روش اسلام برای برقراری روابط سالم در پرتو ازدواج در جامعه‌ای مورد توجه قرار گیرد، به هیچ وجه تنش و اضطراب جنسی، مشکلی نگران‌کننده برای آن اجتماع نخواهد بود.

ازدواج چندان مهم است، که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:

«مَنْ تَزَوَّجَ فَقَدْ أَحْرَزَ شَطْرَ دِينِهِ فَلْيَتَّقِ اللَّهَ فِي الشَّطْرِ الثَّانِي؛^۲

۱. رُوم / ۲۱.

۲. بحار الانوار، ج ۱۰۳، ص ۲۲۱.

چرا نماز بخوانیم؟ (۱) □ ۲۹

هرکه ازدواج کند، نیمی از دینش را حفظ کرده، پس مراقب نیم دیگر باشد.»
و در روایتی دیگر از حضرتش می‌خوانیم:

«أَيُّمَا شَابٍّ تَزَوَّجَ فِي حَدَاثَةٍ سِنَّهُ عَجَّ شَيْطَانُهُ؛ يَا وَيْلَهُ عَصَمَ مِنِّي دِينَهُ؛^۱

هر جوانی که در عنفوان جوانیش ازدواج کند، شیطان فریاد بر می‌آورد: ای وای! دینش را از من حفظ کرد.»

درباره‌ی ترغیب به ازدواج، روایاتی فراوان وارد شده:

«مَنْ أَحَبَّ أَنْ يَلْقَى اللَّهَ طَاهِرًا مُطَهَّرًا فَلْيَلِّقْهُ بِزَوْجَةٍ؛^۲

هرکه می‌خواهد خدا را پاک ملاقات کند، هنگام مرگ، بدون همسر نباشد.»
در حدیثی دیگر می‌خوانیم:

«رَكَعَتَانِ يُصَلِّيَهُمَا مُتَزَوِّجٌ أَفْضَلُ مِنْ سَبْعِينَ رَكَعَةً يُصَلِّيَهُمَا غَيْرُ مُتَزَوِّجٍ؛^۳

دو رکعت نماز همسر دار، بهتر از هفتاد رکعت نماز فرد بدون همسر است.»

این امر، واضح و ملموس است که بی‌بند و باری اخلاقی و آزادی جنسی نتوانسته آرامش و امنیت را به دنبال داشته و دلپذیر و مبارک باشد. گرچه پژوهش‌ها و نمونه‌های عینی تحقق یافته نیز، همین امر را ثابت می‌کنند.

درباره‌ی تأمین نیازهای اقتصادی نیز اسلام به نقش خلاً مالی در اضطراب روحی توجه کرده است. روایات، فقر را چنین وصف کرده‌اند:

«الْفَقْرُ هُوَ الْمَوْتُ الْأَكْبَرُ؛^۴ مصیبت فقر از مصیبت مرگ بدتر است.»

۱. محجه البیضاء، ج ۳، ص ۵۴.

۲. بحار الانوار، ج ۱۰۳، ص ۲۱۹.

۳. همان / ۲۲۰.

۴. بحار الانوار، ج ۱۳، ص ۳۴۸.

«إِنَّ الْفَقْرَ مُدْهِلَةٌ لِلنَّفْسِ، مُدْهِشَةٌ لِلْعَقْلِ، جَالِبٌ لِلْهُمُومِ؛ ا فقر، جانکاه، عقل ستیز و غم بر انگیز است.»

امام صادق علیه السلام برخی عوامل گوناگون اضطراب را چنین بر می‌شمارد:
 «خَمْسُ خِصَالٍ مَنْ فَقَدَ مِنْهُنَّ وَاحِدَةً لَمْ يَزَلْ نَاقِصَ الْعَيْشِ زَائِلَ الْعَقْلِ
 مَشْغُولَ الْقَلْبِ فَأَوْلُهَا صِحَّةُ الْبَدَنِ وَ الثَّانِيَةُ الْأَمْنُ وَ الثَّلَاثَةُ السَّعَةِ فِي الرِّزْقِ وَ الرَّابِعَةُ
 الْأَنْبِيَسُ الْمُوَافِقُ قُلْتُ: وَ مَا الْأَنْبِيَسُ الْمُوَافِقُ؟ قَالَ: الزَّوْجَةُ الصَّالِحَةُ وَ الْوَالِدُ الصَّالِحُ وَ
 الْخَلِيْفَةُ الصَّالِحَةُ وَ الْخَامِسَةُ وَ هِيَ تَجْمَعُ هَذِهِ الْخِصَالِ: الدَّعَاةُ؛

پنج چیز است که هر کس، یکی از آنها را از دست دهد، زندگی‌اش با تنگنا مواجه، عقلش مختل و قلبش مشغول خواهد بود. اول: سلامت، دوم: امنیت، سوم: رفاه مالی، چهارم: همنشین موافق...، راوی می‌گوید: پرسیدم: انیس موافق کیست؟ فرمود: زن، فرزند و همنشین صالح و پنجم: که همه‌ی این‌ها در گرو آن است: فراغت.»

بنابراین، مکتب ما، درباره‌ی نقش عوامل گوناگون کاهش و کنترل ناآرامی‌ها و اضطراب‌ها هیچ گونه انکاری ندارد و هرگز نمی‌گوید: نماز بخوان تا نیاز جنسی ات بر طرف شود! یا به گرسنه نمی‌گوید: نماز بخوان، سیر می‌شوی! یا از بیمار نمی‌خواهد بیماری خود را با نماز مداوا کند. هر کدام، راه خاص خود را می‌طلبند و در پیمودن هر یک از آنها الزام‌هایی از سوی خدا و پیامبر وجود دارد. اما آنچه می‌گوییم، این است که:

۱. خواسته‌های نامحدود انسان، با امکانات دنیا قابل پاسخگویی نیست.

چرا نماز بخوانیم؟ (۱) □ ۳۱

۲. ارضا، غیر از کنترل است. مهار کردن ویروس، با از بین بردن آن تفاوت دارد و ارضای موردی و مقطعی، اطمینان بخش نیست.

۳. آنچه یوسف صدیق علیه السلام را در مواجهه با صحنه‌ی شهوت انگیز، همانند کوه، استوار و مطمئن نگاه داشت، یاد خدا بود؛ نیرویی که می‌تواند هر گونه خلل مؤثر در عزم نیازمندان را از میان بردارد. آری، ایمان به خدا، گرسنگانی چند را وا می‌دارد، تا غذای خویش را به مسکین، یتیم و اسیر، بخشند.^۲

۴. هیچ نمونه‌ای تاکنون ارائه نشده که بی‌بند و باری‌های جنسی، یا وفور ثروت توانسته باشد طمأنینه را در ملتی ایجاد کند، بلکه در درون کاخ‌های آهنین، اضطراب‌هایی مشاهده می‌شود که در کوخ‌ها، دیده نمی‌شود. چنان که در اعتراف‌های پیشگفته مبرهن شد هیچ یک از سردمداران کشورهای که به آزادی مطلق جنسی قائلند، از بهداشت روحی ملت خود خوشنود نیستند!

۱. یوسف / ۲۱.

۲. انسان / ۷.

آزمون

۱. مقام معظم رهبری - مدظله العالی - در منشور نماز، به چه اولویتهای و نکات مهمی اشاره فرمودند؟
۲. تفاوت سیمای نماز را در نگرش سطحی و نیز بینش عمیق به آن، ترسیم کنید.
۳. تشکر از خدا، با قدردانی از مردم، چه تفاوتی دارد؟ استدلالی قرآنی ارائه کنید.
۴. چرا نماز برای برخی مردم، همراه با دشواری است و مراد از آیهی «وانها لکبیرة الا علی الخاشعین» چیست؟
۵. «هنری لنک» چه تحقیقی دربارهی شناسایی ریشههای تبهکاری انجام داد و به چه نتایجی دست یافت؟
۶. یونگ در زمینهی تحقیقات خود دربارهی بیماران روانی، چه میگوید؟
۷. پیش بینی رهبران امریکا و شوروی دربارهی جامعهی خویش را بنویسید.
۸. نهر، احساسات و شرایط روحی خود را چگونه وصف می کند؟
۹. چگونگی کسب آرامش از طریق نماز را توضیح دهید.
۱۰. چرا آزادی جنسی و غنای اقتصادی بدون اعتقاد دینی نمی تواند سلامت جامعه را تضمین کند؟ به خلاصهی موارد ارائه شده، در قالب چهار بند اشاره کنید؟

درس دوم

چرا نماز بخوانیم؟

(۲)

ضررها و کمبودهای زندگی را از چه راه‌هایی می‌توان جبران کرد؟

جدول ۳. جبران ضرر و ورشکستگی

۱.
۲.
۳.
۴.
۵.

الف. در زندگی دنیا انسان‌ها از نظر سوخت و ساز، خرج و دخل و کامیابی در معاملات متفاوت‌اند! برخی اصلاً خرجی ندارند، یا به عبارت دیگر: خرج آنان توسط دیگران تامین می‌شود! آیا در بازار محاسبات معنوی اعمال نیز کسانی هستند که هزینه‌ی آنان به وسیله‌ی دیگران تامین گردد؟ چه کسانی؟

ب. در دنیا برخی خرج و دخل مساوی دارند! حقوقی ثابت دریافت می‌کنند و هزینه‌های آنان نیز کاملاً مشخص و تقسیم بندی شده است. نمونه‌ی آن، در جهان آخرت چه کسانی هستند؟

ج. چه کسانی در آخرت به کسانی در دنیا می‌مانند که هزینه‌ی آنان ۱۰ و درآمد آنان ۱۰۰ است؟ عکس این گروه، چه کسانی هستند و باید چگونه رفتار کنند؟

د. هماهنگی بین خرج و دخل، یا افزایش درآمد و کنترل هزینه‌ها در محاسبات اخروی چگونه صورت می‌گیرد؟ اگر هزینه افزایش یافت، اضافه کاری که بتواند به این هزینه‌ی افزوده، پوشش دهد چیست؟ درس دوم را با این نگرش، مرور کنید.

۲. جبران خطایا

هجوم شیطان و نفس و جاذبه‌های گوناگون دنیای مادی و تسویلاتی که برای او پدید می‌آید، مایه‌ی اشتباه‌ها و گناهان پیاپی وی می‌شود. به گونه‌ای که امام سجّاد علیه السلام در دعای ابوحمزه‌ی ثمالی، عرض حال بندگان به پیشگاه خداوند را چنین شرح می‌دهد:

«خَيْرُكَ اَلَيْنَا نَازِلٌ وَ شَرُّنَا اَلَيْكَ صَاعِدٌ وَ لَمْ يَزَلْ وَ لَا يَزَالُ مَلَكٌ كَرِيمٌ يَأْتِيكَ عَنَّا بِعَمَلٍ قَبِيحٍ؛^۱

[خدایا!] خیر و احسان تو، به سوی ما فرو فرستاده، و شر و بدکاری ما، پیوسته، به پیشگاه والایت عرضه می‌گردد؛ به گونه‌ای که ملائک، همواره، در حال گزارش بدی‌هایمان در پیشگاه تو اند.»

۱. مفاتیح الجنان، دعای ابوحمزه ثمالی.

چرا نماز بخوانیم؟ (۲) □ ۳۵

این نحوه‌ی ارتباط بین خالق و مخلوق و طغیان بنده‌ای که به رغم ضعف و نیاز، با آفریدگار مهربان خود به مخالفت بر می‌خیزد، اگر بدون تدارک و انعطاف ادامه یابد، هرگونه امیدی را به آینده منتفی، فاصله‌ها را، لحظه به لحظه بیش‌تر گردانده، و انسان را مستحق عذاب و خشم خداوند متعال می‌سازد.

اگر چه انسان، جاهلانه و بی‌اعتنا، دوری از دریای رحمت حق را انتخاب می‌کند، خدای کریم و حکیم که به یکایک بندگانش محبتی فراتر از محبت پدر به فرزندان دارد، هرگز به چنین جدایی قهرآمیزی رضا نمی‌دهد و او را برای حضور بر سر سفره‌ی آشتی، در قالب اذکار نماز به گفت‌وگوی محبت‌آمیز با خود فرا می‌خواند و با بیانی سراسر مهر در قرآن کریم می‌فرماید:

«وَأَقِمِ الصَّلَاةَ طَرَفَى النَّهَارِ وَ زُلْفًا مِنَ اللَّيْلِ إِنَّ الْحَسَنَاتِ يُذْهِبْنَ السَّيِّئَاتِ ذَلِكَ ذِكْرَى لِلذَّاكِرِينَ»^۱

دو طرف روز را با نماز تزیین نما و شبانگاه نیز به اقامه‌ی آن برخیز؛ چرا که [این] کار نیکو، گناهان را از بین می‌برد.»

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم می‌فرماید:

«إِذَا قُمْتَ إِلَى الصَّلَاةِ وَ تَوَجَّهْتَ وَ قَرَأْتَ أُمَّ الْكِتَابِ وَ مَا تَيْسَّرَ مِنَ السُّورِ ثُمَّ رَكَعْتَ فَاتَّمَمْتَ رُكُوعَهَا وَ سُجُودَهَا وَ تَشَهَّدْتَ وَ سَلَّمْتَ، غُفِرَ لَكَ كُلُّ ذَنْبٍ فِيمَا بَيْنَكَ وَ بَيْنَ الصَّلَاةِ الَّتِي قَدَّمْتَهَا إِلَى الصَّلَاةِ الْمُؤَخَّرَةِ»^۲

آنگاه که نماز را اقامه کردی و به سوی خدا توجه یافتی و سوره‌ی حمد یا سوره‌ای دیگر را قرائت کردی، رکوع و سجود را کامل به جا آوردی و تشهد و سلام را انجام دادی، خداوند گناهان بین نماز قبلی و این نماز را می‌بخشد.»

۱. هود / ۱۱۴.

۲. بحارالانوار، ج ۸۲، ص ۲۰۵.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم نمازهای پنج‌گانه‌ی یومیّه را به نه‌ری تشبیه می‌فرمایند که بر درِ خانه‌ی فردی باشد و روزانه پنج بار در آن خود را شست شو دهد، بی‌تردید، هیچ اثری از چرک و کثیفی در بدن او باقی نمی‌ماند؛ همین‌گونه روح آدمی بوسیله‌ی نماز هر روز پنج نوبت از نا پاکِ گناه شست‌وشو داده می‌شود.

در این روایت، پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله آیه فوق را به امید بخش‌ترین آیه‌ی قرآن وصف فرموده، می‌افزایند: «قَسَمَ به کسی که مرا به پیامبری برگزیده، از وقتی که انسان وضو گرفتن را می‌آغازد، گناهان او فرو می‌ریزد و آن‌گاه که به نماز می‌ایستد و آگاهانه، با خدای خود سخن می‌گوید، همانند روزی که از مادر متولد گردیده، از گناه بیرون می‌آید.»^۱

در حدیثی دیگر پیامبر فرمود: «شنیدم مَلْکِی به هنگامِ هر یک از نمازهای یومیّه چنین ندا می‌داد: ای فرزندان آدم! برای خاموش کردن آتش‌هایی که خود، بر اثر اعمال ناشایسته، بر افروخته‌اید، قیام کنید. گروهی از شما برمی‌خیزند، وضو می‌گیرند، نماز می‌گزارند و گناهان آنان بخشیده می‌شود. سپس تا فاصله‌ی نماز بعدی مرتکب گناه می‌شوند و آتش‌هایی را بر می‌افروزند و هنگام نمازی دیگر فرا می‌رسد و منادی الهی، دیگر بار آن‌ها را به خاموش کردن آتش فرا می‌خواند و... همین عمل تکرار می‌شود، تا آن‌که می‌خوابند، درحالی که گناهان شان بخشیده شده است.»^۲

امیرمؤمنان علیه السلام نیز چنین می‌فرماید:

۱. بحارالانوار، ج ۸۲، ص ۲۲۰.

۲. همان /ص ۲۲۴.

چرا نماز بخوانیم؟ (۲) □ ۳۷

«الصَّلَاةُ الْخَمْسُ كَفَّارَةٌ لِمَا بَيْنَهُنَّ لِمَا اجْتَنَبَ الْكُبَائِرَ وَهِيَ الَّتِي قَالَ اللَّهُ تَعَالَى إِنَّ الْحَسَنَاتِ يُذْهِبْنَ السَّيِّئَاتِ^۱

نمازهای پنج‌گانه کفاره‌ی گناهان بین آنها است، مادامی که نمازگزار از گناهان بزرگ پرهیزد و این، تفسیر همان سخن خداوند تبارک و تعالی است که فرمود: نیکوکاری‌ها، جبران‌کننده‌ی بدی‌هاست.

حضرت علی در گفتاری دیگر، فرو ریختن گناهان نمازگزار را به ریختن برگ درختان تشبیه کند^۲ و در روایاتی دیگر، نماز، به عنوان تَمَنُّ بهشت^۳، کلید بهشت، جواز عبور از گذرگاه قیامت، مانع آتش و عذاب الهی، توشه‌ی مؤمن، مونس او در خانه‌ی قبر و تاج افتخارش در قیامت، سخنگوی وی در پاسخ به نکیر و منکر و عامل درخشش چهره اش در محشر، نردبان ترقی او در درجات برتر و سبب روسیاهی شیطان^۴، معرفی شده است، که هر یک از این تعبیرات بر تأثیر نماز در محو گناهان و جبران خطایا، همچنین آسان‌سازی حسابرسی نماز گزارن دلالت دارد.

نماز، نه تنها در محو و جبران گناه، بلکه در جلوگیری از ارتکاب گناهان، نقش دارد. سخن استاد مطهری (ره) را در این باره می‌خوانیم:

«ذکر و یاد خدا، دل را جلا می‌دهد و صفا می‌بخشد و آن را آماده‌ی تجلیات الهی قرار می‌دهد. حضرت علی درباره‌ی یاد حق، که روح و هدف عبادت است، چنین می‌فرماید:

۱. بحارالانوار، ج ۸۲، ص ۲۳۳.

۲. همان / ص ۲۴۴.

۳. همان / ص ۲۳۲.

۴. کنز العمال، ج ۷، ص ۲۸۴.

«إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى جَعَلَ الذِّكْرَ جَلَاءً لِلْقُلُوبِ، تَسْمَعُ بِهِ بَعْدَ الْوَقْرَةِ وَتُبْصِرُ بِهِ بَعْدَ الْعَسْوَةِ وَتَنْقَادُ بِهِ الْمُعَانِدَةَ وَ مَا بَرَحَ اللَّهُ عَزَّتْ أَلَانُهُ فِي الْبُرْهَةِ بَعْدَ الْبُرْهَةِ وَ فِي زَمَانِ الْفَتَرَاتِ عِبَاداً نَاجَاهُمْ فِي فِكْرِهِمْ وَ كَلَمَتِهِمْ فِي ذَاتِ عُقُولِهِمْ؛^۱

خداوند، یاد خود را صیقل دل‌ها قرار داده است، دل‌ها بدین وسیله از پس کری، شنوا، پس از نابینایی، بینا و در پی سرکشی و عناد، رام می‌گردند. همواره چنین بوده و هست که خداوند متعال در هر برهه‌ای از زمان و در زمان‌هایی که پیامبری در میان مردم نبوده، بندگانی داشته و دارد که در سرّ ضمیرشان با آن‌ها راز می‌گویند و از راه عقل‌هایشان با آنان تکلم می‌کند.»

در آن کلمات، خاصیت عجیب و تأثیر شگرف یاد حق بر دل‌ها بیان شده، تا جایی که دل، قابل الهام‌گیری و مکالمه با خدا می‌گردد.^۲

عبادت برای تجدید و طراوت حیات ایمانی انسان است و نیز قوت و شکوفایی آن.

«به هر اندازه انسان به یاد خدا باشد، کم‌تر معصیت می‌کند. معصیت کردن و نکردن، دایره مدار علم نیست، دایره مدار غفلت و تذکر است. به هر اندازه انسان، غافل باشد، یعنی خدا را فراموش کرده باشد، بیش‌تر معصیت می‌کند. به هر اندازه خدا بیش‌تر به یادش بیاید، کمتر معصیت می‌کند.»^۳

۱. نهج البلاغه صبحی صالح / خطبه‌ی ۲۲۲.

۲. سیری در نهج البلاغه / ۸۷.

۳. گفتارهای معنوی / ۷۹.

۳. پرورش تمرکز ذهن

کسانی که ضریب هوشی بالایی ندارند، چه کاستی‌هایی در مکانیزم بدن آنان وجود دارد؟ وزن مخچه یا مغز؟ فقدان یا کوچکی یک عضو ادراکی؟ آیا اصولاً مشکل آنان سخت‌افزاری است، یا نرم‌افزاری؟ توضیح دهید.

جدول ۴. عوامل پرورش حافظه

۱.
۲.
۳.
۴.
۵.

نگاه ما به نماز و کارکرد آن، از منظر تأثیر و تأثرات مادی نیست و در پی آن نیستیم که بگوییم باید نماز بخوانیم؛ زیرا نماز در پرورش تمرکز ذهن و پرورش آمادگی‌های ذهنی مؤثر است، بلکه معتقدیم این عمل عبادی که برای انجام فرمان خدا انجام می‌شود، در حاشیه و سایه و همراه با خود، کارکردهایی را نیز دارد. به دیگر سخن: نماز را به جا می‌آوریم؛ چون خدا به آن فرمان داده است؛ اما مسلماً این عبادت که جزء برنامه روزانه زندگی مسلمانان قرار گرفته نمی‌تواند خالی از آثار مادی باشد که در این کتاب به آنها اشاره می‌شود.

همان‌گونه که قبلاً اشاره شد، اضطراب‌های فکری و تنش‌های روانی از بیماری‌های مهلکی است که بشریت قرن بیستم را تهدید می‌کند. روان‌کاوان و دانشمندان می‌کوشند با پیش‌بینی راه‌های کاهش بار فکری، برای مقطعی به

اندیشه و روان انسان استراحت داده، وی را از دگرگونی‌های روحی نجات بخشند. مهار این پراکندگی‌های فکری، شرط نخست دست یابی به نبوغ، درایت و فهم مسایل است. به همین جهت می‌کوشند مکان‌های مطالعه و تحقیق را، از آرام‌ترین و مطبوع‌ترین و دل‌انگیزترین مکان‌ها بر گزینند، تا امکان تمرکز ذهن و رفع نگرانی را فراهم سازند.

روانشناس معروف، ویلیام مولتون مارستن در مجله‌ی انگلیسی «ریدرز دایجست»^۱ نگاشته است:

«اغلب مردم از حیث قدرت تمرکز حواس در زمینه‌ی مسایلی که تصمیم‌گیری درباره‌ی آن‌ها به عهده‌ی آنان نهاده شده، عاجز هستند و همین تشنگی و پراکندگی، موجب خطا و سرگردانی شان می‌شود. در حالی که اگر عقل انسانی به امری، تمرکز قوی و شدید پیدا کند، به صورت یک ابزار حیران‌کننده ایفای نقش خواهد کرد.»

سپس با استناد به سخن پدر روان‌شناسی می‌افزاید:

«فرق نوابغ و افراد عادی، در امکان تمرکز ذهن و قوای عقلانی است، نه در توانمندی و سایر صفات فکری.»^۲

نماز، روزانه پنج نوبت فکر را در مدار تمرکز قرار می‌دهد و پرورش تمرکز آن را آسان می‌کند؛ برای همین به منظور رسیدن به تمامیت این تمرکز، در اسلام دستور داده شده از هر کاری که موجب پراکندگی ذهن و تمرکز می‌شود، در نماز

۱. مجله‌ی انگلیسی readers dijest مجله‌ای سیاسی اجتماعی است، که با بیش از بیست و یک زبان از سال

۱۹۲۲ در لندن و دیگر کشورهای اروپایی و امریکایی منتشر می‌شود.

۲. روح الصلاة فی الاسلام/ ص ۳۱.

چرا نماز بخوانیم؟ (۲) □ ۴۱

پرهیز شود؛ همچون: ایستادن در برابر در و پنجره گشوده، آینه، و هرگونه تصویر و تابلو، و نماز خواندن در حال محصور بودن و

حال اگر با قوت و تسلط، ذهن خود را در مسیر معنویت سوق دهیم، تمام نقش و آثار تمرکز در یافته‌های معنوی و رشد روحی انسان، ظاهر گردیده، انضباطِ قرار یافتن در مدار مشخص را در خارج از نماز، ملکه می‌کند و آرامش و قراری خاص می‌یابد.

۴. برقراری عدالت اجتماعی

در زندگی دنیوی به دلیل محدودیت منابع و نامحدود بودن تقاضا، همواره نگرانی از رعایت نشدن عدالت اجتماعی در توزیع ثروت و امتیازهای دنیایی وجود دارد.

چه مکانیزم و سیستمی می‌تواند زیاده خواهی بشر را در این مورد به گونه‌ای اطمینان بخش کنترل و مهار سازد؟ سرعت گیر و کنترل کننده‌ای که بتواند سرعت و حرکت بشر را در این عرصه محدود کند، چیست؟

اگر شهرداری بخواهد از افزایش ساخت و سازهای بی‌رویه و تراکم‌های خارج از قواره و استاندارد جلوگیری کند، یا دولت در نظر داشته باشد مالیات بگیرد، یا ناهنجاری را به هنجار بدل سازد، برخورد مستقیم، واپسین و کم‌اثرترین راه آن است و معمولاً راهکاری را تعریف می‌کنند که در فرآیند انجام یکی از ضرورت‌ها و نیازهای قطعی، همه‌ی افراد به رعایت یا انجام و تأدیه‌ی آنچه دولت بر آن اهتمام دارد، ملزم گردند. همانند پایان کار، خرید و فروش و انجام معاملات و خروج از کشور و امثال آن، بر این اساس آیا می‌توانید بگویید چه

مکانیزم‌های معتبری می‌توان در جریان حیات روز مره‌ی آدمیان تعبیه کرد که آنان را به رعایت عدالت اجتماعی ملزم کند؟ نام آنها را در جدول زیر بنویسید.

جدول ۵. عوامل مؤثر در رعایت عدالت اجتماعی

۱.
۲.
۳.

اینک به کارکرد نماز در این زمینه توجه کنید.

نمازگزار، باید شرایطی را درباره‌ی لباس و مکان نماز، پرداخت واجبات مالی همچون خمس و زکات، پرهیز از غیبت و توجه به حقوق دیگران را در نظر گیرد، تا نماز او مقبول درگاه خداوند تبارک و تعالی^۱ شود. این الزام‌ها که تمام بخش‌های زندگی انسان را تحت تأثیر و نفوذ قرار می‌دهد، نماز را از یک عمل فردی، خارج و به صورت جریان‌ی اصلاحی و پدیده‌ای اجتماعی در متن زندگی ظاهر کرده و خود، عاملی در مسیر ایجاد و برقراری عدالت اجتماعی می‌شود.

استاد مطهری (ره) می‌نگارد:

«مسأله‌ی دیگر: مسأله‌ی حقوق است. باز از نظر روح عبادت واقعاً فرق نمی‌کند که ما روی یک فرش غضبی باشیم، یا روی یک فرش مباح. این‌ها قراردادهای اجتماعی است که این فرش مال شما باشد و آن فرش مال من؛ من

چرا نماز بخوانیم؟ (۲) □ ۴۳

در مال شما تصرف نکنم و شما در مال من تصرف نکنید. این‌ها هر یک، دستورهایی است که برای زندگی اجتماعی مفید است، وگرنه یک واقعیت و حقیقتی نیست که مثلاً اگر این فرش مال من باشد، یک کیفیت واقعی داشته باشد و اگر مال شما باشد، یک کیفیت واقعی دیگر... . مسأله‌ی عبادت، یک امر واقعی است؛ یعنی از نظر حالت و رابطه‌ی روحی که میان انسان و خدا برقرار می‌شود، این امور نمی‌توانند واقعاً اثری در عبادت داشته باشند. بعضی چیزها اثر دارند؛ مثلاً: اگر انسان دچار برخی عوارض جسمی و روحی باشد، اصلاً عبادت بر هم می‌خورد، و این عوارض، مانع حضور قلب و توجه می‌شوند، ولی امور مذکور چنین اثری ندارند. مع ذلک اسلام می‌گوید: جایی که در آن نماز می‌خوانی، آبی که با آن وضو می‌گیری، حتی آن محلی که آب وضویت در آن ریخته می‌شود، لباسی که با آن نماز می‌خوانی، تمام آنچه با این عمل تو ارتباط دارد، باید مباح باشد، یعنی نباید حرام باشد، اگر یک نخ غصبی هم در لباس تو باشد، این عبادت پذیرفته نیست.^۱

یعنی اسلام می‌گوید: من پرستشی را که در آن حقوق اجتماعی محترم نباشد، اساساً قبول ندارم. آن وقت یک نمازگزار وقتی می‌خواهد نماز بخواند، اول فکر می‌کند خانه‌ای که من در آن هستم، به زور از مردم گرفته ام، یا نه؟ اگر به زور گرفته‌ام، نمازم باطل است. پس مجبور است خانه‌ای ترتیب دهد که برایش حلال باشد، یعنی از صاحب اصلی‌اش خریده باشد، یا صاحب او را راضی نگه دارد. فرش زیر پا و لباسی که به تن دارد، همینطور. اگر خمس یا زکات باید بدهد و ندهد، باز نمازش باطل است.^۲

۱. تعلیم و تربیت / ۱۸۸-۱۸۷.

۲. گفتارهای معنوی / ۸۴-۸۳.

همان گونه که در فقه، نماز با لباسی که از درآمد غیر مشروع تهیه گردیده، یا در مکانی که صاحب آن راضی نیست، باطل شمرده شده است، در روایات نیز نماز کسی که پدر و مادر از او راضی نباشند،^۱ کسی که غیبت مسلمانی را کرده باشد،^۲ زنی که همسرش از او ناراضی باشد، آن که حقوق مستمندان را ندهد، امام جماعتی که مردم از او ناراضی باشند^۳ و کسی که لب به مسکرات بیالاید،^۴ غیر قابل قبول شمرده شده است. اینک به دستاوردی دیگر از آثار نماز توجه کنید:

۵. دستیابی به وقار اخلاقی و شخصیتی

بی تردید برخی از پدیده‌ها، تاثیری عمیق در رفتار و شخصیت انسان باقی می‌گذارند و آینده‌ی زندگی وی را به کلی دگرگون می‌کنند. هر کس به خوبی می‌داند از چه زمانی و چگونه شیوه‌ای را ترک گفته و روشی دیگری را پس از مواجهه با خاطره‌ای ملال انگیز، برگزیده است. به گفته‌ی قرآن: یکی از اعمالی که اخلاق و شخصیت انسان را شدیداً تحت تأثیر و نفوذ خود قرار می‌دهد، نماز و مداومت بر این عمل عبادی است. پروردگار حکیم، ساختار شخصیتی همه‌ی انسان‌ها را چنین ترسیم می‌کند:

«انَّ الْإِنْسَانَ خُلِقَ هَلُوعًا إِذَامَسَّهُ الشَّرُّ جَزُوعًا وَإِذَامَسَّهُ الْخَيْرُ مَنُوعًا إِلَّا الْمُصَلِّينَ الَّذِينَ هُمْ عَلَى صَلَاتِهِمْ دَائِمُونَ»^۵

۱. بحارالانوار، ج ۷۴، ص ۶۱.

۲. همان، ج ۷۷، ص ۵۰.

۳. همان، ج ۷۵، ص ۲۵۷.

۴. همان، ج ۸۴، ص ۳۱۷.

۵. معارج / ۱۹ - ۲۳.

چرا نماز بخوانیم؟ (۲) □ ۴۵

انسان، بی طاقت و حریص آفریده شده است. هنگام رویارویی با مشکل، بی‌تابی می‌کند و آن‌گاه که به امکانی دست یابد، از یاری دیگران دریغ می‌ورزد؛ مگر نمازگزارانی که هیچ‌گاه از انجام این عبادت فروگذار نمی‌کنند.

نمازگزار، با در نظر گرفتن مفاهیم والا و بلندی که همواره به خود الهام و تلقین می‌کند و آرامشی که در پرتو ذکر خدا فراهم می‌آورد، به وقار و شخصیتی دست می‌یابد که می‌تواند در دوران گوناگون زندگی، نوسانات روحی خویش را مهار سازد.

حضرت زهرا - سلام‌الله علیها - در خطبه‌ای شیوا، فلسفه‌ی اعمال عبادی را، وا رسیده، و در جمع زنان مدینه چنین می‌فرماید: «[خداوند] نماز را واجب گردانید، تا انسان‌ها را به وسیله‌ی آن از تکبر، منزّه فرماید.»^۱
شهید مطهری (ره) نیز فرمود:

علی علیه السلام در خطبه‌ی ۱۹۲ نهج البلاغه پس از اشاره به پاره‌ای اخلاق نکوهیده از قبیل سرکشی، ظلم و کبر می‌فرماید:

«وَعَنْ ذَلِكَ مَا حَرَسَ اللَّهُ عِبَادَةَ الْمُؤْمِنِينَ بِالصَّلَوَاتِ وَالزَّكَاةِ وَمُجَاهِدَةِ الصِّيَامِ فِي الْإَيَّامِ الْمَفْرُوضَاتِ تَسْكِينًا لِأَطْرَافِهِمْ وَتَخْشِيعًا لِأَبْصَارِهِمْ وَتَذَلِيلًا لِنَفْسِهِمْ، وَتَحْفِيزًا لِقُلُوبِهِمْ وَإِزَالَةَ لِلْخِيَلَاءِ عَنْهُمْ؛

چون بشر در معرض بیماریهای اخلاقی و روحی است، خداوند به وسیله‌ی نماز، زکات و روزه بندگان مؤمن را از آفاتی چنین، نگهبانی کرد. این عبادات، دست و پاها را از گناه باز می‌دارند، چشم‌ها را از خیرگی باز داشته، به آن‌ها خشوع می‌بخشند، نفوس را، رام، دل‌ها را فروتن و باد دماغ را زایل می‌سازند.»^۲

۱. «فَرَضَ اللَّهُ الصَّلَاةَ تَنْزِيهًا لَكُمْ عَنِ الْكِبَرِ». بحار الانوار، ج ۸۲، ص ۲۰۹.

۲. سیری در نهج البلاغه / ۹۷.

علت تأثیر نماز در شخصیت انسان این است که نمازگزار قلبی مطمئن دارد؛ اطمینان به بزرگ‌تر بودن خداوند از همه‌ی جاذبه‌ها، شخصیت‌ها، قدرت‌ها و امکانات. نمازگزار خود را وابسته به چنین قادری یکتا می‌داند که جهانیان در قبضه‌ی قدرت اویند و پرورش یافته او؛ همو که در عین قدرت، رحمان و رحیم است و حکومتش به دنیا محدود نمی‌گردد، بلکه مالک روز قیامت نیز هست. این طمانینه قلبی که در قالب اذکار نماز از نهاد نمازگزار برمی‌خیزد، وقار شخصیتی و آسودگی روحی اش را تضمین می‌کند.

نمازگزار با یادآوری منظره‌ی آینده‌ی زندگی انسان‌ها و واپسین روز حیات، شخصیتی آینده‌نگر و اندیشه‌ای والا و نامحدود می‌یابد.^۱ او با گره زدن تعلقات روحی خود با خداوند هستی و استعانت از او^۲ نفسی با کرامت، قلبی آرام و آزاد از هر گونه دلهره، اضطراب، توقع و امید به دیگران می‌یابد. او لزوم پیروی از صالحان، گام نهادن در مسیر هدایت^۳، موضع‌گیری در برابر گمراهان^۴ را هر روز در قالب اذکار نماز به خود تلقین می‌کند.

۶. پذیرش انضباط و نظم

آیا تاکنون در قالب برنامه‌های گروهی مثلاً: اردوهای سیاحتی یا زیارتی به سفر رفته‌اید؟ وساعت‌های اعلام شده برای حرکت از مبدا و حرکت‌های بعدی را، با ساعت‌هایی که عملاً حرکت‌ها را انجام داده‌اید، مقایسه کرده‌اید؟ آن‌ها را در جدول وارد کنید.

۱. مالک يوم الدين.

۲. اياك نعبدُ و اياك نستعين.

۳. صراط الذين انعمت عليهم.

۴. غير المغضوب عليهم ولا الضالين.

چرا نماز بخوانیم؟ (۲) □ ۴۷

جدول ۶. پیش‌بینی و چگونگی انجام برنامه‌های گروهی:

ردیف	مبدأ	مقصد	هدف برنامه	ساعت اعلامی	ساعت انجام
۱.					
۲.					
۳.					
۴.					
۵.					

آیا تاکنون با کسی قرار ملاقات تنظیم کرده‌اید، که از قبل بدانید او در برنامه خیلی دقیق و بهنگام است و در صورت تخلف، ناراحت می‌شود؟
آیا تاکنون به پزشکی مراجعه کرده‌اید که دقیقاً در لحظه‌ی تنظیم وقت خودش در را بگشاید و از شما استقبال کند؟ اگر چنین اتّفاقی برای بیماری بیفتد چه احساسی در او ایجاد می‌گردد؟
اگر سر و کار همیشگی ما با افراد منظم و سخت گیر در مورد ساعت دقیق برنامه‌ها باشد، چه خصلت و منشی در ما به این وسیله رشد می‌یابد؟
معمولاً در کشورهای پیشرفته، اگر یک برنامه‌ی اردو یا بازدید جمعی تنظیم کنند، برای ساعت حرکت به جای ساعت ۷/۱۵ دقیقه مثلاً اعلام می‌کنند ۷/۱۷ دقیقه و بسیار مقیدند رأس دقیقه اعلام شده حرکت کنند، نه زودتر و نه دیرتر!

مثلاً رأس ساعت ۱۱/۳۳ دقیقه، خودروی آنان در نقطه‌ی بازگشت توقّف کند؛ زیرا معتقدند این دقّت نظر باعث می‌شود کارآموزان یا همکاران، یا مشتریان، نظم و انضباط را در خود نهادینه سازند. اینک به نماز و تأثیر و کاربرد آن در پرورش نظم و انضباط توجه کنید.

زیباترین و چشمگیرترین تصویر از شخصیت، خدمات و امتیازهای هر فرد یا مجموعه، تصویر نظم و انضباط است. انسان در هر یک از فعالیت‌ها و مقاطع زندگی به شرطی درخور تحسین تلقی می‌گردد، که کتاب زندگی و رفتار خود را به زینت «انضباط» مزین گرداند. این امتیاز وسیله‌ی تمرین و دقّت، نصیب او می‌گردد. آدمی در جریان زندگی و برنامه‌هایش باید خود را به رعایت نظم مجبور ساخته، و الزام‌هایی در برنامه، بر خویش تحمیل کند، تا به مرور زمان این خصوصیت به صورت ملکه در سایر بخش‌های زندگی او جریان یابد. استاد مطهری (ره) چنین می‌نگارد:

«عبادت، یک وقت مشخص و معینی دارد و دقیقه اش هم حساب می‌شود. وقت نماز صبح از اوّل طلوع صبح تا اوّل طلوع آفتاب است و اگر عمداً یک دقیقه قبل از طلوع صبح یا بعد از طلوع آفتاب شروع کنی، نمازت باطل است، باید بین این دو تا باشد. اگر بگویی: آقا! من فعلاً خوابم می‌آید! من دیشب بیداری کشیده‌ام، الان یک ساعت به طلوع صبح مانده، خدا که خواب و بیداری ندارد، مگر خدا در بین الطلوعین (العیاذ بالله) لباس رسمی اش را می‌پوشد و برای قبول کردن نمازها آماده می‌شود؟ برای خدا که تمام ساعات و لحظات یکسان است: «لَا تَأْخُذُهُ سِنَةٌ وَلَا نَوْمٌ»^۱ من امشب بیداری کشیده‌ام و خوابم می‌آید، می‌خواهم نیم ساعت زودتر نماز را بخوانم و بخوابم.

۱. بقره / ۲۵۵؛ جمله‌ای از «آیة الكرسی»

چرا نماز بخوانیم؟ (۲) □ ۴۹

ابداً! انضباط و وقت را باید بشناسی، جز در وقت خودش در وقت دیگر نباید نماز بخوانی. آیا از نظر خدا فرق می‌کند که این وقت یا آن وقت باشد؟ نه، از نظر تو فرق می‌کند، تو باید با این نماز تربیت شوی، اگر شب تا دوی نیمه شب هم بیدار بودی، باید بین الطلوعین بیدار شوی و نمازت را بخوانی و نماز ظهر و عصر هم همین طور است، قبل از وقت، قبول نیست. بعد از وقت، هم قبول نیست. مغرب و عشا نیز همین طور است.^۱

نمازهای یومیّه که در اوقات معین و به صورت یک الزام دینی در برنامه‌ی زندگی روزمره قرار می‌گیرد، صفحه‌ی فعالیت‌های انسان را، چدول بندی و روح انضباط و تقید به وقت را در وی احیا می‌کند. با بررسی دقیق نمودهای برنامه ریزی و نظم نماز، در می‌یابیم این عبادت والا، در آغاز و فرجام، دارای نظمی لطیف و زیباست. اسلام عزیز از جهت مقدمات و ترتیب منطقی انجام آن بر حسب شرایط گوناگون غسل، وضو، تیمم، از حیث جهت ایستادن (قبله)، حرکت دست و اندام بدن، تعداد رکعت‌ها در هر نوبت، لباس نمازگزار و نوع آن، محلی که برای اقامه‌ی نماز یا سجده برمی‌گزینند، و تمام این جهات، طرح و برنامه دارد. برای تون صدا و نحوه‌ی ادای قرائت، در زیر و بم کردن صدا، نحوه‌ی ادای قرائت، تبیین سمت و سوی نگاه نماز گزار، آب وضو، باقی مانده‌ی آن، خاک، یا محلّ سجده، آرایش ظاهری، حتی تعقیبات نماز و... در مرحله‌ی فراتر در نماز جماعت، برای تنظیم صفوف، گزینش امام، و... دستورهایی خاص و الگوهایی بدیل، ارئه کرده است. الزام به این برنامه‌ها در هر روز یعنی؛ احیای روح تقیدپذیری که آهنگ انضباط را در نهاد انسان، نهادینه می‌گرداند.

۷. استواری ایمان و استقامت

خواندن سرودهای دسته جمعی خصوصاً در مراکز آموزشی چه نقشی می‌تواند در تربیت داشته باشد؟ لطفاً این آثار را در جدول زیر فهرست فرمایید.

جدول ۷. آثار سرودهای جمعی

۱.
۲.
۳.

و اینک به بررسی آثار سرود عبودیت می‌پردازیم:
هر سپاه و سازمانی برای الهام استقامت و ثبات، سرودی را به سربازان و پیروان خود می‌آموزد، که هر صبحگاه و شامگاه، با سرودن آن، روحیه‌ی مقاومت را در جان‌هایشان به هیجان آورند و عزم و اراده خویش را آهنین سازند. سپاه هستی و ذراتی که به ظاهر خاموش و بی‌صدا می‌نمایند، سرود پایداری در فرمانبرداری از آفریننده را هر صبح و شام می‌سرایند:

«ان من شئء الا یسبح بحمده»

جمله‌ی ذرات عالم، در نهان
ما سمیعیم و بصیریم و هشیم
با تو می‌گویند روزان و شبان
با شما نامحرمان، ما خامشیم
محرّم جانِ خدادان، کی شوید؟
چه، شما سوی جمادی می‌روید

چرا نماز بخوانیم؟ (۲) □ ۵۱

انسان‌ها نیز به عنوان محور نظام خلقت، هم‌نوا با سایر ذرات وجود، صبح و شام خود را با سرودن سرود ستایش و سپاس و اعلام وفاداری در اطاعت از خالق هستی‌آفری، سپری می‌کنند. این سرود که در آن، تقید به مهم‌ترین نکات عقیدتی، اخلاقی، عاطفی، سیاسی و... دیده می‌شود، روح سازش‌ناپذیری با طاغوت‌ها و گمراهان، و پایبندی به نظام اخلاقی مشخص را در انسان تقویت می‌کند.

آزمون

۱. عملکرد انسان در دنیا چگونه در سخن امام سجّاد علیه السلام بیان شده است؟
این عمل به طور طبیعی، چه پیامدی دارد؟
۲. با ذکر روایتی از پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله وسلّم و سخنی از امیر مؤمنان علیه السلام چگونگی تأثیر نماز در محو گناهان را بیان کنید.
۳. استاد مطهری (ره)، رابطه‌ی یاد خدا و پرهیز از گناهان را چگونه تبیین می‌کند؟
۴. چگونگی تأثیر نماز بر پرورش تمرکز ذهن را با رویکردی روان شناسانه توضیح دهید.
۵. رابطه‌ی نماز با عدالت اجتماعی چیست؟
۶. علت تأثیر نماز در شخصیت نمازگزار چیست؟
۷. چگونه نماز به زندگی انسان نظم و انضباط می‌دهد؟
۸. استاد مطهری (ره) در زمینه‌ی فلسفه‌ی تعیین وقت نمازها، چه می‌فرماید؟
۹. ادامه‌ی آیه‌ی «ان الانسان خلق هلوعاً» چیست؟ و بر چه مطلبی دلالت دارد؟
۱۰. چگونگی استواری ایمان و استقامت را از طریق نماز، شرح دهید.

درس سوم

چرا نماز بخوانیم؟

(۳)

آیا هیچگاه دلگیر یا افسرده شده‌اید؟ به هنگام افسردگی چه عواملی در رفع آن مؤثر است؟ انسان به چه کاری در هنگام افسردگی تمایل دارد؟ لطفاً این عوامل و راهکارها را در جدول زیر بنویسید:

جدول ۸. تجویزهای دوره افسردگی و دل‌گیری:

۱.
۲.
۳.
۴.

غریزه‌ها و نیازها اگر اشباع نشوند تأثیرات نا مطلوبی در جسم و روح باقی می‌گذارد. مثلاً گرسنگی، تشنگی موجب رخوت و بی‌تحركی می‌شوند. نوزادان به هنگام مواجهه با چنین وضعیتی این کمبود را از راه گریه اظهار می‌نمایند. آیا با نوزادان یا کودکانی مواجه شده‌اید که کمبود آنان مربوط به حسّ انس و دلتنگی آنان باشد؟ آنرا چگونه بر طرف نموده‌اید. بزرگترها این حسّ را چگونه ارضاء می‌کنند؟

۸. اُنس فطری انسان با پرستش

تاریخ آفرینش، گونه‌هایی گوناگون از عبادت‌های انتخابی انسان‌ها را در خود ثبت کرده است؛ از پرستش موجودات و اشیایی مختلف، همچون: چوب، سنگ، خورشید، ماه، آب، آتش و... تا: شاه پرستی، شهوت پرستی به اشکال زشت، نام پرستی، هوا پرستی و وطن پرستی از مسیرهای منحرف، که هر یک در هم‌هی دوره‌ها طرفدارانی داشته است.

مجموع این‌ها از وجود یک نیاز به پرستشگری در انسان خبر می‌دهد، که تأمین نکردن آن، روح را مواجه با خلأ می‌سازد. استاد مطهّری در این باره می‌فرماید:

«یکی از پایدارترین و قدیم‌ترین تجلیات روح آدمی و یکی از اصیل‌ترین ابعاد وجود انسان‌ها، حسّ نیایش و پرستش است. مطالعه‌ی آثار زندگی بشر، نشان می‌دهد هر زمان و هر جا که بشر وجود داشته، نیایش و پرستش هم وجود داشته است؛ چیزی که هست، شکل کار و شخص معبود، متفاوت شده است. از نظر شکل از رقص‌ها و حرکات دسته جمعی موزون، همراه با یک سلسله اذکار و اوراد گرفته، تا عالی‌ترین خضوع‌ها و خشوع‌ها و راقی‌ترین اذکار و ستایش‌ها و

چرا نماز بخوانیم؟ (۳) □ ۵۵

از نظر معبود، از سنگ و چوب گرفته تا ذات قیوم ازلی ابدی منزّه از زمان و مکان. پیامبران، پرستش را نیاوردند و ابتکار نکردند، بلکه نوع پرستش را یعنی نوع آداب و اعمالی را که باید پرستش به آن شکل صورت گیرد، به بشر آموختند و دیگر اینکه: از پرستش غیر ذات یگانه (شرک) جلوگیری به عمل آوردند.» سپس می‌افزاید:

«از نظر برخی دانشمندان^۱، بشر ابتدا موّحد و یگانه پرست بود و خدای واقعی خویش را می‌پرستید پرستش بت یا ماه یا ستاره یا انسان از نوع انحراف‌هایی است، که بعداً رخ داده است، یعنی بشر چنین نبوده که پرستش را از بت یا از انسان مخلوقی دیگر آغاز کرده است و تدریجاً با تکامل تمدن به پرستش خدای یگانه رسیده باشد. حسّ پرستش که احیاناً* به حسّ دینی تعبیر می‌شود، در عموم افراد بشر وجود دارد.»^۲

عمق و اصالت این گرایش را می‌توان از استواری و عظمت بناهایی که در طول تاریخ برای پرستشگری بنیان گردیده، دریافت. آن جا که بشر - خود - در خانه‌ای کلوخین می‌زیست، ولی کلیساها، کنیسه‌ها و مساجد، یا هر عمارت دینی را به بهترین وجه معمور می‌داشت، و سخت‌ترین جنگ‌ها را در حمایت از معبود و مسجود خویش تحمل می‌کرد.

اکنون، انسان از خود می‌پرسد: چه چیز را بپرستد؟ و چگونه پرستش کند؟ بالتّبع بررسی قابلیت پرستش موجودات مختلف، به عقل سپرده می‌شود. همان‌گونه که حضرت ابراهیم علیه السّلام هنگام رویارویی با ماه پرستان، با آنان هم‌زبانی کرد، ولی پس از نا پدید شدن ماه، آن را عقلاً فاقد قابلیت خواند. سپس

۱. استاد، در نوشتارش از «ماکس مولر» نام برده است.

۲. احیای فکر دینی / ۱۰۵.

به خورشید، روی آورد و ظاهراً به آن، اظهار علاقه نمود؛ زیرا بزرگ‌تر و درخشانده‌تر بود و وقتی خورشید غروب کرد، بی‌ثباتی‌اش را دلیل روی‌گردانی از آن برشمرد.^۱

قرآن کریم با معادله‌ای عقلانی، بر پرستش همه اشیای بی‌اراده و ناتوان، خطاً بطلان می‌کشد:

«وَمَا لِيَ لَا أَعْبُدَ الَّذِي فَطَرَنِي وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ؟^۲»

چرا آن کس را که آغاز، و انجام از او و به سوی اوست، پرستش نکنم؟»

آری! تنها او سزاوار پرستش است و عبادت غیر او، عقلانی نیست.

«قُلْ أَفَغَيْرَ اللَّهِ تَأْمُرُونِي أَعْبُدُ أَيُّهَا الْجَاهِلُونَ»^۳

یعنی: «بگو: آیا امر می‌کنید، غیر خدا را بپرستم، ای نادانان! [پرستش ضعیف، ناتوان، نیازمند و وابسته از روی نادانی است و اگر این کاستی‌ها را نداشته باشد، خداست و غیر او واجد این مشخصات نیست.]»

به گفته‌ی استاد مطهری (ره):

«پیام قرآن این است که ای انسان!؛ رَبِّ خود، پروردگار خود و صاحب اختیار خود را بپرست؛ آن صاحب اختیاری که تمام هستی به اراده‌ی او وابسته است و اگر یک لحظه غافل گردد» در هم ریزند قالب‌ها.

«الذی خلقکم و الذین من قبلکم»^۴ [پرستید] آن کس که شما و پیشینیان‌تان

را آفرید.»^۵

۱. انعام/ ۷۶ - ۷۹.

۲. یس، ۲۲.

۳. زمر، ۶۴.

۴. بقره، ۲۱.

۵. آشنایی با قرآن، ۱۳۲.

چرا نماز بخوانیم؟ (۳) □ ۵۷

تمرکز هر گونه قدرت و توان در خداوند متعال، امر به پرستش غیر او را جداً جاهلانه می‌نماید و اگر پرستش، عقلاً سزاوار اوست، ادب پرستشگری را باید از همو الهام گرفت و هیچ شیوه‌ای جز آن، در خور تحسین و قبول نیست. تجربه ثابت کرده که هر گاه بشر، خود، خواسته تا مبتکر نحوه‌ی اظهار عبودیت باشد [همچون مناجاتی که در نیایش شبان قوم بنی‌اسرائیل آمده] نتوانسته ادب مقبولی در این زمینه پدید آورد.

۹. عام‌نگری

تفاوت بین کسانی که از روحیه‌ی جمعی برخوردارند و همیشه دوست دارند شادی‌ها و نعمت‌های خود را تقسیم کنند و کسانی که همه چیز را برای خود می‌پسندند و دوست ندارند کسی در کنار آنان باشد و چیزی به کسی داده شود ناشی از چه عواملی است و راه درمان آن چیست؟

امروزه که بحث گسترش مرزهای دانش و راهکارهای آن مطرح است، از دیدگاه شما، گسترش مرزهای بینش از چه ضرورت و اولویتی برخوردار است و چه الزام‌هایی دارد؟ دید وسیع و گسترده چگونه حاصل می‌گردد؟ موضوع عام‌نگری را به عنوان کارکرد نماز، مطالعه و بررسی کنید. آیا ممکن است چنین اثری به صورت محسوس از نماز دریافت گردد؟

حیات بشر در گرو بینش و نگرش وسیع و روحیه‌ی سازگاری با محیط و موافقت با جمع است، با آن که نماز - ظاهراً - به دور از فعالیت‌های جمعی و نوعی عمل فردی می‌نماید، اما حضور در جمع و همنوایی و مسالمت با جماعت در جای جای آن تعبیه گردیده است. از نخستین جمله‌ای که به عنوان آغاز با نام خدا به صفت شمول رحمت وی آغاز می‌گردد و سپس به صفت تربیت عموم

جهانیان توسط او اشاره می‌گردد، تا آن جا که نمازگزار، هر چند به تنهایی نماز می‌خواند، با زبان جمع، انحصار عبادت و استعانت را در خدا اعلام می‌نماید، و سر انجام: وقتی که در سلام نماز، نوای مسالمت و صلح و صفا را با نسل حاضر و بندگان صالح خدا، سر می‌دهد، همه و همه، آهنگ صمیمیت و همزیستی مسالمت‌آمیز را در روح او می‌دمند. معمولاً تمام الفاظ، یا عام و مطلقند، و یا متکلم مع الغیر و ظرفیت عمومی دارند، مانند «اللّه اکبر». خدا بزرگ‌تر است از چه چیز؟ از همه چیز، او پرورش دهنده است! پرورش دهنده همه‌ی جهانیان، [همگی ما] تنها تو را عبادت می‌کنیم و تنها از تو کمک می‌خواهیم.

در نماز، اعمال واجب بصورت جمعی انجام می‌شود و در صورتی که نمازگزار مأموم باشد، حمد و سوره نمی‌خواند و صرفاً با استماع قرائت امام جماعت، با او هم‌دل می‌شود و با او به رکوع می‌رود و...

در نماز، حقوق جمع، منظور شده است، از لباس و محلّ نماز، گرفته، تا سایر توصیه‌های حقوقی که در روایات، رعایت آن‌ها شرط قبولی نماز دانسته شده است، همه و همه مجسم‌کننده‌ی عدالت اجتماعی در نماز هستند، همان گونه که روح مسالمت و صلح در زوایای دستوری آن نهفته است، آن جا که در آداب نماز می‌خوانیم: شمشیر و سلاح خود را جلو سجاده نگذار، یا....

نمازگزار، گاهی در قنوت نماز، آمرزش گناهان همه‌ی همسایگان، حقداران، نیاکان و مؤمنان و مؤمنات و خادمان جامعه و کسانی که از او غیبت کرده‌اند، یا او از آنان غیبت نموده، از خداوند تبارک و تعالی مسألت می‌کند.

قانونگذار اسلام تأکید دارد تمام این موارد در قالب نماز جماعت و در هیأت گروهی، ادا گردد و برای ترغیب به انجام جمعی آن، ثواب‌هایی فراوان بر شمرده است. بنابراین: همزیستی مسالمت‌آمیز و بازیافت روح موافقت با جمع می‌تواند

چرا نماز بخوانیم؟ (۳) □ ۵۹

به عنوان یکی دیگر از آثار و اسرار نماز مورد توجه قرار گیرد؛ چرا که مضامین و آداب آن، ناخواسته انسان را به این خصلت و باور سوق می‌دهد.

۱۰. زنگ هشدار

سپید گشتن موی تو، ترجمان این سخن است

به پای خیز ز خواب گران، سپیده دمید
انسانها به جای آنکه از صدای جرس ساعت‌ها، زنگ بیداری را برداشت کنند،
از آن به جای نوای لائنی استفاده می‌نمایند. هیچ سرمایه‌ای گران‌بها تر از عمر
نیست و ارزان‌تر از آن هیچ چیز به طور دائم و لا ینقطع مصرف نمی‌گردد. هیچ
امری به اندازه گذر عمر قطعی نیست و هیچ گزاره‌ای به میزان آن مورد تردید
عملی انسانها قرار نگرفته است. آیا می‌دانید چرا؟ شاید به این دلیل که:

فرصت از دست می‌رود هشدار عمر چون کاروان بی‌جرس است
پس لازم است زنگ‌هایی از نوع دیگر در زندگی انسانها تعبیه گردد. اینک به
نقش نماز در این مورد توجه فرمایید:

فرو رفتن در دنیا و گرفتاری‌های زندگی، حساب شب و روز و چگونگی
گذشت عمر را از خاطر انسان می‌برد و در این میان انسان، نیازمند مُدْکَر است، تا
گذشت ساعات و ایام را به او یادآور شود.

رهبر معظم انقلاب اسلامی مدّ ظله العالی، این نقش نماز را، ژرف‌بینانه ترسیم
می‌فرماید:

«انسان از لابلای مشغولیت‌های فکری که او را احاطه کرده است، به ندرت
می‌تواند به خود و هدف زندگی و گذشت لحظات و ساعات و روزها بیندیشد.
چه بسا روزها که شب می‌گردد و روزهای دیگری آغاز می‌شود و هفته‌ها و ماه‌ها

که می‌گذرد و انسان به آغاز و پایان آن توجه نمی‌یابد و گذشت زندگی و معنا، یا بطالت آن را احساس نمی‌کند. نماز، یک زنگ بیداری و یک هشدار در ساعات مختلف شبانه روز است، که به انسان برنامه می‌دهد و از او تعهد می‌خواهد. به روز و شبش معنا می‌دهد و از گذشت لحظه‌ها حساب می‌کشد. در زمانی که انسان، مشغول و بی‌خبر از طی زمان و انقضای عمر است، او را می‌خواند و به او می‌فهماند که: روزی گذشت و روزی دیگر آغاز شد.^۱

غفلت از گذشت عمر، نمودی از بُعد حیوانی انسان است. قرآن کریم، پس از تشبیه برخی آدمیان به چهارپایان می‌فرماید:

«أُولَئِكَ هُمُ الْغَافِلُونَ»^۲ اینان غافلانند.

آری! نماز انسان را از غفلت دور کرده، و در مدار توجه می‌نهد. انسانی که:

آفرینش خود را از یاد برده؛ «نَسِيَ خَلْقَهُ»^۳

عملکرد گذشته را از خاطر برده؛ «نَسِيَ مَا قَدَّمَتْ يَدَاؤُهُ»^۴

و خدای خود را فراموش کرده است. «نَسُوا اللَّهَ»^۵

نوشتاری از آیت الله مطهری را مرور می‌کنیم:

«به همان نسبت که وابستگی و غرق شدن در مادیات، انسان را از خود جدا و با خود بیگانه می‌سازد، عبادت انسان را به خویشتن باز می‌گرداند. عبادت، به هوش آورنده و بیدار کننده‌ی انسان است. عبادت، انسان غرق و محو شده در اشیا را، مانند نجات غریق از اعماق دریای غفلت‌ها بیرون می‌کشد. در عبادت و

۱. از ژرفای نماز / ۸۰

۲. اعراف / ۱۷۹.

۳. یس / ۷۸.

۴. کهف / ۵۷.

۵. حشر / ۱۹.

چرا نماز بخوانیم؟ (۳) □ ۶۱

پرتو یاد خداوند، انسان خود را آنچنان که هست می‌بیند؛ به نقص‌ها و کسری‌های خود آگاه می‌گردد، از بالا به هستی و حیات و زمان و مکان می‌نگرد، و در عبادت است که انسان به حقارت و پستی آمال و آرزوهای محدود مادی پی می‌برد و می‌خواهد خود را به قلب هستی برساند.

من همیشه به این سخن دانشمند معروف عصر خودمان «اینشتاین» به دیده‌ی اعجاب می‌نگرم. این دانشمند، متخصص در فیزیک و ریاضی است، نه در مسایل روانی و انسانی و مذهبی و فلسفی. او پس از تقسیم مذهب به سه نوع، نوع سوم را که مذهب حقیقی است، «مذهب وجود» یا «مذهب هستی» می‌نامد و احساسی را که انسان در مذهب حقیقی دارد، این چنین شرح می‌دهد:

در این مذهب، فرد، کوچکی آمال و هدف‌های بشر و عظمت و جلالی که در ماورای پدیده‌ها در طبیعت و افکار، تظاهر می‌نماید، حس می‌کند. او وجود خود را یک نوع زندان می‌پندارد، چنان که می‌خواهد از قفس تن پرواز کند و تمام هستی را یک باره به عنوان یک حقیقت واحد دریابد.^۱

۱۱. همراهی با هستی

آیا تاکنون فهرستی از خصوصیات یا کارکرد مشترک همه‌ی اجزای هستی را تهیه کرده‌اید؟ از خصوصیات مشترک جانداران چطور؟ به نظر شما خصوصیات یا کارکرد مشترک انسان‌ها که به میزان‌های متفاوت و گونه‌گون، هر یک از انسان‌ها واجد آن هستند، کدام است؟ در جدول زیر حداقل سه مورد از خصوصیات مشترک هر کدام را بنویسید.

جدول ۹. خصوصیات مشترک موجودات

۱. مشترکات تمام موجودات؛
الف:
ب:
ج:
۲. مشترکات جانداران؛
الف:
ب:
ج:
۳. مشترکات انسان‌ها؛
الف:
ب:
ج:

همه موجودات هستی، همواره هستی‌آفرین را می‌ستایند؛ قرآن کریم می‌فرماید:

«إِنْ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا يُسَبِّحُ بِحَمْدِهِ»^۱

هیچ چیز در دایره‌ی وجود نیست، مگر آن که خدا را تسبیح می‌گوید.^۲

حتیٰ اعرش ابرها پیام آور تسبیح الهی‌اند^۳ آن‌ها که فاقد شعور و ادراکند، خدای را می‌ستایند، چگونه ممکن است انسان شعورمند و با ادراک در برابر عظمت

۱. اسراء / ۴۴.

۲. برای آگاهی بیشتر، ر. ک: فلسفه‌ی اخلاق / ۱۲۳؛ فطرت / ۱۸۰ و طهارت روح ۳۵ - ۴۰؛ استاد مطهری.

۳. رعد / ۱۳ (وَيُسَبِّحُ الرَّعْدُ بِحَمْدِهِ).

چرا نماز بخوانیم؟ (۳) □ ۶۳

خداوند کرنش نکند؟! آنها که برای وجودی دیگر آفریده شده‌اند، در پی سپاس خالقند، پس چرا انسان که وجودش مستقل و بهره‌مندترین موجودات هستی است با آنها همراهی نکند! آیا این از انصاف، دور نیست؟! نماز، برترین، زیباترین و پسندیده‌ترین کرنش‌ها را در بردارد و انسان در قالب نماز، همراه با هستی، هستی‌بخش را تقدیس می‌کند.

۱۲. بهداشت جسم و نظافت لباس

آیا برای شما امکان دارد یک گزارش مقایسه‌ای از وضع بهداشت در پنج کشور اسلامی و پنج کشور غیر اسلامی تهیه و ارائه کنید. چرا مسلمانان، موضوع بهداشت و نظافت را جدی نمی‌گیرند؟ فهرستی از رفتارهای غیر بهداشتی موجود در کشورهای اسلامی خصوصاً در مجامع دینی را در جدول زیر بنویسید:

جدول ۱۰. رفتارهای غیر بهداشتی در مجامع اسلامی و دینی

۱.
۲.
۳.

آیا هیچ مکتبی را سراغ دارید که روزانه پنج نوبت شست‌شوی دست‌ها و صورت و پاکیزگی لباس را برای مراسمی عبادی، واجب کرده باشد؟ این تکلیف، چه نقشی در بهداشت فردی دارد؟

بی‌تردید، وضو و غسل، مقدمه‌ی نماز هستند و به طفیل ذی‌المقدمه به عرصه‌ی الزام و وجوب راه یافته‌اند و هرگز نمی‌توان چنین گفت که: نماز، واجب و مفید است؛ زیرا مقدمه‌ی آن موجب بهداشت جسم می‌شود! ولی می‌توان در کنار سلامت روح و بهداشت روانی نمازگزار به این درآمد نیز اشاره کرد، که نمازگزار از نوعی مواهب تبعی و جسمی نیز برخوردار می‌گردد؛ چرا که جسم او روزانه چندین بار در قالب وضو و غسل شست شو می‌شود و مجبور است مواضع وضو را از هر گونه آلودگی و مانعی پاک سازد. همچنین باید لباس‌های خود را پاکیزه و زینت ظاهری آن‌ها را فراهم نماید^۱ و هنگام نماز در حدّ توان، آراسته و معطر باشد^۲. تأثیر این نظم ظاهری در سایر بخش‌های زندگی نمازگزار نیز باقی می‌ماند و او را شخصیتی آراسته و منظم معرفی می‌کند.

یک پزشک متخصص می‌گوید:

«قبض و بسطی که عروق جلدی در قالب جریان آب در وضو بر آن‌ها می‌یابند، موجب ازدیاد حرکت قلب و نشاط مبادلات جسمی می‌گردد و حرکات تنفسی، جذب اکسیژن و دفع کربن را آسان می‌نماید و سبب تمدّد اعصاب می‌شود. همچنین او را از ابتلا به بیماری‌های مختلف مصون می‌دارد. همان گونه که شست شوی اجباری دست‌ها برای وضو، روزانه حداقل پنج بار، عامل نظافت دستها و پیشگیری از ورود میکروب‌های مختلف به دهان و ابتلا به بیماری گوارشی و سایر بیماری‌ها صعب‌العلاج می‌شود.»^۳

۱. اعراف / ۳۱؛ «یا بنی آدم خذوا زینتکم عند کلّ مسجِد».

۲. توضیح المسائل، مسأله‌ی ۸۶۸؛ حضرت امام خمینی رحمه‌الله علیه پوشیدن پاکیزه‌ترین لباس‌ها و جامه‌ی سپید و استعمال بوی خوش را از مستحبات لباس نمازگزار، بر شمرده‌اند.

۳. روح الصلّاة فی الاسلام / ۸۲.

چرا نماز بخوانیم؟ (۳) □ ۶۵

یکی از استادان دانشکده‌ی پزشکی دانشگاه قاهره، پایان نامه‌ی دکترای خود را به بررسی تأثیر شگفت‌انگیز نماز در صیانت از بیماری‌های عضلانی از جمله فراخی رگ‌های پا، اختصاص داده و کتابی در این زمینه تدوین و در آن به طور مبسوط آثار طبّی نماز بر عضلات پا را، بررسی کرده است.^۱

و دیگر بار، باید گفت: نماز، یک عبادت است، و یک امر روحانی و عبادی اصولاً نیازی به چنین توجیهاتی ندارد.

۱۳. احساس قدرت و عزّت

نماز، احساس تواضع را در انسان برمی‌انگیزد، اما هرگز به نمازگزار اجازه نمی‌دهد در خود احساس فرومایگی کند.

نماز، انسان را به قدرت لایزال الهی متصل می‌گرداند و از این جهت، احساس قدرت و عزّت را در نهادش پدید می‌آورد. امام علی علیه السلام در مناجات با خدای متعال از راز رسیدن به عزّت، پرده برمی‌دارد:

«الهی کَفَى بِي فَخْرًا أَنْ أَكُونَ لَكَ عَبْدًا وَ كَفَى بِي عِزًّا أَنْ تَكُونَ لِي رَبًّا»^۲

خدایا! این افتخار مرا بس، که بنده ات باشم و این عزّت، مرا کافی که تو پروردگار من باشی!

نماز، سندی است بر عبودیت برترین مخلوق، در پیشگاه پروردگاری خالق، و شاهد صدقی بر این پیوند عاشقانه و سرافرازانه.

۱. معجزة الصلّاة فی الوقایه من مرض دوالی الساقین، عنوان کتاب فوق و دارالنشر للجامعات المصریة - مکتبة الوفاء آن را چاپ کرده است. دانشمندی دیگر به نام دکتر فارس علوان از دانشگاه جنّه، کتابی با عنوان «و فی الصلّاة صحّة و وقایه» تدوین کرده است. این کتاب از سری کتاب‌های «صحتک فی عبادتک» از «دارالمجتمع» است، که به بررسی آثار نماز در سلامت جسم و بدن پرداخته و پژوهشی نسبتاً جامع در این باره ارائه کرده است.

۲. بحارالانوار ج ۸۷ ص ۴۰۰؛ خصال ج ۲ ص ۴۵۲ .

آزمون

۱. استاد مطهری رحمه الله علیه فطری بودن پرستش را چگونه تبیین می‌کند؟
۲. معادله‌ی عقلانی قرآن کریم را در باره‌ی قابلیتِ نداشتنِ غیر خدا برای پرستش را توضیح دهید.
۳. پیام قرآن در زمینه‌ی پرستش چیست؟ معیار معبود بودن در قرآن را، با ذکر آیه، بنویسید.
۴. چگونه نماز بینش وسیع و روحیه‌ی سازگاری با جمع را به انسان می‌آموزد؟
۵. کلام مقام معظم رهبری را در خاصیت هشدارِ نماز، شرح دهید.
۶. قرآن، در کدام آیه و چگونه غفلت را ناشی از حیوانیت می‌داند؟
۷. مراد از همراهی انسان با هستی در نماز چیست؟
۸. درباره‌ی تأثیر جریان آب وضو بر بدن انسان، چه تحقیقی و از سوی چه کسانی ارائه شده است؟
۹. چند مورد از مستحبات مربوط به بدن و لباس نمازگزار را ذکر کنید؟
۱۰. چگونه نماز در انسان، احساس قدرت و عزت را برمی‌انگیزد؟ سخنی از امیرالمؤمنین علیه السلام را در این زمینه بنویسید.

درس چهارم

سابقه‌ی تاریخی نماز

- کهن‌ترین عبادتی که در تمام ادیان گذشته، سابقه‌ی حضور دارد، نماز است. اینک به بررسی نمونه‌هایی از آن از منظر روایات می‌پردازیم:
۱. نماز حضرت آدم علیه السلام: از صُحُف حضرت ادریس نقل شده که خداوند در نخستین روز اقامت حضرت آدم و حوا در زمین، نماز عصر و مغرب و عشا را مجموعاً ۵۰ رکعت به حضرت آدم واجب کرد.^۱
 ۲. نماز حضرت شیث علیه السلام: وقتی حضرت آدم وفات یافت حضرت شیث او را غسل داد و بر وی نماز خواند.^۲
 ۳. نماز حضرت ادریس علیه السلام: امام صادق علیه السلام به یکی از یاران خود سفارش فرمود: وقتی به مسجد کوفه شرفیاب شدی، به مسجد سهله نیز برو و در آن جا نماز بخوان و از خدا، حاجت بخواه؛ زیرا مسجد سهله، خانه‌ی حضرت ادریس است، که در آن خیاطی می‌کرد و نماز می‌خواند.^۳

۱. بحارالانوار، ج ۱۱، ص ۱۹۶.

۲. همان / ص ۲۶۳.

۳. همان / ص ۲۸۰.

۴. نماز حضرت نوح علیه السلام: کشتی حضرت نوح، دارای پنجره‌ها و سوراخ‌هایی بود، که نور خورشید از آن‌ها به درون می‌تابید و از این طریق، وقت نماز را تشخیص می‌دادند.^۱
۵. نماز حضرت صالح علیه السلام: وقتی قوم صالح از او خواستند به عنوان نشانه‌ی پیامبری ناقه‌ای را از کوه بیرون آورَد، حضرتش فرمود: آنچه از من خواستید، کاری دشوار، ولی نزد خداوند آسان است. سپس به پا خاست؛ دو رکعت نماز خواند و سر به سجده نهاد: آن گاه تضرع کرد، و قبل از آن که سر از سجده بردارد، کوه به فرمان خداوند شکافته شد و صدایی از آن به گوش رسید که جمعی را مدهوش کرد و ناقه‌ای با همان خصوصیات ظاهر گشت.^۲
۶. نماز حضرت ابراهیم علیه السلام: حضرت ابراهیم آن گاه که همسر و فرزند خود را در کنار کعبه‌ی نوینیا نهاد، دست به دعا برداشت: «خدایا! من، خاندان خود را در سرزمینی غیر حاصلخیز و کنار خانه ات ترک نمودم، تا نماز را به پا دارند؛ پس دل‌های مردم را در هوای (گرو) آنان قرار ده.»^۳
۷. نماز حضرت اسماعیل علیه السلام: قرآن کریم، او را از این جهت ستوده، که خاندان خود را به نماز توصیه می‌فرمود.^۴
۸. قرآن کریم، پس از اشاراتی به تاریخ حضرت اسحاق، یعقوب و لوط علیهم السلام می‌فرماید: ما آنان را پیشوایانی قرار دادیم که مردم را به مکتب مان هدایت می‌کنند و به آن‌ها انجام نیکی‌ها، اقامه‌ی نماز و ادای زکات را الهام کردیم.^۵

۱. بحارالانوار ج ۱۱ / ص ۳۳۳.

۲. همان / ص ۳۸۳.

۳. ابراهیم / ۳۷: «رَبَّنَا إِنِّي أَسْكَنْتُ مِنْ ذُرِّيَّتِي بُوَادٍ غَيْرِ ذِي زَرْعٍ عِنْدَ بَيْتِكَ الْمُحَرَّمِ رَبَّنَا لِيُقِيمُوا الصَّلَاةَ...»

۴. مریم / ۵۵.

۵. انبیا / ۷۳.

۹. نماز حضرت شعیب علیه السلام: بت پرستان در برابر دعوت آن حضرت به پرستش خداوند یکتا می گفتند: آیا نماز تو، فرمان می دهد که ما آنچه را پدرانمان می پرستیدند، رها کنیم؟^۱
۱۰. نماز حضرت موسی علیه السلام: وقتی حضرت موسی به کوه طور آمد و پیام رسالت را دریافت داشت، خداوند متعال به او فرمود: من خدای یکتایم؛ پس مرا عبادت کن و نماز را به پادار!^۲
۱۱. نماز حضرت لقمان علیه السلام: حضرت لقمان ضمن وصایای حکیمانه‌ی خود به فرزندش می فرماید: ای فرزندم! نماز را به پا دار.^۳
۱۲. نماز حضرت داوود علیه السلام: حضرتش روزی را جهت رسیدگی به امور مردم و داوری در میان آنان و روزی دیگر را به عبادت می گذارد، که در آن، به دور از همه‌ی مردم در محراب خود به نماز می ایستاد.^۴
۱۳. نماز حضرت سلیمان علیه السلام: نماز صبح را در شهر شام و نماز ظهر همان روز را در فارس می گزارد.^۵
۱۴. نماز حضرت یونس علیه السلام: در تفسیر آیه‌ی «فَلَوْلَا أَنَّهُ كَانَ مِنَ الْمُسَبِّحِينَ»^۶ گفته شده: مراد آن است که اگر حضرت یونس از نماز گزاران نبود، زمانی بیشتر در شکم ماهی باقی بماند.^۷

۱. هود/ ۸۷

۲. طه/ ۱۴

۳. لقمان/ ۱۷

۴. بحار الانوار، ج ۱۴/ ص ۲۰

۵. همان/ ۹۹

۶. صافات/ ۱۴۴-۱۴۳

۷. مجمع البیان، ج ۸/ ص ۴۵۹ ذیل آیه‌ی مذکور.

۱۵. نماز حضرت زکریا علیه السلام: در حالی که زکریا در محراب عبادت خود به نماز مشغول بود ملائیک بشارت تولد یحیی^۱ را به او دادند.
۱۶. نماز حضرت عیسی علیه السلام: آن گاه که در میان گهواره به امر خداوند، سخن آغاز کرد خود را اینگونه معرفی نمود: من بنده‌ی خدا هستم، که مرا پیامبر قرار داد و در هر جا که باشم مرا مایه‌ی برکت قرار داد و به نماز و زکات تا وقتی جان در بدن دارم مرا توصیه نمود.^۲
۱۷. نماز حضرت ایوب علیه السلام: وقتی خداوند روحیه‌ی بندگی حضرت ایوب را ستود، شیطان حسادت کرد و گفت: خدایا! اموال او را از وی بستان و بین آیا باز هم چنین روحیه‌ای خواهد داشت؟! خداوند، همه‌ی احشام ایوب را نابود کرد. شیطان در لباس چوپانی، نزد حضرتش آمد و وی را به نماز ایستاده، دید. پس از نماز به او گفت: آیا می‌دانی خدایی که تو برای او عبادت می‌کنی، با شترهایت چه کرد؟ حضرت ایوب فرمود: مال من نبوده؛ مال خود او بوده و به عاریه داده بود و او صاحب اختیار است که هر وقت بخواهد بستاند...^۳
۱۸. نماز حضرت خضر علیه السلام: علی بن ابراهیم گوید: پدرم در مسجد کوفه، حضرت خضر را زیارت کرد که در جای جای مسجد نماز می‌خواند.^۴ در مورد سابقه نماز در روایتی از امام صادق علیه السلام چنین می‌خوانیم:
- «هِیَ آخِرُ وَصَايَا الْأَنْبِيَاءِ»^۵
- آری تمام پیامبران الهی، با نماز مأنوس و سفارش کننده به آن بودند.

۱. آل عمران / ۳۹.

۲. مریم / ۳۰ - ۳۱.

۳. بحار الانوار، ج ۱۲ / ص ۳۵۸.

۴. همان / ج ۱۳ / ص ۳۳۰.

۵. وسائل الشیعه، ج ۳، ص ۲۰۶.

تشریح نماز در اسلام

مشهور چنین است که حکم وجوب نماز را پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله وسلم در سفر معراج دریافت و به مسلمانان ابلاغ کرد. از سویی دیگر: صفحات نخستین روزشمار تاریخ اسلام، تصویرهایی از نماز پیامبر اکرم؛ امام علی و حضرت خدیجه - سلام الله علیهم - را فرا روی قریش و در کنار کعبه در خود جای داده است.^۱

در این جا این سوال مطرح می‌گردد که: اگر نماز در لیلۃ الاسراء تشریح گردید، آیا مسلمانان نخستین، نماز نمی‌گزاردند؟
علاّمه طباطبایی رحمة الله علیه می‌فرماید:

بر اساس روایات، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نماز مغرب را در مسجدالحرام خواند و سپس سفر به مسجدالاقصی را آغاز کرد و این مطلب با روایاتی که می‌گوید: نمازهای پنج‌گانه در لیلۃ الاسراء واجب شد، منافاتی ندارد. زیرا اصل نماز، پیش از این تاریخ نیز واجب بود، چنانکه آیات نُهْم و دهم سوره‌ی علق: (أَرَأَيْتَ الَّذِي يَنْهَى، عَبْدًا إِذَا صَلَّى) بر نماز رسول خدا، پیش از هجرت و در اوایل بعثت، دلالت دارد؛ آن دوران که ابوجهل و مردمان ناهل، نماز پیامبر و اصحابش را به تمسخر می‌گرفتند، اما تعیین رکعت‌ها و نظام کنونی نمازها در آن سفر آسمانی صورت گرفت.

از اخبار چنین بر می‌آید که: نماز در همه‌ی شرایع و ادیان، سابقه داشته است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم نیز که قبل از اسلام از «دین حنیف» پیروی می‌کردند، حتی پیش از بعثت، در اقامت‌های طولانی در غار حرا به این عبادت

۱. بحار الانوار، ج ۸، ص ۱۷۹.

اشتغال داشته و پس از بعثت نیز نماز، نخستین مراسم دینی مسلمانان بوده است، اما در شب معراج و نخستین سال‌های تشکیل حکومت در مدینه، شکل و تعداد رکعات آن تعیین گردید.

قبله

آیا تاکنون از خود پرسیده‌اید که چرا باید نماز را رو به قبله بخوانیم؟ مگر خدا درون کعبه است؟ او که مکانی خاص ندارد، پس چرا باید هنگام توجه به او، به سوی کعبه و مکان خاص رو کنیم؟

ابتدا خوب است بدانیم قبله کنونی مسلمانان در چه زمانی تعیین شد، سپس به پاسخ پرسش‌ها پردازیم.

شانزده ماه از تشکیل حکومت اسلامی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در مدینه گذشت، در کنار هجده‌ها و عملیات نظامی، نوعی جنگ روانی و تبلیغاتی، پیوسته نهاد پیامبر رحمت را به خود مشغول می‌داشت؛ چرا که یهودیان یثرب همواره مسلمانان را به دلیل نداشتن قبله‌ای مستقل، و روی آوردن آنان به بیت المقدس، برای عبادت، سرزنش می‌کردند و رهبر جامعه‌ی اسلامی بی‌صبرانه نزول پیک الهی را در امر تغییر قبله انتظار می‌کشید، تا آن که روز دوشنبه نیمه‌ی رجب سال دوم هجرت، این آیه نازل شد:

«قَدْ نَرَى تَقَلُّبَ وَجْهِكَ فِي السَّمَاءِ فَلَنُوَلِّيَنَّكَ قِبْلَةً تَرْضَاهَا فَوَلِّ وَجْهَكَ شَطْرَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَحَيْثُ مَا كُنْتُمْ فَوَلُّوا وُجُوهَكُمْ شَطْرَهُ»^۱

سابقه تاریخی نماز □ ۷۳

ما، توجّه تو را به سوی آسمان - به انتظارِ وحی و تغییرِ قبله - بنگریم و البتّه، رویت را به قبله‌ای بگردانیم که بدان خرسند شوی. پس: روی گُن به مسجد الحرام. و شما مسلمانان نیز هر کجا بودید، به آن سو رو کنید...»

با این پیام، قبله‌ی مسلمانان یک نیم دایره تغییر کرد و از شمال به سمت جنوب، جهت گرفت. محلّ نزول این آیه، «ذوقبلتین» نام گرفت و مسلمانان از آن پس، با خشنودی و افتخار، به سوی کعبه نماز گزار شدند.

اینک نوبت پاسخ به پرسش‌های فوق می‌رسد. خدا مکانی خاص ندارد و مکان نمی‌پذیرد. قرآن با صراحت در این باره می‌فرماید:

فَأَيْنَمَا تُولُوا فَتَمَّ وَجْهُ اللَّهِ؛ به هر طرف رو کنید، به سوی خدا روی آورده‌اید. اما بیت، نشانی از صاحب بیت دارد. لذا جهت‌گیری جسم‌ها به سوی آن خانه است و جهت‌گیری جان‌ها به سوی صاحب خانه! خانه‌ای که مقدّس‌ترین مکان‌های زمین بوده، نشانه‌هایی از پیامبران بزرگ خدا دارد و کتاب مجسمِ خاطرات توحیدی است. آری! آن جا که پایگاه توحید است، قبله‌ی موخّدان قرار گرفته، تا با توجّه به این مرکز معنوی که از هر آلایشی به دور است، تمام آلایش‌ها را از دل، دور و قلب را بسوی او پرواز دهیم.^۲

امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

«آن گاه که به سوی قبله رو کردی، از تمام دنیا و شؤن دنیایی و خلیق و امور مربوط به آنان مأیوس باش و قلب خود را از هر سرگرم‌کننده‌ای پاک کن و

۱. بقره / ۱۱۵.

۲. برای آگاهی از مشخصات و سابقه‌ی تاریخی کعبه، بنگرید به: تاریخ و آثار اسلامی مکه‌ی مکرمه و مدینه منوره: انتشارات مشعر: اخبار مکه و ما جاء فیها: تألیف ابوالولید ازرقی، الغرام باخبار البلاد الحرام؛ تألیف دکتر عمر عبدالسلام و اخبار مکه فی قدیم الدهر و حدیثه: تألیف عبدالملک بن عبدالله بن وهبش.

در درون، عظمت خدا را مجسم دار و به یادآور و قوف خود را در پیشگاه خدا، آن زمان که اعمال گذشته‌ی هر یک از انسان‌ها پیش روی آنان نهاده می‌شود...^۱ در هر سجده‌ای که دل به سوی حق می‌نهد، جسم نیز به سمت و سویی است، پس چه بهتر که همه‌ی موحدان، جهتی واحد داشته باشند و در برابر خانه‌ای بایستند، که برای عبادت بر پا شده است. نظمی یکسان و ترکیبی هماهنگ را بپذیرند و نه تنها در عبادت، بلکه در همه‌ی فعالیت‌ها و تلاش‌ها، همانند ذبح حیوانات، خواب، خوراک، پوشیدن لباس و... بصورت‌هایی الزامی و ترجیحی، پیرو همین نظم و صبغه و آهنگ معنوی باشند.

معنای واقعی اقامه‌ی نماز

قرآن، بیش از صد و دو بار، از نماز و احکام و آثار گوناگون آن سخن رانده، اما معمولاً «اقامه‌ی نماز» محور سخن و تأکید بوده است. اینک باید پرسید: چه فرقی است بین گزاردن نماز و به پاداشتن آن؟ برای درک تفاوت بین این دو مفهوم، گفتاری زیبا از مقام معظم رهبری - مدّ ظلّه العالی - را مرور می‌کنیم:

«به نظر می‌رسد که اقامه‌ی نماز، چیزی فراتر از گزاردن نماز است؛ یعنی: فقط همین نیست که کسی خود، به عمل نماز قیام کند، بلکه این نیز هست که در جهت و سمتی که نماز بدان فرا می‌خواند، به راه افتد و دیگران را نیز به راه اندازد. گویا برپاداشتن نماز، آن است که انسان با کوششی بایسته، جو و فضای زندگی خود و دیگران را جوّی نماز گزارانه یعنی خداجویانه و خداپرستانه بسازد و همه رادر خط و جهت نماز به راه افکند»^۲

۱. محجّه البیضاء، ج ۱، ص ۳۸۲.

۲. از ژرفای نماز / ۱۵.

استاد مطهری نیز می‌نگارد:

«به پا داشتن نماز، آن است که حق نماز ادا شود؛ یعنی: نماز به صورت یک پیکر بی‌روح انجام نگردهد، بلکه نمازی باشد که واقعاً بنده را متوجه خالق و آفریننده‌ی خویش سازد.»^۱

یکی از استادان دانشگاه دمشق برای توجیه دانشجویان، چنین نگاشته است:

«اقامه‌ی نماز، یعنی ادای آن به بهترین وجه ممکن، که از طریق:

۱. دقت در تحصیل طهارت، شادابی و صحت وضو، پاکی بدن، لباس و مکان نماز، و پاکی از آلودگی‌های اخلاق زشت به وسیله‌ی توبه و پشیمانی؛ چرا که وضو و نظافت ظاهری باید همراه با صفا و طهارت قلب باشد؛
۲. دقت در انجام واجبات و مستحبات نماز و ارائه‌ی صحیح اذکار آن به عنوان ساختار و ارکان نماز؛

۳. مواظبت بر روح نماز (اخلاص و حضور قلب) به وسیله‌ی خشوع و فروتنی و آرامش بدن، در نماز امکان پذیر خواهد بود.»^۲

خداوند متعال می‌فرماید: «قَدْ أَفْلَحَ الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ هُمْ فِي صَلَاتِهِمْ خَاشِعُونَ»^۳
هدف از نماز، خشوع قلبی است، نه فقط خضوع بدنی؛ بنابراین: خداوند هرگز نمی‌پذیرد که نمازگزار به زبان بگوید: «الله اکبر»، ولی در قلب او چیزی دیگر بزرگ‌تر باشد، یا بگوید: «وَجْهَتُ وَجْهِي» در حالی که جانش متوجه غیر خدا و مشاغل دنیایی و بهره‌های ناپایدار آن باشد.

۱. آشنایی با قرآن / ۶۸.

۲. الصَّلَاةُ / ۳۲.

۳. مؤمنون / ۱.

آزمون

۱. سابقه‌ی تاریخی نماز را، با ذکر خاطره‌ی ارتباط شش تن از انبیای الهی با نماز بنویسید.
۲. آیه‌ی «فلولا انه کان من المسبّحین» چه معنایی را در باره‌ی کدام یک از انبیای الهی بیان می‌کند؟
۳. کدام پیامبر، در گهواره، زبان به سخن گشود و چه مطالبی را بیان فرمود؟
۴. سرگذشت گفت‌گوی شیطان با حضرت ایوب علیه السلام را بیان کنید.
۵. یک روایت از امام صادق علیه السلام درباره‌ی ارتباط تمام انبیای الهی با نماز، ذکر کنید.
۶. حکم و جوب نماز در چه زمانی و چگونه نازل شد؟
۷. قبله‌ی مسلمانان در چه تاریخی و به دنبال چه حوادثی تغییر کرد؟
۸. چرا مسلمانان، هنگام نماز، روی به جهتی خاص دارند؟
۹. مقام معظم رهبری - مدظله العالی - در تحقّق مفهوم اقامه‌ی نماز، چه شرایطی را دخیل می‌دانند؟
۱۰. شرایط سه‌گانه‌ی نویسنده‌ی عرب زبان را، در تحقّق معنای اقامه‌ی نماز، بنویسید؟

درس پنجم

اهتمام به نماز

به رغم اهمّیت فراوانی که فریضه‌ی مهّم نماز در میان عبادات و احکام شرعی دارد، اهتمام مسلمانان به آن و ابعاد گوناگونش اندک است. ابلیس و تمام شیطان صفتان در طول تاریخ بر آن بوده‌اند که محتوای این عبادت بزرگ را از جوامع اسلامی محو کنند، اگر چه صورت آن باقی بماند و در این طریق، دست به هر اقدامی آلوده‌اند. چرا که سلطه‌ی خود را در گرو از میان برداشتن این عزیمت می‌دانند. پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله وسلم فرمود:

«لَا يَزَالُ الشَّيْطَانُ يَرْعَبُ مِنْ بَنِي آدَمَ مَا حَافَظَ عَلَى الصَّلَاةِ الْخَمْسِ فَإِذَا ضَيَّعَهُنَّ تَجَرَّأَ عَلَيْهِ وَآوَقَعَهُ فِي الْعِظَائِمِ؛^۱ همواره شیطان از فرزند آدم در ترس و وحشت است، مادام که او بر انجام نمازهای پنج‌گانه دقّت دارد. پس: آن گاه که آن را تضييع کند، شیطان جرأت می‌یابد و او را به گناهان بزرگ می‌افکند.»

و حضرت علی علیه السلام نماز را به سنگری در برابر وسوسه‌های شیطان تشبیه می‌فرماید.^۲ بنابراین از آن جهت که نماز، مزاحم نفوذ و سلطه‌ی شیاطین است، آنان نیز به جدّ با اقامه و برپایی آن در ستیزند. درک این حسّاسیّت باید

۱. بحار الانوار، ج ۲۲، ص ۲۰۲.

۲. «الصَّلَاةُ حِصْنٌ مِنْ سَطَوَاتِ الشَّيْطَانِ» غررالحکم و دررالکلم.

درجه‌ی اهتمام به این فریضه را افزایش دهد؛ هر چند باید با تأسف گفت: در جوامع اسلامی و بین ملت‌های مسلمان، شاهد آن نیستیم.

می‌دانیم پس از تحکیم پایه‌های اعتقادی (اصول دین) نخستین گام عملی، در حوزه‌ی شریعت، به سوی نماز برداشته می‌شود^۱ و نماز با عناوینی همچون: مایه‌ی خشنودی خدا^۲، رأس الاسلام^۳، سنگری در برابر حمله‌های شیطان^۴، واپسین وصیت پیامبران^۵، محبوب‌ترین عمل نزد خداوند متعال^۶ نور چشم پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم^۷، پایه‌ی دین^۸ و تعبیری از این قبیل ستوده شده است. اولیای الهی شب و روز خود را همچون گرسنه‌ای در پی طعام و تشنه‌ای در جستجوی آب، با یاد و در انتظار نماز وقت ملاقات با خدا سپری می‌کردند و رسول اکرم صلی الله علیه وآله وسلم پس از تشریح عطش و اشتیاق خود به نماز فرمود:

«وَ أَنَا لَا أَشْبَعُ مِنَ الصَّلَاةِ»^۹ هر گرسنه‌ای با غذا سیر می‌شود و با آب، سیراب؛

إِنَّمَا مِنْ أَمْرِ نَمَازٍ سِيرَ نَمَازٍ شَوْمٍ.»

ایشان، هنگام نماز، کسی را نمی‌شناخت و با همگان جز خدا بیگانه بود.^{۱۰}

۱. کان رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم إذا أسلم الرجل، عَلَّمَهُ الصَّلَاةَ؛ الصَّلَاةُ / ۱۲۵.

۲. «فِيهَا مَرْضَاةُ الرَّبِّ.» : بحار الانوار، ج ۸۲، ص ۲۳۱.

۳. «فَانهَا رَأْسُ الْإِسْلَامِ بَعْدَ الْإِقْرَارِ بِالْإِسْلَامِ.» همان، ج ۷۷، ص ۱۳۷.

۴. «الصَّلَاةُ حِصْنٌ مِنْ سَطَوَاتِ الشَّيْطَانِ.» غرر الحكم و درر الكلم.

۵. «و هِيَ آخِرُ وَصَايَا الْأَنْبِيَاءِ.» وسائل الشيعه، ج ۲۶، ص ۳.

۶. «أَحَبُّ الْأَعْمَالِ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ الصَّلَاةُ...» همان.

۷. «فُرَّةٌ عَيْنِي فِي الصَّلَاةِ.» بحار الانوار، ص ۷۷ / ج ۷۷.

۸. «مَا مِنْ شَيْءٍ بَعْدَ الْمَعْرِفَةِ يَغْدُلُ هَذَا الصَّلَاةَ.» همان، ج ۹۹، ص ۱۴.

۹. بحار الانوار، ج ۸۲، ص ۲۳۳.

۱۰. «كَانَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) إِذَا دَخَلَ وَقْتَهَا كَأَنَّهُ لَا يَعْرِفُ أَهْلًا وَلَا حَمِيمًا؛ تنبيه الخواطر / ۳۲۳.

اهتمام به نماز □ ۷۹

چرا چنین به نماز نگریسته شده است و آن را این اندازه مهم دانسته‌اند؟ به عبارت دیگر، این عبادت چه امتیازی بر عبادات دیگر دارد؟ آیا می‌توانید حدس بزنید چرا اسلام این قدر به نماز اهمیّت داده و تعبیری همانند تعبیرات پیشگفته را درباره‌ی نماز به کار برده است که در زمینه‌ی سایر وظایف به کار نگرفته است؟ این موارد را در جدول زیر بنویسید.

جدول ۱۱. ادله‌ی اهمیّت نماز در مقایسه با سایر تکالیف

۱.
۲.
۳.
۴.

وجوه اهمیّت نماز

۱. نماز؛ وجه مشترک ادیان آسمانی

ادیان آسمانی که همگی در دعوت به عبادت خدا و دوری از طاغوت با هم متحد بودند، در جدول تکالیف، وظایفی گوناگون را بر عهده‌ی بندگان می‌نهادند، ولی قدر مشترک تمام آن‌ها، اقامه‌ی نماز بود و همان‌گونه که در درس پیشین گفته شد، این عبادت، در عرصه‌ی هر یک از ادیان الهی، سابقه‌ی حضور داشته است، چنان که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم از آن به عنوان «نَهْجُ الانبیاء» و شیوه‌ی تمام پیامبران یاد کرده است.^۱

۱. بحار الانوار، ج ۸۴، ص ۲۳۱.

۲. نماز، سیمای دین

هر یک از ادیان برای اعلام موجودیت از وسیله و ابزاری خاص استفاده می‌کنند؛ همانند آتش، بوق، ناقوس و... این وسیله‌ی اعلام، نوعی ابزار دعوت همگانی به انجام مراسم دینی نیز تلقی می‌شود. در اسلام، اذان عنوان این وسیله‌ی عمومی است، که در قالب دعوت به نماز، نقش دعوت به اسلام را ایفا می‌کند. همان‌گونه که پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله وسلم در تفسیر آیه‌ی: «وَمَنْ أَحْسَنُ قَوْلًا مِّمَّنْ دَعَا إِلَى اللَّهِ»^۱ فرمودند: مراد از دعوت کننده به سوی خدا، مؤذن است.^۲

۳. نماز، فریضه‌ای همیشگی و همگانی

روزه بر کسانی که سلامت جسمی دارند؛ خمس، زکات و حج بر کسانی که تمکن مالی دارند، واجب است. همچنین زنان و پیرمردان از حضور در صحنه جهاد معافند، اما نماز، فریضه‌ای همیشگی و همگانی است. همه مردان و زنان در همه شرایط، در ناامنی و امنیت، روز و شب، تمام ماههای سال، ثروتمند و فقیر، صحیح و مریض، مقیم و مسافر باید نماز بگزارند. قرآن می‌فرماید: اگر شرایط، چنان سخت بود که مجال پیاده شدن از مرکب وجود نداشت، پیاده یا سواره باید به انجام این فریضه اقدام گردد.^۳

آیا تاکنون فکر کرده‌اید به چه دلیل در بدو تولد، کودک را با صلاهی نماز، آشنا می‌کنند و اذان و اقامه در گوش او می‌دمند و پس از مرگ و قبل از دفن بر پیکر

۱. فُصِّلَتْ / ۳۴.

۲. تفسیر ابن کثیر، ج ۴، ص ۱۰۹.

۳. بقره / ۲۳۹. فقط زنان در زمان عذر ماهیانه از نماز معافند که به آنان نیز توصیه شده به هنگام نماز در مصلاهی خود بنشینند و به ذکر خدا مشغول شوند.

بی‌جان انسان نماز می‌خوانند؟! چرا نخستین گام در عرصه‌ی تکلیف، به سوی نماز برداشته می‌شود و چرا اولیای الهی در واپسین لحظات عمر معمولاً اجازه‌ی دو رکعت نماز خواندن را می‌خواستند؟ آیا پاسخ این چراها نمی‌تواند از اهمّیت این فریضه‌ی بزرگ که باید سراسر عمر را فراگیرد، خبر دهد؟

۴. نماز، امداد الهی

استعانت از غیر خدا، امری است که هر روزه و در هر نماز به عنوان یک ضدّ ارزش تلقی گردیده و در نمازهای یومیّه تأکید می‌شود که «ایاک نعبد و ایاک نستعین». قرآن نیز به دو امر به عنوان ابزار استعانت اشاره کرده است: «صبر و صلاة»^۱ و پیشوایان دین برای رفع مشکلات زندگی و دستیابی به خواسته‌ها، نمازهایی گوناگون را توصیه کرده‌اند. شکی نیست که نظام جهان، بر اسباب و علل مادی تکیه دارد، ولی جریان اسباب نیز به فرمان خداوند متعال است و نیروی غیبی را برای هماهنگی این عوامل به کمک می‌خواند که این امداد غیبی در پرتو نماز فراهم می‌آید.

در روایتی چنین می‌خوانیم:

«كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ إِذَا حَزَنَهُ أَمْرٌ فَرَعَّ إِلَى الصَّلَاةِ»^۲

پیامبر اکرم هر گاه از امری نگران می‌گردید به نماز پناه می‌برد.

بنا براین: نماز از آن جهت که نقشی مؤثر در پیشبرد امور زندگی انسان‌ها دارد،

عبادتی مهم و تعیین کننده تلقی می‌گردد.

۱. بقره / ۴۵.

۲. بحار الانوار، ج ۸۲ / ص ۱۹۲.

۵. نماز و مسجد

یکی دیگر از وجوهی که اهمیت و عظمت نماز را مبرهن می‌سازد، برپایی بنایی خاص برای انجام این فریضه است. مساجد، پایگاه مسلمین برای اقامه نماز به جماعت‌اند و عنوان این بنا، بر انگیزه‌ی ایجاد آن دلالت دارد.^۱

اجرای این طرح عظیم در تمام نقاط دنیای اسلام و در طول اعصار و قرون که با کمک‌های مالی عموم مسلمانان صورت گرفته است، حکایت از تکریم و تعظیم این وظیفه، در نزد آنان دارد:

«أَنَّمَا يَعْمُرُ مَسَاجِدَ اللَّهِ مِنْ آمَنٍ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ»^۲

۶. تکرار نماز در هر روز

انعطاف مکرر توجّه و درخواست انجام پیایی یک وظیفه، انسان را از اهمیت و عظمت آن آگاه می‌کند. اگر به کسی تکلیف شود که باید روزانه پنج بار با شخصیتی ملاقات کند، بدون شک این سؤال پیش می‌آید که: او کیست؟ و چه اندازه اهمیت دارد، که باید هر روز، چندین بار به سراغ او رفت؟ نماز، عبادتی است که هر روزه چند نوبت تمام مسلمانان به سوی آن سوق داده می‌شوند. غیر از ملاقات‌های الزامی که در قالب نمازهای واجب، سامان یافته، ملاقات‌های آزاد نیز برای بندگان، با نماز، پیش بینی گردیده است، که همه و همه، به نیکی از اهمیت این عمل خبر می‌دهد. آری، رکعات نماز، که ظاهراً تکراری می‌نماید پلکانی است، که انسان را به مقامی برتر عروج می‌دهد.^۳

۱. مسجد: محلّ سجده.

۲. توبه/۱۸.

۳. قال علی علیه السلام: الصلاة قربان کل تقی. تفسیر نورالثقلین ج ۴ / ص ۲۰۵.

۷. انواع نماز

هر چند، اصول و ارکان این عبادت بزرگ، در شکل‌های مختلف آن یکسان هستند، تفاوت‌هایی بسیار در مقارنات آن دیده می‌شود؛ مثلاً: از حیث رکعات و رکوع‌ها، قرائات و سُور، اذکار و دعاهای مستحب، در قیاس با ظرف زمانی و نیت اقامه‌ی نماز، و.... برای هر بلا و رخایی نمازهای پیش‌بینی شده است؛ نماز استسقا، شکر، خوف، حاجت، زیارت، عید فطر و قربان، جمعه، لیلۃ‌الدفن، گرسنه، وسوسه، استعاده، رفع عسرت و سختی، زیاد شدن روزی، استغاثه، امامان معصوم - علیهم‌السلام - وصیت، افزونی حافظه، عفو، هر یک از روزهای هفته، نافله‌ی شب و از این دست نمازهایی که برشماری و احاطه بر آنها از حوصله‌ی بحث خارج است. چگونگی اقامه‌ی بیش از سیصد نوع نماز در کتاب‌های ادعیه، زیارات و.... ما دیده می‌شود. این گوناگونی به خوبی می‌تواند دلیلی دیگر بر اهمیّت این عبادت، تلقی گردد.

۸. تکفیر تارک نماز

همان‌گونه که قبلاً اشاره گردید، در صدر اسلام، نوگروندگان پس از اقرار به توحید، از باب نماز به سرای دین، راه می‌یافتند. با استناد به روایات اسلامی این نکته نیز مستدل می‌گردد که خط قرمز دین، ترک نماز است؛ چرا که پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله وسلم فرمود:

«مَا بَيْنَ الْمُسْلِمِ وَ بَيْنَ أَنْ يَكْفُرَ إِلَّا أَنْ يَتْرُكَ الصَّلَاةَ الْفَرِيضَةَ مُتَعَمِّدًا أَوْ يَتَهَاوَنَ بِهَا فَلَا يُصَلِّيَهَا؛^۱ فاصله‌ای بین مسلمان و کافر نیست، جز آن که نماز را از روی عمد، ترک، یا در انجام آن سستی کند و نماز نخواند.»

۱. بحار الانوار، ج ۸۲، ص ۲۱۶.

در گفتاری دیگر از امام صادق علیه السلام می‌خوانیم:
 «لَا حَظَّ فِي الْإِسْلَامِ لِمَنْ تَرَكَ الصَّلَاةَ^۱ أَنْ كَسَّ كَمَا نَكَزَارِدُ، چَه سَان خُود
 رَا مُسْلِمَان مِی دَانَد؟»

۹. نخستین پرسش در قیامت

در منابع اسلامی به نوعی اولویت در رسیدگی به پرونده‌ی انسان‌ها در قیامت اشاره شده است. نماز، به عنوان نخستین عمل، و قبولی آن شرط رسیدگی به سایر اعمال معرفی شده است. امام باقر علیه السلام می‌فرماید:

«أَنَّ أَوَّلَ مَا يُحَاسَبُ بِهِ الْعَبْدُ الصَّلَاةَ، فَإِنْ قُبِلَتْ قُبِلَ مَا سِوَاهَا وَإِنْ رُدَّتْ رُدَّتْ مَا سِوَاهَا؛ نماز، نخستین عملی است که محاسبه می‌شود: پس اگر قبول گردید، سایر اعمال نیز قبول می‌شوند، و اگر رد شد، اعمال دیگر نیز پذیرفته نمی‌شوند.»

و در سخنی از پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله وسلم می‌خوانیم:

«أَوَّلُ مَا يُنظَرُ فِي عَمَلِ الْعَبْدِ فِي يَوْمِ الْقِيَامَةِ فِي صَلَاتِهِ فَإِنْ قُبِلَتْ نُظِرَ فِي غَيْرِهَا وَإِنْ لَمْ تُقْبَلْ لَمْ يُنظَرْ فِي عَمَلِهِ بَشَيْءٍ^۲ نماز نخستین مسأله است که پرونده‌ی آن را، روز قیامت بررسی می‌کنند...»

در روایت دیگری حضرت علی علیه السلام می‌فرماید:

«أَنَّ كُلَّ شَيْءٍ مِنْ عَمَلِكَ تَبِعَ لَصَلَاتِكَ؛ همه‌ی اعمال تو، تابع نماز تو است.»

۱. بحار الانوار، ج ۸۲، ص ۲۳۲.

۲. همان / ج ۲۵، ص ۸۳.

۳. همان / ج ۲۲۷، ص ۸۲؛

۴. بحار الانوار، ج ۸۰، ص ۲۱.

۱۰. برابری نماز با ایمان

از ابتدای بعثت پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله وسلّم تا حدود شانزده ماه، مسلمانان، نمازهای خود را به سوی بیت المقدس انجام می‌دادند، ولی بنا به مصلحتی خاص و با هدف رهایی از سرزنش‌های یهود، قبله‌ی مسلمانان به سوی کعبه تغییر یافت. به همین جهت، مسلمانان با این سؤال مواجه شدند: حکم نمازهایی که به سوی بیت المقدس گزارده‌اند، چیست؟ آیا آنها مورد قبول قرار می‌گیرد یا نیاز به قضا و تکرار دارد؟ آن گاه این آیه نازل گردید:

«وَمَا كَانَ اللَّهُ لِيُضِيعَ إِيمَانَكُمْ»^۱ خداوند، ایمان شما (نمازهای پیشین‌تان) را ضایع نمی‌کند و آنها را بی‌پاداش نمی‌گذارد.^۲

۱۱. نقش نماز در اصلاح جامعه

در روایاتی فراوان، اظهار امیدواری شده که نمازخوان، اگر مبتلا به فساد اخلاقی باشد، به تدریج تحت تأثیر معنویت نماز، اصلاح می‌گردد و این دو با هم قابل ادامه نیستند. در روایتی چنین می‌خوانیم: «جوانی از انصار که در صف جماعت با پیامبر نماز می‌خواند، مبتلا به فساد اخلاق بود. یاران پیامبر با شنیدن این آیه که: نماز، انسان را از فحشا و منکر باز می‌دارد،^۳ احوال این جوان را گزارش کردند، حضرت فرمودند:

«إِنَّ صَلَاتَهُ تَنْهَاهُ يَوْمًا مَا: در آینده، نماز بر او تأثیر می‌گذارد و به صلاحش وامی‌دارد.» دیری نپایید که توبه کرد و روی به نیکی آورد.^۴

۱. بقره/۱۴۳.

۲. مجمع البیان، ج ۱، ص ۲۲۵.

۳. عنکبوت/۴۵.

۴. بحار الانوار، ج ۸۲، ص ۱۹۸.

آری، به فرموده‌ی قرآن، تارکان نماز، همان گنهکارانند که وقتی از آنان می‌پرسند: چه چیز، شما را اهل دوزخ گردانید؟ می‌گویند: ما نماز نمی‌خواندیم.^۱ آنان، در آن جهان، حسرتِ خویش را چنین عیان می‌سازند: «رَبِّ ارْجِعُونِ: خدایا! مرا بازگردان، تا نمازهایی که نخواندم، بخوانم! امّا به او پاسخ منفی داده می‌شود.^۲ و چه نیکو فرمود رهبر کبیر انقلاب اسلامی؛ حضرت امام خمینی - قدّس سرّه - : «هر چه پرونده [جرم و جنایت] پیدا کنید، پرونده‌ی بی‌نمازهاست.^۳»

۱. مدثر / ۴۳.

۲. بحار الانوار، ج ۷۷، ص ۵۸.

۳. سخنرانی در تاریخ، ۵۹/۳/۱۴.

آزمون

۱. شیطان، چه هنگام از انسان بیمناک می‌شود؟ روایتی از رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم در این بنویسید؟
۲. روایت «الصَّلَاةُ حِصْنٌ مِنْ سَطَوَاتِ الشَّيْطَانِ» از کیست و به چه معناست؟
۳. پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله وسلم در باره‌ی اشتیاق خود به نماز، چه فرمود؟
۴. چگونه تمام دین در نماز تجلی می‌یابد؟
۵. خداوند در آیه‌ی ۲۳۹ سوره‌ی بقره در زمینه‌ی لزوم توجه به نماز، چه فرموده است؟
۶. ابزار استعانت از نظر قرآن چیست؟ به آیه‌ی مربوط اشاره کنید.
۷. روایت از پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله وسلم درباره‌ی تعیین مرزهای ایمان و کفر را بنویسید.
۸. نخستین پرسش در قیامت از چه عملی است؟ در این باره، روایتی از امام باقر علیه السلام ذکر کنید.
۹. آیه‌ی «وَمَا كَانَ اللَّهُ لِيُضِيعَ إِيمَانَكُمْ» به چه معناست؟ و شأن نزول آن چیست؟
۱۰. دوزخیان روز قیامت، چه چیز را دلیل عذاب و گرفتاری خود می‌دانند؟ به آیه‌ی مربوط اشاره کنید؟

درس ششم

محراب سخن

اذان و اقامه

اذان، فریاد بیداری، صلاهی رحمت و ترانه‌ی عبودیت و عشق مخلوق به خالق است. نغمه‌ی جانبخش اذانِ بلال، آرامش و صفا را بر قلب ملکوتی پیامبرِ والهان و وارستگان حاکم می‌ساخت. چه زیباست این سرود مُسَجِّعِ آزادی و ایمان، که خالق مطلق را می‌ستاید و سرگشتگان را به سرای امن او می‌خواند. با نام «اللَّهِ» آغاز و با نام او ختم می‌گردد. نخستین آوای آشنای نوزادان و مونس تنهایی آدمیان.^۱ هشداری به تمام جهانیان، که: خدا از هر شاغلی برتر و از هر وصفی فراتر است. رو به سوی او آرید که او بزرگ‌تر است و جز او کسی شایسته‌ی توجه نیست. همو که سفیرانش را در هیأت پیامبران به سوی تان فرستاد، تا راهنماتان باشند، همو که اینک هنگام نماز شما را به خود فرامی‌خواند. می‌خواند تا رستگار کند. می‌خواند، تا برترین پاداش‌ها را در برابر بهترین اعمال به شما ارزانی دارد. به راستی، برتر و فراتر از او کیست؟ و نهادِ انسانِ واله و حیران را پاسخگویی جز او کیست؟

۱. سفارش شده در صحرا برای ایمنی از گزند حیوانات اذان گفته شود. (عروه الوثقی، کتاب الصلوه)

فقیه عارف، آیت الله مرحوم میرزا جواد ملکی تبریزی رحمة الله علیه می گوید: «آن گاه که «الله اکبر» را شنیدی، قلب را متوجه عظمت و بزرگواری ذات اقدس حق نما و دنیا و آنچه را در آن است، کوچک شمار، تا در تکبیرت دروغگو نباشی و هرگاه «لا اله الا الله» را شنیدی، هر معبودی غیر از او را از لوح دل محو کن.»^۱

ثواب مؤذن

آری، هیچ شعاری شکننده تر از نغمه‌ی توحیدی اذان نیست و هیچ شعوری سازنده تر از تبیین موضع فکری و سیاسی بر فراز تریبون‌های سنتی، تصور نمی گردد. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:

«يُغْفَرُ لِلْمُؤَذِّنِ مَدَّ صَوْتِهِ وَ بَصَرَهُ وَ يُصَدِّقُهُ كُلُّ رَطْبٍ وَ يَابِسٍ وَ لَهُ مِنْ كُلِّ مَنْ يُصَلِّي بِأَذَانِهِ حَسَنَةٌ»^۲ بخشیده می شود برای مؤذن به مقداری که صدایش برسد و چشمش کار کند و هر تر و خشکی او را تصدیق می کنند و برای او در برابر هر کسی که با اذان او به نماز می ایستد حسنه ای منظور می گردد.»

در حدیثی نبوی می خوانیم:

«گوشت و خون اذان گویان بر آتش حرام است و هر مؤذنی، هفت سال با نیت خالص، اذان سر دهد، از آتش دوزخ برهد.»^۳

حضرتش در گهر گفتاری دیگر، سرافرازترین کسان را، روز قیامت، مؤذنان، بر می شمارد^۴ و در روایت دیگر می فرماید:

۱. اسرار الصلوة / ۲۹۲.

۲. بحار الانوار، ج ۸۴، ص ۱۰۴.

۳. کنز العمال، ج ۸، ص ۳۳۸.

۴. بحار الانوار، ج ۸۴، ص ۱۰۶.

«پس از انبیا و شهیدان، مؤذنان وارد بهشت می‌شوند و هیچ عملی برتر از اذان نیست، مگر جهاد در راه خدا»^۱.

شرایط مؤذن و کیفیت اذان

مؤذن باید دارای صفات و ویژگی‌هایی خاص باشد. امیرمؤمنان علیه السلام فرمود: «مؤذن باید فصیح‌ترین افراد باشد»^۲ پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم شخصاً مؤذن خود را انتخاب کردند و همانند یک سمت رسمی، برای سایر مساجد مهم مثل مسجد قبا، مؤذن منصوب می‌فرمودند و معمولاً کسانی را بر این مقام می‌گماشتند، که صدایی زیبا و رسا داشتند^۳. حضرتش چندان در شأن مؤذن و ثواب اذان، سخن گفت و بر آنان دعا فرمود، که یکی از یارانش چنین لب به سخن گشود: یا رسول الله! خوف این هست که افراد، در آینده بخاطر سبقت در اذان و احراز سمت مؤذنی با یکدیگر بستیزند! حضرت فرمود: خیر (متأسفانه) در آینده این سمت به طبقات پایین و ضعیف جامعه سپرده می‌شود.^۴

استاد مطهری رحمه الله علیه در این باره، خاطره‌ای نقل می‌کند:

«در یکی از مجالس پیرمردی را دیدم، که از مردم می‌خواست صلوات بفرستند نمی‌دانم بیچاره مفلوج بود؛ زبان نداشت، چه طور بود که یک کلمه که می‌خواست بگوید، خودش هم تکان می‌خورد، با یک وضع مسخره و خنده آور. پیش خود گفتم سبحان الله! فرد دیگری نیست تا شعار صلوات بدهد؟ آیا باید بد صداترین افراد را در این موارد انتخاب بکنیم؟

۱. کنز العمال، ج ۸، ص ۳۴۳.

۲. اسرار الصلاة / ۲۹۲.

۳. کنز العمال، ج ۸، ص ۳۴۱.

۴. همان / ۳۴.

سعدی داستانی ذکر می‌کند و می‌گوید:

مؤذنی بدصدا، با صدایی بلند، اذان می‌گفت. روزی، یک یهودی برایش هدیه‌ای آورد و گفت: آیا این هدیه‌ی ناقابل راقبول می‌کنی؟ مؤذن پرسید: چرا؟ یهودی گفت: برای خدمت بزرگی که به من کردی! مرد اذان گو، دیگر بار پرسید: چه خدمتی؟ من که خدمتی به شما نکرده‌ام! هدیه آورنده پاسخ داد: من دختری دارم که مدتی است به اسلام متمایل شده، اما از وقتی که تو اذان می‌گویی و «اللّه اکبر» را از تو می‌شنود، دیگر از مسلمانی بیزار شده، حال این هدیه را آورده‌ام برای خدمتی که به من کردی و نگذاشتی دخترم مسلمان بشود.^۱

استاد مطهری، خوش صدا بودن مؤذن را، مهم بر می‌شمارد و چنین می‌نگارد: «در فقه اسلامی آمده: مستحب است مؤذن خوش صدا باشد؛ زیرا طبع آدمی وقتی اذان را از یک خوش صدا می‌شنود، جمله‌های آن، جور دیگری بر قلبش اثر می‌گذارد. همین طور است قرآن خواندن و تبلیغ کردن؛ که اگر بالحن خوش باشد، بهتر بر شنونده اثر می‌گذارد.»^۲

مؤذن پیامبر، «بلال حبشی» بر خلاف پوست تیره اش دارای نورانیت درونی، فضیلت‌های اخلاقی و سوابق انقلابی همچون: حضور در جبهه‌های نبرد بدر، اُحد و احزاب بود و تا پایان عمر آن بزرگوار در همین سمت حضور داشت. او دست‌ها را بر گوش می‌گذاشت و به جوانب گوناگون روی می‌کرد،^۳ ولی در بیش‌تر حالات، هنگام اذان، روی بر قبله داشت.

۱. حماسه حسینی، ج ۱، ص ۲۲۱.

۲. حکایتها و هدایتها/ ۱۷۸.

۳. کنز العمال، ج ۸، ص ۲۴۴.

وضو

پیش از حضور در پیشگاه معبود، باید مهیای ملاقات شد. صورت و دست‌های خود را شست و شو داد و آماده‌ی دیدار شد. دلیل انجام این امر چیست؟ آیا نمی‌شود هر کس، هر طور تمایل دارد دست و صورتش را بشوید و رعایت آداب و دستور خاصی لازم نباشد؟ در روایات اسلامی به چند مورد به عنوان اسرار و آثار وضو اشاره گردیده که تلفیقی است از نتایج مادی و معنوی و تحقق هر کدام در گرو انجام آن منطبق با دستور الهی است:

۱. **آراستگی ظاهر:** امام باقر علیه السلام در حدیثی زیبا به یکی از شاگردان خود چنین فرمود: اگر کسی بپرسد: چرا خداوند، فرمان به وضو داد؟ پاسخ می‌گوییم: زیرا عبد در مقام مناجات و گفت‌وگو و هنگام ملاقات با خالق، پاک و آراسته باشد و اطاعت خود را در برابر او به اثبات رساند.^۱

۲. **نشاط و رفع کسالت:** در همین روایت امام علیه السلام به عنوان دلیل دیگر وجوب وضو می‌فرماید: «مَعَ مَافِيهِ مِنْ ذَهَابِ الْكَسَلِ وَ طَرْدِ النُّعَاسِ؛ وضو، سبب رفع کسالت، خواب آلودگی و سستی می‌گردد.»

۳. **روسفیدی در قیامت:** مردی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم پرسید: روز قیامت از میان انبوه مردمان که از عصر حضرت نوح تا روزگار شما گرد آمده‌اند، چگونه امت خود را می‌شناسید؟ حضرت فرمود: امت من چهره‌های تابنده و درخشانی دارند که بر اثر وضو این زیبایی آنان دیده می‌شود و هیچکس دیگر چنین ویژگی و نشانی ندارد.^۲

۴. **طولانی شدن عمر:** پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم می‌فرمایند:

۱. علل الشرایع/۲۵۷.

۲. وسائل الشیعه، ج ۱، ۲۶۷.

«أَكْثَرَ مِنَ الطُّهُورِ يَزِدُّ اللَّهَ فِي عُمْرِكَ»^۱

هر چه بیشتر طاهر و باوضو باش تا خداوند عمرت را زیادتر کند. این وعده به حق خداوند متعال توجیه علمی و پزشکی نیز دارد که به‌طور طبیعی افرادی که جهات بهداشتی خصوصاً نظافت پوست بدن را رعایت کنند از سلامت جسمی و دوام عمر بیشتری برخوردار خواهند بود.

۵. درک ثواب شهیدان: در روایات، تأکیدی فراوان بر دائم الوضوء بودن شده است، دائم الوضوء بودن یعنی یک رشته دائمی عبادی با خدا داشتن، یعنی صیقل دادن منظم روح، یعنی زدودن غبار از دل. در روایتی، پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله وسلم ضمن تأکید بر حفظ این امتیاز در تمامی حالات می‌فرماید:

«وَإِنْ اسْتَطَعْتَ أَنْ تَكُونَ أَبَدًا عَلَى وَضُوءٍ فَأَفْعَلْ فَإِنَّ مَلَكَ الْمَوْتِ إِذَا قَبِضَ رُوحَ الْعَبْدِ وَهُوَ عَلَى وَضُوءٍ كُتِبَ لَهُ شَهَادَةٌ»^۲

اگر می‌توانی همیشه با وضو باشی این عمل را ترک نکن؛ زیرا ملک‌الموت آن‌گاه که روح بنده‌ای با وضو را قبض می‌کند او را شهید محسوب خواهد نمود.

تکرار وضو

نشاط نو و تجدید روحیه، خواست طبیعی انسان و همساز با فطرت بشری است، تکرار وضو، به عنوان یک عامل نشاط‌مورد ستایش و توجه خاص اسلام قرار گرفته است. امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «تجدید وضو بدون آنکه وضوی قبلی باطل شده باشد موجب تجدید توبه انسان قبل از استغفار و

۱. بحارالانوار، ج ۸۰، ص ۳۰۵.

۲. کنز العمال، ج ۹، ص ۲۹۳.

درخواست او می‌گردد»^۱ و در روایت دیگری حضرتش می‌فرماید: «الْوُضُوءُ عَلَيَّ الْوُضُوءُ نُورٌ عَلَيَّ نُورٌ»^۲ یعنی: «وضو گرفتن برای کسی که وضو دار است نوری است افزون بر نورانیت قبلی.» شاید رمز این تأکیدات در مورد دوام و تکرار وضو این باشد که اکثر فعالیت‌های انسان الزاماً یا ترجیحاً مقید به وضو است. غیر از نماز و طواف که الزاماً مقید به وضو است، دست زدن به متن قرآن و نام خدا و پیامبر و امامان معصوم علیهم السلام، بدون وضو ممنوع است. در موارد زیر نیز وضو گرفتن مستحب است: نماز میت، قرائت و کتابت قرآن، مسح حواشی قرآن، انجام کارهای مهم، موقع صرف غذا، هنگام خوابیدن، تماس با همسر، بازگشت از سفر و ورود به منزل، تجدید وضوی سابق برای بجای آوردن نماز، پس از بذله‌گویی، بدنبال دروغ یا غیبت، و...

۱. وسائل الشیعه، ج ۱، ص ۲۶۴.

۲. همان، ص ۲۶۵.

آزمون

۱. غیر از وقت نماز، در چه زمان‌هایی اذان گفتن مستحب است؟
۲. مرحوم میرزا جواد آقا ملکی تبریزی، چه دستوری را هنگام شنیدن تکبیر به ما آموخت؟
۳. با ذکر روایتی از پیامبر اکرم علیه السلام ثواب مؤذن را مشخص کنید؟
۴. شرایط مؤذن را بنویسید؟
۵. حکایتی از سعدی درباره‌ی مؤذن بد صدا ذکر کنید؟
۶. چهار مورد از اسرار و آثار وضو را بنویسید؟
۷. با ذکر روایتی از پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله وسلم ثواب دائم الوضوء را بیان کنید؟
۸. پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله وسلم در جواب کسی که پرسید: «شما در قیامت در میان آن جمعیت انبوه چگونه امت خود را شناسائی می‌کنید» چه فرمود؟
۹. بلال، مؤذن رسمی پیامبر، چه ویژگی‌هایی داشت؟
۱۰. تکرار وضو، چه آثاری دارد؟

درس هفتم

پایه‌ی ارزش‌ها

نیت

نخستین رکن هر عمل، بلکه تعیین کننده‌ی هویت هر عمل، نیت است.

امام سجّاد علیه السّلام می‌فرماید:

«لَا عَمَلَ إِلَّا بِالنِّيَّةِ»^۱ قوام هر عمل به نیت است.»

پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله وسلم می‌فرماید:

«أَنَّهَا الْأَعْمَالُ بِالنِّيَّاتِ»^۲ تمام اعمال با توجه به نیت انسانی سنجیده می‌شوند.»

تعبیر دیگر منابع اسلامی درباره‌ی نیت عبارت‌اند از:

«لِكُلِّ أَمْرٍ مَا نَوَى»^۳ هر انسانی به اندازه‌ی پاکی نیت خود آجر می‌برد.»

«يُحْشَرُ النَّاسُ عَلَى نِيَّاتِهِمْ يَوْمَ الْقِيَمَةِ»^۴ انسان‌ها با نیت خود محشور می‌شوند.»

«لَا دِينَ لِمَنْ لَا نِيَّةَ لَهُ»^۵ آن که نیت صحیح ندارد، دین ندارد»

۱. وسائل الشّیعه، ج ۱، ص ۳۳.

۲. بحار الانوار، ج ۷۰، ص ۲۱۰.

۳. همان.

۴. وسائل الشّیعه، ج ۱، ص ۳۴.

۵. قصار الجمل.

«وَلْتَكُنْ لَكَ فِي كُلِّ شَيْءٍ نِيَّةٌ حَتَّىٰ فِي النَّوْمِ وَالْأَكْلِ»^۱ در تمامی کارها نیت (اخلاص) داشته باش حتی در خوابیدن و خوردن.

روشن است که مراد از نیت در عبادت، بازگو کردن الفاظ خاص نیست بلکه نیت امری قلبی و هویتی عینی در ارتباط باعمل است. نیت یعنی سلامت و استمرار انگیزه و انحصار آن در اطاعت و رضایت خدا. نیت یعنی عمل آگاهانه و عاشقانه در رابطه با معبود.

در نماز و عبادت‌های دینی باید چه نیتی داشته باشیم؟ با آن که بسیاری از عبادت‌گران و نمازگزاران، نیت خالص دارند، اما نیت آنان، ناب نیست. یعنی به جهت شایستگی خدا، او را عبادت نمی‌کنند بلکه شوق رسیدن به بهشت و هراس از جهنم، آنان را به خضوع در برابر «رَبِّ» کشانیده است.

سخنی از استاد مطهری را بخوانیم:

«عارف از نظر هدف، «موحّد» است، تنها خدا را می‌خواهد؛ اما او خدا را به واسطه‌ی نعمت‌های دنیوی، یا اخروی اش نمی‌خواهد؛ زیرا اگر چنین باشد، مطلوب بالذات او این نعمت‌ها است و خدا مقدمه و وسیله است و در حقیقت معبود و مطلوب حقیقی او نَفْس است؛ زیرا آن نعمت‌ها را برای ارضای نَفْس می‌خواند.

عارف هر چه را بخواهد به خاطر خدا می‌خواهد، او اگر نعمت‌های خدا را می‌خواهد از آن جهت می‌خواهد که آن نعمت‌ها از ناحیه‌ی او و عنایت اوست، کرامت و لطف اوست. پس غیر عارف، خدا را به خاطر نعمت‌هایش می‌خواهد و عارف، نعمت‌های خدا را به خاطر خدا می‌خواهد.

۱. وسائل الشیعه، ج ۱، ص ۳۵.

این جا پرسشی پیش می‌آید، که اگر عارف، خدا را برای چیزی نمی‌خواهد، پس چرا او را عبادت می‌کند؟ مگر نه این است که هر عبادتی برای منظوری است؟ پاسخ آن است که هدف عارف و انگیزه عارف بر عبادت یکی از دو چیز است؛ یکی شایستگی ذاتی معبود برای عبادت یعنی از آن جهت او را عبادت می‌کند که او شایسته‌ی عبادت است، نظیر این که انسان، کمالی در شخص یا شیئی می‌بیند و او را مدح و ستایش می‌کند، اگر بپرسند انگیزه‌ی تو از این ستایش چیست؟ این ستایش برای تو چه فایده‌ای دارد؟ می‌گوید: من به طمع فایده‌ای از این شخص یا از این شیء ستایش نکردم، فقط از آن جهت ستایشش کردم که او را به حق، لایق ستایش دیدم، همه‌ی تحسین‌های قهرمانان در هر رشته‌ای از این قبیل است.

هدف دیگر عارف از عبادت، شایستگی خود عبادت یعنی شرافت و حُسن ذاتی آن است. عبادت از آن جهت که نسبت و ارتباطی است میان بنده و خدا، کاری است در خور انجام دادن، پس لازم نیست الزاماً هر عبادتی به خاطر طمعی یا ترسی باشد.

جمله‌ای معروف از علی علیه السلام نقل شده است که: «الهی ما عَبَدْتُكَ خَوْفًا مِنْ نَارِكِ وَلَا طَمَعًا فِي جَنَّتِكَ بَلْ وَجَدْتُكَ أَهْلًا لِلْعِبَادَةِ فَعَبَدْتُكَ» عبادت به خاطر شایستگی معبود را بیان می‌کند.

عارفان بر این مطلب زیاد تکیه می‌کنند که اگر هدف و مطلوب انسان در زندگی، یا در خصوص عبادات، چیزی غیر از ذات حق باشد، نوعی شرک است، عرفان صد در صد بر ضدّ این شرک است. در این زمینه سخن‌های لطیف فراوان گفته‌اند. ما، در این جا به تمثیلی عالی و لطیف که «سعدی» در «بوستان» ضمن داستانی از «محمود غزنوی» و «ایاز» آورده، بسنده می‌کنیم:

یکی، خُرده بر شاه غزنین گرفت	که حسنی ندارد «ایاز» ای شگفت!
گُلی را که نَه رنگ باشد، نَه بو	دریغ است سودای بلبل، بر او
به محمود گفت این حکایت کسی	بپیچید ز اندیشه بر خود بسی
که عشق من ای خواجه! برخوی اوست	نَه بر قَدّ و بالای دلجوی اوست!
شنیدم که در تنگنایی شتر	بیفتاد و بشکست صندوق دُر
به یغما، ملک آستین بر فشاند	وز آنجا به تعجیل، مرکب برآند
سواران، پی دُرّ و مرجان شدند	ز سلطان به یغما پریشان شدند
نماند از وشاقانِ گردن فراز	کسی در قفایِ مَلک، جز «ایاز»
چو سلطان، نظر کرد، او را بدید	ز دیدار او، همچو گل بشکفید
بگفتا که: ای سُنبلت پیچ پیچ	ز یغما، چه آورده‌ای؟ گفت: هیچ!
من اندر قفای تو می تاختم	ز «خدمت» به «نعمت» نپرداختم

سعدی پس از آوردن این داستان، منظور اصلی خود را چنین بیان می‌کند:

گر از دوست، چشمت به احسان اوست تو در بند خویشی، نه در بند دوست
 خلافِ طریقت بُود کاولیا تمنا کنند از خدا، جز خدا
 بر اساس این تلقّی، مسأله‌ی کارگر و کارفرما و مزد به شکلی که میان کارگر و کارفرما متداول است مطرح نیست و نمی‌تواند باشد. برحسب این برداشت، عبادت: نردبان قرب، معراج انسان، تعالی روان، پرواز روح به سوی کانون نامرئی هستی، پرورش استعدادهای روحی و ورزش نیروهای ملکوتی آنان، پیروزی روح بر بدن، عالی‌ترین عکس العمل سپاسگزارانه‌ی انسان از پدید آورنده‌ی خلقت، اظهار شیفتگی و عشق انسان به کمال مطلق و جمیل علی‌الاطلاق، و سرانجام: سلوک و سیرالی‌الله است.

بر مبنای این دریافت، عبادت پیکری دارد و روحی، ظاهری دارد و معنایی، آنچه وسیله‌ی زبان و سایر اعضای بدن انجام می‌شود، پیکره و قالب عبادت است، روح و معنای عبادت چیز دیگر است، روح عبادت وابستگی کامل دارد به مفهومی که عابد از عبادت، دارد و به نوع تلقی او از عبادت و به انگیزه‌ای که او را به عبادت برانگیخته است و بهره و حظی که عملاً از عبادت می‌برد و این که عبادت تا چه اندازه سلوک الی الله و گام برداشتن در بساط قرب باشد.^۱

در برابر این همه توصیه به نیت خالص و ناب، امروزه چنان زمینه این کارهای ارزشمند کم شده است که استاد مطهری رحمه الله علیه می‌نگارد:

«مرحوم شیخ جعفر شوشتری، آن سال‌ها که آمده بود تهران و منبرهای معروف را می‌رفت، یک روز گفت: ایها الناس! همه‌ی پیغمبران شما را به توحید دعوت کرده‌اند، اما من آمده‌ام شما را به شرک دعوت کنم! همه تعجب کردند، که شیخ چه می‌گوید؟! گفت: همه‌ی پیامبران آمدند و گفتند: فقط خدا را پرستید، فقط برای خدا کار کنید؛ ولی من می‌گویم: کمی هم برای خدا کار کنید!»^۲

نقش و جایگاه نیت خالص

۱. عامل رستگاری: اخلاص، در گفتار امیرمؤمنان علیه السلام به «فوز»^۳ یعنی: رستگاری و پیروزی تعبیر شده است. حضرتش در حدیثی دیگر، فرمود: «فی الْاِخْلَاصِ یَكُونُ الْخَلَاصُ؛^۴ آسودگی و آرامش در پرتو اخلاص میسر گردد.»

۱. سیری در نهج البلاغه / ۸۳.

۲. فطرت، ۱۹۴.

۳. غرر الحکم، فهرست، واژه‌ی اخلاص.

۴. تنبیه الخواطر / ۳۹۰.

۲. هدف ادیان و شرایع: امیرمؤمنان علیه السلام می‌فرمایند: اخلاص، هدف دین و مقصد شرایع آسمانی است.

«الْإِخْلَاصُ غَايَةُ الدِّينِ؛^۱ همه‌ی پیامبران آمدند تا انسان را به قلّه‌ی اخلاص صعود دهند.»

۳. ملاک برتری: پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله و سلّم در روایتی فرمودند: «بِالْإِخْلَاصِ تَتَفَاوَضُ مَرَاتِبُ الْمُؤْمِنِينَ؛^۲ مقام مؤمنان با اخلاص سنجیده می‌شود.»

۴. برترین نعمت‌ها: امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

«مَا أَنْعَمَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ عَلَى عَبْدٍ أَجَلَ مَنْ أَلَايْكَوْنَ فِي قَلْبِهِ مَعَ اللَّهِ غَيْرُهُ؛^۳

هیچ نعمتی بالاتر از این نیست که در قلب بنده غیر از خدا چیزی نباشد.»

در یک حدیث قدسی خداوند متعال می‌فرماید: نیت خالص سرّی از اسرار من است که آن را در قلب آنکس که بخواهم قرار می‌دهم.^۴

۵. راه دستیابی به محبوبیت: یکی از آرزوهای دیرینه‌ی بشر دستیابی به محبوبیت اجتماعی است و همه‌ی تلاش‌ها برای راضی کردن عناصر و افراد گوناگون در جامعه و کسب محبوبیت بسیج می‌شود. قرآن کریم می‌فرماید:

«إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ سَيَجْعَلُ لَهُمُ الرَّحْمَنُ وُدًّا؛^۵

آنان که ایمان و عمل صالح انجام دادند خداوند رحمان بر ایشان محبوبیت

عمومی را تقدیر خواهد کرد.»

۱. غررالحکم و دررالكلم.

۲. تنبيه الخواطر / ۳۶.

۳. مستدرک الوسائل، ج ۱، ص ۱۰.

۴. بحار الانوار، ج ۷۰، ص ۲۴۹.

۵. مریم / ۹۶.

پایه ارزش‌ها □ ۱۰۳

و بنا به مقتضای روایات و تفاسیر، عمل صالح، عملی است که در آن غیر خدا نباشد. پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله وسلم در روایتی چنین می‌فرماید:

«اعْمَلْ لِرَبِّهِ وَاحِدٍ يَكْفِيكَ الْوُجُوهَ كُلَّهَا»^۱

«برای خدای یکتا کار کن تا او [قلب] دیگران را در اختیار تو قرار دهد.»

۶. معیار شرافت و کرامت انسانی: خداوندی که همه چیز را مسخر بنی‌آدم قرار داده است^۲ از او توقع ویژه ای دارد که برتری او از دیگر موجودات را مبرهن نماید و الا این کرامت و امتیاز بیهوده خواهد بود. امام صادق علیه السلام می‌فرماید: باید بندگان در هر حرکت و سکونی، نیت خالص داشته باشند؛ چرا که در غیر این صورت غافل خواهند بود و غافلان را قرآن چنین معرفی فرموده:

«أُولَئِكَ كَالْأَنْعَامِ بَلْ هُمْ أَضَلُّ أُولَئِكَ هُمُ الْغَافِلُونَ»^۳ انسان‌های غافل و پند ناپذیر، مانند چهارپایانند، بلکه پست‌ترند.»

بنابراین، نیت خالص، تنها معیار شناسائی و جدایی انسان از حیوان است.

۷. کارآمدترین ابزار نیکوکاری: انسان می‌تواند از امکانات مالی و مادی خدادادی عمر و زندگی و از فرصت‌ها و نشاط کاری خود، برای انجام طاعات و ارائه‌ی عبادات بهره‌گیرد. هر کدام از این ابزارها مواجه با محدودیت‌هایی است که استفاده از آن‌ها نمی‌تواند مطلق و بی‌پایان باشد. بخشی از اموالش را می‌تواند صرف‌تعاون و خدمت نماید. سالیانی از عمرش را به انجام عبادت و طاعت و خدمت مردم، اختصاص دهد. اما تنها ابزاری که بهره‌ی انسان از آن نامحدود و جاودانه است، نیت است.

۱. کنز العمال، ج ۳/ ص ۲۳.

۲. حج / ۶۵؛ (أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ سَخَّرَ لَكُمْ مَا فِي الْأَرْضِ)

۳. أعراف، ۱۷۹.

امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

«مؤمنی که از خداوند امکانات مالی درخواست کند برای انجام کارهای خیر، خداوند پاداش همه‌ی این خیرات را در صورتی که نیت خالص داشته باشد، به او عطا می‌فرماید.»^۱

آن حضرت در روایتی دیگر می‌فرماید:

«هر کس تصمیم به کار خیری بگیرد ولی جامه‌ی عمل به آن نپوشاند، پاداش آن برایش منظور می‌شود و اگر انجام دهد، تا هفتصد برابر برایش نوشته می‌شود.»
 ۸. مایه‌ی قوام دین: تمام کنش‌ها و واکنش‌های بشر در پرتو نیت معنا می‌یابد و همگون با نیتی که از عمل داشته با اورفتار می‌شود. چاقوی جراح و چاقوی اشرار بظاهر یک کار را انجام می‌دهند اما با توجه به نیت، با هر یک برخوردی کاملاً غیر از آنچه با دیگری انجام می‌گیرد اعمال می‌شود. دین و گنش روحی و اعتقاد انسان نیز بر عمود نیت استوار است. امیرمؤمنان علی علیه السلام می‌فرماید: همان گونه که جسم انسان بدون حیات، ضایع و متلاشی می‌گردد همچنین دین جز با نیت صادق استوار نمی‌گردد.

آری، در هر یک از اعمال خصوصاً در عبادات، نه تنها نیت الهی و خیر ضرورت دارد، بلکه باید ناب و خالص نیز باشد و هر گونه ناخالصی، هر چند اندک، ارزش معنوی اش را ضایع خواهد کرد و خداوند آن را نخواهد پذیرفت.
 در روایتی قدسی، خداوند متعال می‌فرماید: من بهترین شریک هستم. هر کس مرا در عملی با دیگری شریک گرداند، هر چند سهم او اندک و سهم من زیاد باشد، سهم خود را به او می‌بخشم و جز آنچه را خالص باشد نمی‌پذیرم.^۲

۱. بحارالانوار، ج ۷۰، ص ۱۹۹.

۲. مستدرک الوسائل، ج ۱، ص ۱۰.

همان گونه که قبلاً اشاره شد نیت، امری قلبی است و تنها به گذراندن لفظ از زبان بسنده نمی‌شود و قربت الی الله با لفظ محقق نمی‌گردد، بلکه در عمل و در اعماق دل باید تقرب به خدا تنها عامل و محرک به سوی عمل باشد و چگونگی ارائه‌ی عمل طوری باشد که انسان را به خدا نزدیک سازد.

راه‌های دستیابی به نیت خالص

هشدارها و تأکیدهایی فراوان در روایات برناب سازی و اخلاص نیت، فرا می‌خواند. در عین حال نفوذ شرک خفی و شراکت غیر خدا در عمل عبادی را در روایات به حرکت مورچه در دل شب، بر روی سنگ سیاه تشبیه کرده‌اند. بنابراین؛ دستیابی به مقام اخلاص و رهایی از نفوذ شرک خفی، کار آسانی نیست و بایسته‌ی دقت و تأمل است. اکنون با پژوهش در منابع معرفتی به جستجوی آن می‌پردازیم.

۱. یقین به مبدأ و معاد

همه‌ی ما به خدا و روز قیامت ایمان داریم، ولی این اعتقاد به مرز یقین نرسیده است، صرفاً پذیرفته‌ایم که خداو بازگشت به او، حق است. می‌دانیم خدا، عادل است و به پرونده اعمال تمام بندگان در قیامت رسیدگی می‌کند. می‌دانیم که همه امکانات دنیوی ما از ابتدای خلقت تاکنون مرهون فیض مبدأ هستی، و او پرورش دهنده‌ی ما و رحمان و رحیم است و همه قدرت‌های دیگر، شعاعی بسیار ضعیف از قدرت اویند و مقهور اراده او خواهند بود. می‌دانیم که نفس‌های ما، ما را به سوی دروازه‌ی مرگ پیش می‌برد، اما به هیچ یک از این‌ها یقین نداریم؛ لذا به غیر خدا امید می‌بندیم و متکی بر این امید، آنان را در عمل خود

شریک می‌کنیم. پیشوایان دین علیهم السّلام به این واقعیت با تعبیری گوناگون در سخنان خویش پرداخته‌اند. امام علی علیه السّلام می‌فرماید:

«سَبَبُ الْإِخْلَاصِ الْيَقِينُ؛ اخلاص، ره آورد یقین است.»

و در سخن دیگری می‌فرماید: «عَلَى قَدْرِ قُوَّةِ الدِّينِ يَكُونُ خُلُوصُ النِّيَّةِ؛^۱ اخلاص آدمی به میزان استحکام دینداری اوست.»

۲. یأس از مردم

با آن که در بینش اسلامی، جامعه و مردم مورد توجهند، اما هیچ گاه، تکیه گاهی مناسب برای انسان نیستند؛ چرا که جایگاه انسان در نظام خلقت به هیچ وجه توجیه کننده‌ی وابستگی روحی فردی از افراد بشر به دیگری نیست! زیرا با آن که انسان، خلیفه‌ی خدا در زمین محسوب می‌گردد، و پروردگار حکیم، سایر موجودات را به طفیل او، آفریده، ولی انسان موجودی ناتوان است، که: «لَنْ يَخْلُقُوا ذُبَابًا وَلَوْ اجْتَمَعُوا لَهُ وَإِنْ يَسْلُبْهُمُ الذُّبَابُ شَيْئًا لَا يَسْتَنْفِذُوهُ مِنْهُ؛^۲ اگر تمام انسان‌ها جمع شوند نمی‌توانند مگسی خلق کنند و چنانکه مگسی از آنان چیزی بستاند و بگریزد، نمی‌توانند آن‌را از وی بازگیرند.»

با آنکه هر چه دارند داده الهی است و هر چه در راه خدا بدهند خداوند آن‌را به آنان برمی‌گرداند اما: «إِذَا مَسَّهُ الْخَيْرُ مَنُوعًا؛^۳ وقتی توانگرند، تعاونگر نیستند.» بنا براین باید از این خیل ناتوانان مُمسک، قطع امید کرد و این ناامیدی، گام پیشین وابستگی به خدا و اخلاص عمل برای اوست.

۱. غررالحکم و دررالکلم.

۲. حج / ۷۳.

۳. معارج / ۲۱.

حضرت علی علیه السلام می‌فرماید:

«أَوَّلُ الْأَخْلَاصِ الْيَأْسُ مِمَّا فِي أَيْدِي النَّاسِ؛^۱

نامید بودن از مردم، نخستین شرط اخلاص است.»

۳. دوری از پرورش و پرستش هواها

آنچه انسان را وادار به خضوع و زانو زدن بر درِ خانه‌ی خلیق می‌کند، آرزوها، هواها و محبت دنیا است. اگر آرزوها محدود گردند و هواها سرکوب و محبت دنیا مهار گردد چگونه حریت انسان به او اجازه می‌دهد که به دنیا وابسته شود و پرستشگری را که افضل اعمال انسانی است به شراکت نالایق مشوب گرداند. غزالی در بیان حقیقت اخلاص چنین می‌گوید:

«آن کس که حبّ دنیا بر قلب او غالب گردد، تمام حرکاتش چنین صفت و نشان غیر خدایی را به خود می‌گیرد؛ پس: جز اندکی از عبادات و نماز و روزه او، ره به سلامت نمی‌برد. بنا براین راه رسیدن به اخلاص، بریدن از دنیا و آخرتی شدن است. تا قلب، صبغهی الهی را بپذیرد و به اعمال، منتقل کند.»^۲

۴. به کارگیری عقل

اندیشه مندی که به توان وضعف مردم و میزان کارآیی آنان در یاری افراد جامعه توجه کند و آن را با قدرت، محبت و کرامت الهی بسنجد، هیچ گاه حاضر نیست عمل خود را به دیگران بفروشد؛ زیرا یا نمی‌خرند، یا کم می‌خرند، و یا با منت می‌پذیرند و... هزار قید و شرط دارند، زیادند و آراء و اهواء مختلف دارند،

۱. غرر الحکم و دررالکلم.

۲. محجة البیضاء، ج ۸، ص ۱۳۸.

دیر راضی می‌شوند و پرتوقعند و اگر کم باشد قهر می‌کنند و جسارت به خود می‌دانند، اما خدای سبحان یکی است و «سریع الرضا»، «کم» را می‌پذیرد و «زیاد» پاداش می‌دهد، بی‌نیاز است و با محبت، بی‌منت است و نزدیک‌ترین وجود به انسان، پس چرا به غیر او رو می‌آوریم و از او می‌گریزیم؟! او کجا اجری از پادشاهای ما را کم گذاشته است؟ کجا به ما بی‌مهری و بی‌توجهی نموده، کجا ما را از یاد برده است؟ کدامین نعمت را از ما دریغ کرده است؟ سزاوار است که قرآن از انسانی چنین با عنوان «ظلوم و جهول»^۱ یاد کند. امام باقر علیه السلام می‌فرماید: انسانی که عمل عبادی خویش را برای دیگران و با نیت غیر الهی انجام می‌دهد، دچار کم عقلی است؛ زیرا اگر همان کار را برای خدا انجام دهد، سریع‌تر و نیکوتر به نیت و خواست خود نایل می‌شود.^۲

در روایتی دیگر، انجام عمل برای غیر خدا، به: «خسران در دنیا و آخرت» و «شقاوت عظیم»، تعبیر شده است؛ چرا که از دنیا، مایه گذاشته و به اجری در آخرت نیز، دست نیافته است.^۳

۱. احزاب / ۷۲.

۲. بحار الانوار، ج ۷۲، ص ۲۹۹.

۳. همان، ص ۳۰۰.

آزمون

۱. «حُشِرَ النَّاسُ عَلَىٰ نِيَّاتِهِمْ يَوْمَ الْقِيَمَةِ» به چه معناست و بر چه چیز دلالت دارد؟
۲. فرق نیت «خالص» و «ناب» چیست؟
۳. عبادت عبید و تجار و احرار چه تفاوتی با هم دارد؟
۴. مرحوم شیخ جعفر شوشتری، در باره‌ی نیت، چه سفارشی به مردم کرد؟ چرا؟
۵. جایگاه نیت خالص در آموزه‌های اسلامی چیست؟ به سه مورد اشاره کنید.
۶. راه دستیابی به محبوبیت بر مبنای آیات قرآن کریم چیست؟
۷. چگونه انسان می‌تواند به نیت خالص، دست یابد؟
۸. قرآن کریم در وصف ناتوانی مردم، چه می‌گوید؟
۹. سخن غزالی در بیان حقیقت اخلاص چیست؟
۱۰. نخستین شرط اخلاص از نظر حضرت علی علیه السلام چیست؟

درس هشتم

گفت‌وگو با معبود

الله اکبر

نخستین سخن در بارگاه آن یگانه، این است که: او بزرگ‌تر از هر چیز و برتر از هر گونه وصف است. بنابراین، حال، که به گفت‌وگو با او ایستاده‌ایم، باید از اشتغال به هر چیز دیگر - که جملگی فروترند - بپرهیزیم.

«الله اکبر»، پاسخی است بر پرسش‌هایی فراوان در محور عبادت و عبودیت؛ سؤال‌هایی از قبیل چرا او را بپرستیم؟ زیرا «الله اکبر»، چرا با او راز و نیاز کنیم؟ زیرا...، چرا باید سایر کارهای خود را کنار بگذاریم و روزی چند بار به نماز بایستیم؟ زیرا...، چرا نباید از هیچ تهدیدی در راه او بهراسیم؟ زیرا «الله اکبر» علاوه بر زبان، عمل و جان نمازگزار نیز باید به بزرگی خدا شهادت دهند و همه چیز را جز او حقیر انگارند، در غیر این صورت، به فرموده‌ی امام صادق علیه السلام به او از سوی خدا خطاب می‌شود: «ای دروغگو! آیا با من خُده می‌کنی؟ به عزت و جلالم سوگند، تو را از حلاوت گفت‌گو با خودم محروم می‌کنم.»^۱

۱. محجة البیضاء، ج ۱، ص ۳۸۵.

این شعار اساسی و کوتاه در مقدمات نماز بیش از پنجاه بار و در متن نماز حدوداً هشتاد و پنج بار به صورت واجب و مستحب تکرار می‌شود، تا تجسم عظمت خالق در دل نمازگزار، هر که جز او را در دیده‌ی وی حقیر گرداند و به تمام آنچه جز اوست بی‌اعتنا باشد و نمازگزار مصداق این سخن از کلام امیرمؤمنان علیه السلام شود که فرمود:

«عَظَمَ الْخَالِقُ فِي أَنْفُسِهِمْ فَصَغُرَ مَادُونَهُ فِي أَعْيُنِهِمْ»^۱

«بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ»

حال که او بزرگ‌تر از همه چیز است، پس با نام و یاد او آغاز می‌کنیم؛ او که محبت عام دارد در دنیا بر مؤمنان و غیر مؤمنان و مهر دائم دارد بر مؤمنان چه در دنیا و چه در آخرت.

مرحوم طبرسی صاحب تفسیر مجمع البیان می‌گوید:

«تمام عالمان ما بر این رأی، اتفاق نظر دارند که: «بِسْمِ اللَّهِ» جزء سوره‌ی حمد است و هر کس آن را در نماز، ترک کند، نمازش باطل می‌شود.»^۲

امام رضا علیه السلام می‌فرماید:

««بِسْمِ اللَّهِ» به اسم اعظم نزدیک‌تر از سیاهی چشم به سپیدی آن است.»

بنابراین: می‌تواند ابزاری کارآمد برای حل مشکلات و موجب برکت و تقدس در کارها باشد.

امام عسگری علیه السلام در شرح مفهوم بسم‌الله می‌فرماید:

«أَيُّ أَسْتَعِينُ عَلَى أُمُورِي كُلِّهَا بِاللَّهِ؛ در همه‌ی امورم از خدا کمک می‌جویم.»^۳

۱. نهج البلاغه، خطبه ۱۹۳.

۲. مجمع البیان، ج ۱، سوره‌ی حمد.

۳. توحید صدوق / ۲۳۱.

جای گرفتنِ صفتِ رحمانیت و رحیمیت در «بسمله» بیانگر اهمیت این صفت در میان صفات الهی است و به انسان می‌آموزد که در عین قُدرت و قوَت، باید مقام رحمت و محبّت را به عنوان والاترین افتخار، توجه کرد.

«الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ»

همه‌ی ستایش‌ها و سپاس‌ها مخصوص خداوندی است که پرورش دهنده‌ی جهانیان است. ستایش او که صاحب هر جمال و کمالی است، و سپاس از او در برابر نعمت‌هایی که به ما ارزانی داشته است. هر خیری از او نشأت یافته و او مدیر و مدبّر حرکت تکاملی موجودات است.^۱

در بینش توحیدی در تمام عوالم هستی، ربّ یا ربّ النّوعی، جز خدای یگانه وجود ندارد و تنها او «ربّ العالمین» است و شریکی برایش متصور نیست.

«الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ»

دیگر بار، سخن از رحمت پایان ناپذیر الهی است؛ زیرا استوانه‌ی اصلی تربیت در فرهنگ الهی، رحمت و محبّت است. برخی معتقدند: صفت رحمان و رحیم در «بسمله» به راز عبودیت و آغاز کار با نام خدا اشاره دارد و در آغاز سوره‌ی حمد، بیانگر علّت بایستگی انحصار حمد و سپاس در خداست.^۲

«مَالِكِ يَوْمِ الدِّينِ»

«یوم الدّین» یکی از اسامی قیامت است، و هنگام حساب و بررسی اعمال، تنها خداوند مالک و زمامدار امور است.

۱. در مفردات راغب آمده است: «رَبِّ فِي الْأَصْلِ التَّرْبِيَّةُ وَهُوَ إِشَاءُ شَيْءٍ حَالًا فَحَالًا إِلَى حَدِّ التَّمَامِ»

۲. مجمع البیان، ج ۱، تفسیر سوره حمد.

او در این دنیا نیز مالک همه چیز است، در حالی که مالکیت‌های اعتباری و ادعایی دیگر نیز در طول مالکیت او در دنیا وجود دارد، اما در «یوم‌الدین» همه‌ی مالک‌ها از مملوک‌های خود گریزانند و هیچ کس، با هیچ چیز نسبتی ندارد و ملک و مملکتی جز ملک و مملکت الهی نیست.

«إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ»

پس از شناخت مبدأ، مربی و مدبر هستی، به بارگاه ربوبی او راه می‌یابیم و به زبان جمع که همراه احترام و خضوع بیشتری است، به پیشگاهش عرضه می‌داریم: تنها تو را می‌پرستیم و تنها از تو کمک می‌جوئیم؛ چرا که تو سرچشمه‌ی همه‌ی کمالات و دریای رحمتی و ما همواره نیازمندت بوده و هستیم. از این عبارت می‌آموزیم:

۱. همنوایی تمام موحدان در سرود عبادت و استعانت، روحیه‌ی جمعی و حفظ وحدت را پیام می‌دهد.
۲. استعانت از او به دنبال ادعای عبادت مخلصانه‌ی او، به ما می‌آموزد که حتی^۱ در انجام عبادات، بی‌نیاز از کمک و اعانت ذات ربوبی نیستیم.
۳. عبادت خالصانه، زمینه‌ی دریافت امدادهای الهی است.
۴. با توجه به انحصار قدرت در گذشته و حال و آینده در خداوند، مدد جویی، جز از او، کاری عبث و بیهوده است.
۵. استعانت، بایسته‌ی مبدئی است، که پرستش و عبادت متوجه او می‌شود.
۶. ستایش و اقرار به کمالات معبود و احساس حضور در پیشگاه او از آداب نیایش است.

«اهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ»

پس از اظهار نیاز و استعانت از پیشگاه معبود، مهم‌ترین نیاز، به عنوان نخستین درخواست، مطرح می‌شود: «ما را به راه راست هدایت کن»؛ چرا که در میان جاذبه‌های دنیا و تبلیغات دنیاپرستان، تنها اوست که می‌تواند ما را به راه خود هدایت کند و بر آن استوار گرداند: «مَا كُنَّا لِنَهْتَدِيَ لَوْلَا أَنْ هَدَيْنَا اللَّهُ»^۱ از این جمله می‌آموزیم:

۱. انحراف از راه مستقیم، خطری جدی است که همواره موحدان را تهدید می‌کند. پس باید همواره استواری بر راه را از خدا طلب کنند.
۲. نیازهای فرهنگی، نخستین و ضرورت‌ترین نیازهای فرد و جامعه است.
۳. راه الهی، مسیری مستقیم، روشن و منحصر است و مانند سُبُل و طُرُق انحرافی، اعوجاج و پیچیدگی ندارد.
۴. دعا، در استقامت فکری و عملی انسان، نقشی مؤثر دارد.
۵. هدایت، دارای مراتبی است و ما در هر نماز، رسیدن به مرتبه بالاتر را می‌طلبیم. خداوند متعال می‌فرماید: «وَالَّذِينَ اهْتَدَوْا زَادَهُمْ هُدًى»^۲ برای «صراط المستقیم» تفاسیری گوناگون در روایات و منابع اسلامی ارائه گردیده است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم می‌فرماید: مراد از «صراط مستقیم» راه انبیا است^۳، حضرت علی علیه السلام «صراط مستقیم» را به راه هدایت قرآنی تعبیر فرموده^۴ و امام صادق علیه السلام، «صراط مستقیم» را راه

۱. اعراف / ۴۳.

۲. محمد / ۱۷.

۳. تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۲۲.

۴. نور الثقلین، ج ۱، ص ۲۰.

معرفت الهی دانسته است^۱، در روایت دیگری آن حضرت می‌فرماید: صراط مستقیم، در دنیا مسیر امامت و اطاعت از امام و پیشوای جامعه‌ی اسلامی است. هر کس در دنیا او را بشناسد و به او اقتدا کند، در آخرت از صراطی که روی جهنم کشیده شده، آسان عبور می‌کند [و به بهشت می‌رسد] و هر کس در دنیا او را نشناسد، پایش بر صراط می‌لغزد و به دوزخ سقوط خواهد کرد.^۲ امام عسگری علیه السلام می‌فرماید: راه مستقیم، پایین‌تر از طریق غلط افراطیان و بالاتر از مسیر تفریطیان است و به سوی هیچ باطلی تمایل ندارد.^۳

در سخنی از امام صادق آل محمد - علیهم السلام - می‌خوانیم: صراط مستقیم، راهی است که به محبت خدا و دین او می‌انجامد! و از تبعیت هوا و سلیقه‌های شخصی، پرهیز می‌دهد.^۴

خداوند متعال در قرآن کریم، راه خدا^۵، راه پیامبر^۶ و راه عبودیت^۷ را صراط مستقیم بر می‌شمارد.

امام رضا علیه السلام نیز می‌فرماید:

«آن کس که متشابهات قرآنی را از طریق محکّمات درک کند، به صراط مستقیم هدایت شده است.»^۸

۱. معانی الاخبار/۳۲.

۲. نور الثقلین، ج ۱، ص ۲۲.

۳. بحار الانوار، ج ۹، ص ۲۴.

۴. همان.

۵. هود / ۵۶ (اِنَّ رَبِّيْ عَلٰى صِرَاطٍ مُّسْتَقِيْمٍ) پروردگار من ، بر صراط مستقیم است .

۶. زخرف / ۴۳ (اِنَّكَ عَلٰى صِرَاطٍ مُّسْتَقِيْمٍ)؛ ای پیامبر! تو در صراط مستقیم هستی.

۷. یس / ۶۲ (وَاَنْ اَعْبُدُوْنِيْ هٰذَا صِرَاطٌ مُّسْتَقِيْمٌ ؛ مرا عبادت کنید که این صراط مستقیم است.

۸. بحار الانوار ، ج ۹۲ ، ص ۳۷۷.

«صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ»

این آیه می‌فرماید: راه مستقیم، همان راهی است که دریافت کنندگان نعمت خاصّ تو، آن را پیموده‌اند. اما چه کسانی به فیض نعمت خاصّ او نایل شده‌اند؟ بنا بر فرموده‌ی امیرمؤمنان علیه السّلام برخی آیات قرآن، مبهمات آیات دیگر را تبیین می‌کند.^۱ فائزین به نعمت خاصّ الهی در آیه‌ای دیگر مشخص گردیده‌اند، آن جا که می‌فرماید:

«وَمَنْ يُطِيعِ اللَّهَ وَالرَّسُولَ فَأُولَئِكَ مَعَ الَّذِينَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ مِنَ النَّبِيِّينَ وَالصِّدِّيقِينَ وَالشُّهَدَاءِ وَالصَّالِحِينَ وَحَسُنَ أُولَئِكَ رَفِيقًا»^۲

بنابراین آیه، پیامبران، صدیقان، شهیدان و صالحان کسانی هستند، که خدا به آنان نعمتی ویژه مرحمت فرموده است و ما همراهی با آنان را، روزانه حداقل ۱۰ بار در نماز آرزو می‌کنیم تا از مسیر مستقیم خارج نشویم.

در روایات، مصداق روشن این گروه مورد تفضل الهی، چنین بیان شده است: «صراط‌الذین انعمت علیهم؛ محمداً و ذُرَّیَّتَهُ»^۳ راه راست، راه محمد — صلی الله علیه وآله وسلم — و خاندان اوست.

«غَيْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ وَلَا الضَّالِّينَ»

قرآن کریم، گروه‌های زیر را غضب شده خوانده است:

۱. ناسپاسان: «وَلَا تَطْغَوْا فِيهِ فَيَحِلَّ عَلَيْكُمْ غَضَبِي؛^۴ با ترک شکر، رو به سوی

طغیان نَبَرید و موجبات غضب خدا را فراهم نیاورید.»

۱. بحارالانوار، ج ۵۷، ص ۲۱۸.

۲. نساء، ۶۹.

۳. نورالتقلین / ۲۳.

۴. طه / ۸۱.

۲. بنی اسرائیل: «بَاءُ وَبَغْضَبٍ مِنَ اللَّهِ؛^۱ [به دلیل لجاجت و اصرار در موضع باطل به رغم آشکاریِ حق، کشتن پیامبران، تحریف کتاب آسمانی و رباخواری] دچار غضب الهی شدند.»

۳. قاتلان و آدم کشان: «وَمَنْ يَقْتُلْ مُؤْمِنًا مُتَعَمِّدًا فَجَزَاؤُهُ جَهَنَّمَ خَالِدًا فِيهَا وَغَضِبَ اللَّهُ عَلَيْهِ^۲ هر کس مسلمانی را عمدتاً بکشد، کیفرش خلود در دوزخ و ابتلا به خشم خدایی است.»

۴. مرتدان: «إِنَّ الَّذِينَ اتَّخَذُوا الْعِجْلَ سَيِّئًا لَهُمْ غَضَبٌ مِنْ رَبِّهِمْ؛^۳ آنان که [پس از هدایت] دیگر بار به گوساله پرستی روی آوردند، به زودی به غضب خدا مبتلا خواهند شد.»

۵. افراد بدگمان به خدا: «الظَّالِمِينَ بِاللَّهِ ظَنَّ السَّوْءِ عَلَيْهِمْ دَائِرَةُ السَّوْءِ وَغَضِبَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ؛^۴ بدگمانان به خدا، به پیش آمد بد و غضب خدا گرفتار آیند.»
گمراهان نیز دارای مصادیقی هستند که برخی از آنها بر مبنای آیات قرآنی عبارت اند از: مشرکان^۵، دروغگویان^۶، خودپسندان^۷، مخالفان پیامبران^۸، آنان که مانع راه خیرند^۹ مشبهین (کسانی که خدا را به خلق تشبیه می کنند).^{۱۰}

۱. بقره / ۶۱؛ آل عمران / ۱۱۲.

۲. نساء / ۹۳.

۳. اعراف / ۱۵۲.

۴. فتح / ۶.

۵. نساء / ۱۱۶.

۶. أنعام / ۲۴.

۷. كهف / ۱۰۴.

۸. احزاب / ۳۶.

۹. نساء / ۱۶۷.

۱۰. أسراء / ۴۸.

سوره‌ی توحید

پس از قرائت فاتحة‌الکتاب که سر آغاز کتاب آسمانی است، نوبت به سوره توحید یا اخلاص می‌رسد.^۱ پیامبر اکرم فرمود: هر کس این سوره را قرائت کند همانند آنست که ثلث قرآن را قرائت کرده باشد و ده برابر تمامی کسانی که به خدا و ملائکه و کتاب‌های آسمانی ایمان آورده‌اند برای او حسنه ثبت می‌شود. امام صادق علیه السلام فرمود: به هنگام دفن پیکر سعدبن معاذ پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم بر او نماز خواندند و هفتاد هزار ملک نیز در نماز با حضرتش شرکت داشتند. پس از نماز، پیامبر اکرم از جبرئیل پرسیدند: «چرا شما نیز بر جنازه او نماز گزاردید؟ جبرئیل گفت: زیرا او «قل هو الله احد» را دائماً در حال قیام و قعود و سواره و پیاده و در رفت و آمدش می‌خواند.»^۲ سوره توحید خطاب به پیامبر می‌فرماید: بگو: او خدای یکتاست؛ خدایی بی‌نیاز و مرجع همه نیازمندان، کسی را نزاده و از کسی زاده نشده و همانندی ندارد. این سوره به ما می‌آموزد که:

۱. تکرار شعار توحید برای موخّدان و حتّیٰ پرچم‌دار توحید ضرورت دارد.
 ۲. خدا پاسخگوی همه‌ی نیازمندان است و با هیچ‌کس ارتباط نسبی ندارد.
 ۳. خدا ماده نیست و با آن، ارتباطی ندارد.
- برای لفظ «صمد»، معانی زیادی ذکر شده، که به برخی از آنها اشاره می‌شود:^۳

۱. البتّه نمازگزار می‌تواند هر سوره‌ای از قرآن را جز عزائم - سوره‌هایی که سجده واجب دارند - پس از سوره‌ی حمد، قرائت کند.

۲. مجمع البیان.

۳. این معانی در روایات متعدّد از امامان معصوم علیهم السلام آمده است؛ ر، ک: بحارالانوار، ج ۳، ص ۲ به بعد.

۱. مقصد و ملجأ بندگان و نیازمندان؛
 ۲. کسی که در نهایت سیادت، آقای و صلابت و اقتدار است؛
 ۳. وجودی که قائم به نفس است و بی‌نیاز از غیر؛
 ۴. وجودی که فساد و تغییرات ندارد؛
 ۵. توانایی که به صرف اراده می‌تواند به اشیاء وجود بخشد؛
 ۶. صمد یعنی «لَمْ يَلِدْ وَ لَمْ يُؤَلَدْ»؛
 ۷. وجودی که جسم نیست، حد و محل و مکان و شبیه و سکون و حرکت ندارد، در هیچ چیز نمی‌گنجد و هیچ جایی، خالی از او نیست.
- وحدت خدای متعال، وحدت عددی نیست، او یکتاست و همتایی ندارد، نه آن که یکی است و دومی ندارد؛ چرا که در وحدت عددی، دوم متصور است، گرچه موجود نباشد. ولی در باره‌ی خدا، فرد دومی متصور نیست.

آزمون

۱. «الله اکبر» به چه پرسش‌هایی بر محور عبادت پاسخ می‌دهد؟
۲. تکبیر در مقلّمات و متن نماز، چند بار تکرار می‌شود و دلیل آن چیست؟
۳. مرحوم طبرسی رحمة الله علیه چه نظری در مورد «بسم‌الله» دارد؟
۴. امام حسن عسگری علیه السّلام «بسم‌الله» را چگونه تفسیر می‌فرماید؟
۵. حمد به چه معنا و چرا مخصوص خداست؟
۶. با آن که خداوند مالک دنیا و آخرت است، چرا درباره او می‌گوییم: «مالک یوم الدین»؟
۷. از جمله‌ی «ایاک نعبد و ایاک نستعین» چه درس‌هایی می‌آموزیم؟ هر یک را جداگانه توضیح دهید؟
۸. از عبارت «اهدنا الصراط المستقیم» چه مطالبی استفاده می‌شود؟ شرح دهید.
۹. راه غضب شدگان، چه راهی است؟
۱۰. از سوره‌ی توحید، چه نکاتی استفاده می‌شود و «صمد» به چه معنایی است؟

درس نهم

اجزای نماز

رکوع

پس از عَرَضه‌ی یک دوره معارف و درخواست ضرورترین نیازها در پیشگاه لایزال، به خضوع می‌پردازیم و به حالت رکوع که به فرموده‌ی امام صادق علیه السّلام تجسّم ادب خاصّ بنده در برابر پروردگار است، قرار می‌گیریم و او را می‌ستاییم. او منزّه است از هر چیز، و از این که نیازی به نماز و خضوع ما داشته باشد و ما این ادب را به نشان شایستگی ربّ به جا می‌آوریم، نه نیاز او. اولیاء الله، در حالت رکوع و سجده، لذّتی از یاد و ذکر خدا را احساس می‌کردند که نمی‌توانستند به زودی آن را ترک کنند. «ابان بن تغلب» از شاگردان امام صادق، می‌گوید: خدمت حضرتش شرفیاب شدم، که در حال نماز بودند. تعداد اذکار امام در رکوع و سجود، بالغ بر شصت بار بود!^۱

۱. وسائل الشّیعه، ج ۴، ص ۹۲۷.

رکوع، از ارکان نماز است، که کم یا زیاد کردن آن، به هر شکل موجب بطلان نماز می‌شود.^۱ رعایت نکردن طمأنینه و تمامیت رکوع موجب خروج از دین خواهد بود.^۲

سجده

عالی‌ترین درجه‌ی عبودیت و نزدیک‌ترین حالت عبد به خدای سبحان، حالت سجده است. طبق نصّ قرآن کریم، تمام ذرات وجود، هر کدام به نوعی خدا را سجده می‌کنند: «أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ يَسْجُدُ لَهُ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَمَنْ فِي الْأَرْضِ وَالشَّمْسُ وَالْقَمَرُ وَالنُّجُومُ وَالْجِبَالُ وَالشَّجَرُ وَالدَّوَابُّ وَ...»^۳

اهل باطل نیز در برابر بت‌ها و پیشگاه شاهان به نشان احترام سجده می‌کردند. سجده، عرصه‌ی مجدّد تقدیس و تنزیه خدای سبحان و زمینه‌ای مناسب برای نجوا و گفت‌وگو با خداست. در اهمّیت و فضیلت سجده و طولانی کردن آن، روایاتی فراوان رسیده است، که به نقل برخی از آنها می‌پردازیم:

۱. راه رسیدن به بهشت: مردی خدمت پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله وسلّم رسید، حضرت از او پرسیدند: چه می‌خواهی؟، در جواب گفت: بهشت!، حضرت پس از تأملی کوتاه، فرمودند: «يا عَبْدَ اللَّهِ اعْنَأْ بِطُولِ السَّجُودِ؛^۴ ای بنده‌ی خدا! یاری ده ما را [در راه رسیدن به این خواسته] از طریق سجده‌های طولانی.»

۱. البته اگر در نماز جماعت، مأموم زودتر از امام جماعت، سر از رکوع بردارد، باید به رکوع بازگردد و از امام تبعیت کند و زیادی رکن در اینجا اشکالی ندارد؛ ر.ک: توضیح المسائل.

۲. فروع کافی، ج ۱، ص ۷۴.

۳. حج ۱۸.

۴. فروع کافی، ج ۱، ص ۷۳.

۲. نزدیک‌ترین حالت به خدا: امام صادق علیه السلام فرمود: «أَقْرَبُ مَا يَكُونُ الْعَبْدُ إِلَى اللَّهِ وَهُوَ سَاجِدٌ؛^۱ نزدیک‌ترین حالت بنده به خدا، حالت سجده است.»
۳. آمرزش گناهان: پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله وسلم فرمود: «مَنْ سَجَدَ حُطَّ بِهَا خَطِيئَتُهُ وَرَفَعَ لَهُ بِهَا دَرَجَةٌ» یعنی: «هر کس سجده را انجام دهد یک گناهش بخشیده، و یک درجه بر درجات او افزوده می‌گردد.»
۴. شیوهی اولیای الهی: امام صادق علیه السلام به یکی از یاران خود فرمود: «يَا أَبَا مُحَمَّدٍ عَلَيْكَ بِطُولِ السَّجُودِ فَإِنَّ ذَلِكَ مِنْ سُنَنِ الْأَوَّلِينَ؛^۲ سفارش می‌کنم تورا به سجده طولانی؛ چرا که این شیوهی پیشینیان است.»
- خداوند متعال در قرآن پس از ذکر نام گروه زیادی از پیامبران همچون: زکریا، یحیی، عیسی، موسی، ابراهیم، اسماعیل، ادریس، نوح و... می‌فرماید: «وَمِمَّنْ هَدَيْنَا وَاجْتَبَيْنَا إِذَا تُتْلَىٰ عَلَيْهِمْ آيَاتُ الرَّحْمَنِ خَرُّوا سُجَّدًا وَبُكِيًّا؛^۳ و از آنان که ما هدایت کردیم و برگزیدیم، کسانی هستند که وقتی آیات قرآنی بر آنان تلاوت می‌شود، به سجده می‌افتند و می‌گریند.»
۵. مؤثرترین عامل طهارت قلب: مرحوم میرزا جواد ملکی تبریزی رحمة الله علیه می‌فرمود: مؤثرترین عامل اصلاح قلب، مداومت بر سجده‌ی طولانی است، اگر چه در هر شبانه روز، یک بار اتفاق افتد و در آن این ذکر را بگوید: «لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ»^۴

۱. وسائل الشیعه، ج ۴، ص ۹۸۰.

۲. همان/ص ۹۸۱.

۳. مریم/ ۵۸.

۴. اسرار الصلوة/ ۲۷۰.

۶. مایه‌ی افتخار خدای لایزال: پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله وسلم به یکی از یارانش به نام «اسامه» توصیه فرمودند: «بر تو باد به سجده کردن...چرا که هیچ بنده‌ای برای خدا سجده نمی‌کند، مگر آن که خداوند متعال، حسنه‌ای برایش ثبت، و گناهی از او محو می‌کند. و مقام او را یک درجه ترفیع می‌دهد و نزد ملایک به او مباحثات می‌کند که به رغم تمام جاذبه‌های باطل در پیشگاه عظمت خدا، کرنش می‌کند.»^۱

۷. اعتراف کنایه‌وار به حیات اخروی: از امیرالمؤمنان علیه السلام پرسیدند: سجده چیست؟ فرمود: یعنی: خدایا! تو مرا از خاک آفریدی، دیگر بار، مرا به خاک باز می‌گردانی و در قیامت مرا از خاک بیرون خواهی آورد.^۲

۸. نشانه تقوا: سجده‌ی طولانی، نشان متقین را بر تارک انسان، نقش و وی را سزاوار ستایش حق می‌کند. قرآن کریم می‌فرماید:

«الَّذِينَ يَبِيتُونَ لِرَبِّهِمْ سُجَّدًا وَقِيَامًا»^۳

بندگان خدای رحمان، شب را با سجده و نماز به روز می‌رسانند.»

در آیتی دیگر در بیان ستودگان از پیروان ادیان آسمانی می‌فرماید: «يَتْلُونَ آيَاتِ اللَّهِ آنَاءَ اللَّيْلِ وَهُمْ يَسْجُدُونَ»^۴ آیات الهی را در طول شب قرائت می‌کنند؛ در حالی که سجده می‌روند.»

در آیه‌ی دیگر، سجده را از ویژگی‌های رسول خدا و یارانش می‌داند و می‌فرماید: «نشان سجده بر چهره‌ی آنان نقش بسته است.»^۵

۱. جامع احادیث شیعه، ج ۵، ص ۲۶.

۲. بحار الانوار، ج ۸۵، ص ۱۳۹.

۳. فرقان / ۶۴.

۴. آل عمران / ۱۱۳.

۵. فتح / ۲۹.

۹. مباحات زمین: پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله وسلم به «اباذر» فرمود: «زمینی که مؤمنی بر آن قدم نهد و در برابر عظمت حق چهره بر آن ساید، بر زمین‌های اطراف، افتخار و مباحات می‌کند.»^۱

۱۰. راهی برای رسیدن به خواسته‌ها: امام صادق علیه السلام هر گاه حاجتی داشت، سر به سجده می‌گذاشت و هفت بار عرضه می‌داشت: «یا ارحم الراحمین!» و پس از آن، حاجت خود را از خداوند مسألت می‌کرد و می‌فرمود: هر کس هفت بار این ذکر را بگوید، خداوند در جواب او می‌فرماید: آری، من «ارحم الراحمینم» حاجت خود را بنخواه!^۲

سجده‌ی شکر

غیر از سجده‌هایی که در نماز واجب و مستحب به جا می‌آوریم سجده‌های خضوع و شکر، توصیه گردیده است. زیرا آن حالت، تقرّب به خدا، و فرار و فریاد شیطان را سبب می‌شود و برترین هیأت خضوع و تعبد را ارائه می‌دهد. در روایتی از حضرت مهدی - عجل الله تعالی فرجه الشریف - چنین می‌خوانیم:

«سَجْدَةُ الشُّكْرِ مِنَ الزَّمِ السُّنَنِ وَ أَوْجِبِهَا:»^۳

سجده‌ی شکر از ضرورت‌ترین سنت‌هاست.»

امام صادق علیه السلام فرمود: «هر وقت به یاد نعمتی از نعمت‌های پروردگار افتادی و در جایی بودی که دیگری تو را نمی‌دید، صورت خود را به زمین بچسبان و اگر در حضور دیگران بودی، کمی به نشانه‌ی تواضع در برابر نعمت

۱. جامع احادیث شیعه، ج ۵، ص ۲۳۷.

۲. همان، ص ۴۷۹.

۳. همان، ص ۴۵۳.

خدا، خَم شو!^۱ در روایت دیگری چنین آمده است: اگر [انسان هنگام یادآوری نعمت] جای مناسبی برای سجده پیدا نمی‌کند، صورت بر کف دست بگذارد و سپاس خداوند به جای آرَد.^۲

پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله سوار بر مرکب از مسیری عبور می‌کردند. ناگاه یاران متوجه شدند حضرتش ناچه را متوقف کرده، پیاده شدند و پنج سجده به جای آوردند. یاران پرسیدند: رمز این عمل چیست؟ حضرت فرمودند: جبرئیل بر من نازل شد و پنج بشارت به من داد، در برابر هر یک، سجده‌ی شُکری به جای آوردم.^۳

آری، روحیه‌ی سپاس‌گزاری در پیشگاه خدا، فضیلتی است در خور تحسین که زیادت نعمت را در پی دارد.

قنوت

قنوت، به معانی مختلفی از جمله: دعا، اطاعت، سکون، خودداری از سخن، قیام، خشوع، عبادت و نماز آمده است. در نماز، قنوت به مفهوم دعا و درخواستی است که با هیأتی خاص در رکعت دوم نماز بعد از قرائت و قبل از رکوع انجام می‌شود. برخی از فقیهان قائلند: خواندن هر دعایی، به هر زبانی در قنوت جائز است. بنابراین: نمازگزار می‌تواند قنوت را با زبان فارسی بخواند.

پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله وسلم فرمود: «هر کس قنوتی طولانی‌تر داشته باشد، آسایش بیشتری روز قیامت نصیبش می‌شود^۴ و بهترین نماز، آن است که

۱. وافی، ج ۸، ص ۸۲۵.

۲. محجه البیضاء، ج ۱، ص ۳۴۶.

۳. همان.

۴. بحار الانوار، ج ۸۵، ص ۱۹۹.

قنوتی نیکوتر داشته باشد.»^۱ امام رضا علیه السلام در نامه‌ای به مأمون یادآور شدند که قنوت از سنت‌های لازم در هر نماز است.^۲

تشهد

تشهد، شهادتی است دوباره به یکتایی خدا و پیامبری رسول، و بیک رحمت و هدیه‌ای است به هادی امت و واسطه‌ی رحمت و خاندان با کرامت او، که در میان و پایان هر نماز تکرار می‌گردد:

«أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ،
اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ»

چگونگی صلوات بر پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم، در روایات گوناگون بیان شده است. صحیح بخاری، از کتب مهم اهل سنت، در باب کیفیت صلوات بر پیامبر، این روایت را نقل کرده است: از رسول خدا پرسیدند: چگونه صلوات بفرستیم؟ فرمود: بگویید: «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَعَلَى آلِ مُحَمَّدٍ...»^۳

شافعی، از بزرگان اهل سنت، در ضمن اشعاری می‌گوید: «ای خاندان پیامبر! محبت شما به حکم قرآن بر ما واجب است. در عظمت مقام و بلندی منزلت‌تان، همین بس که هر کس در نماز بر شما درود نفرستد، نمازش باطل است.»^۴
در رکعت آخر هر نماز نیز، پس از تشهد، بر پیامبر خدا، بندگان صالح او و حاضران در نماز و جماعت درود می‌فرستیم و نماز را به پایان می‌بریم.

۱. خصال، ج ۲، ص ۱۰۳.

۲. عیون اخبار الرضا، ج ۲، ص ۱۲۳.

۳. صحیح بخاری، باب الصلاه علی النبی.

۴. مسند احمد حنبل، ج ۶، ص ۳۲۳.

آزمون

۱. خاطره‌ای از رکوع امام صادق علیه السلام از زبان یکی از یارانش نقل کنید.
۲. فرق رکن و غیر رکن چیست و بگویید در کجا این تفاوت نیست؟
۳. چهار مورد از فضایل سجده را ذکر کنید.
۴. سخن مرحوم میرزا جواد ملکی تبریزی رحمة الله علیه را درباره‌ی سجده، بیان کنید.
۵. امام صادق علیه السلام - برای رفع مشکلات خود چه عملی انجام می‌داد و چه توصیه‌ای می‌فرمود؟
۶. سخن حضرت مهدی - عجل الله تعالی فرجه الشریف - را درباره‌ی سجده‌ی شکر، نقل کنید.
۷. امام صادق علیه السلام در باره‌ی سجده‌ی شکر چه سفارشی فرمود؟
۸. قنوت، دارای چند معنا و در نماز به چه مفهومی به کار رفته است؟
۹. بهترین نماز از نظر رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم چه نمازی است؟
۱۰. شعر شافعی درباره‌ی خاندان رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم مشتمل بر چه مضمونی است؟

درس دهم

شوق وصال و درد فراق

نماز اول وقت

در بحث‌های پیشین، چنین آمد، که نماز، گفت‌گو و دیدار با معبود است. انسان‌های وارسته که جز حضرت حق، دوست و ولی نعمتی برای خود نمی‌شناسند، مشتاقانه در منتظرند تا در نخستین فرصت، جسم و روح خسته از دنیای مادّیت خود را جانی دوباره بخشند؛ از این‌روست که حتی قبل از رسیدن وقت نماز، با انجام مقدمات واجب و مستحب و نظافت و معطر کردن بدن و لباس، خویش را برای حضور در پیشگاه معشوق آماده می‌کنند.

در بحث «اهتمام به نماز» درباره‌ی انجام این فریضه به وقت فضیلت، سخن گفته شد. در اینجا یک بار دیگر اهمیت انجام به موقع آنرا مورد توجه قرار می‌دهیم.

هرچند برای هر یک از نمازهای یومیّه، زمانی مَوْسَع در نظر گرفته شده، اما تأکید بر این است که همگان در نخستین فرصت، با شتاب به سوی نماز حرکت، و آن را در اول وقت اقامه کنند. و هیچ مشغله‌ای را بهانه‌ی تأخیر نماز قرار ندهند.

امیرمؤمنان علیه السلام در گرماگرم جنگ، دل در گرو رسیدن وقت نماز دارد و می‌فرماید: ما برای اقامه‌ی نماز می‌جنگیم^۱ و فرزندش امام حسین علیه السلام نیز به رغم بارش تیرها و نیزه‌ها در میدان نبرد ظهر عاشورا نماز را به پا می‌دارد.^۲

۱. ارشاد القلوب.

۲. استاد مطهری (ره) در این باره می‌نگارد:

روز عاشورا مردی از اصحاب حضرت اباعبدالله علیه السلام یک وقت متوجه شد که الان اول ظهر است، آمد عرض کرد یا اباعبدالله! وقت نماز است، و ما دلمان می‌خواهد برای آخرین بار نماز جماعتی با شما بخوانیم. اباعبدالله نگاهی به آسمان کرد و فرمود: «ذکرت الصلوة جعلک الله من المصلین» نماز را یاد کردی، خدا تو را از نمازگزاران قرار بدهد. مردی که سر بر کف گذاشته است - یک چنین مجاهدی را - امام دعا می‌کند که خدا تو را از نمازگزاران قرار بدهد، ببینید نمازگزار واقعی چه مقامی دارد! فرمود: بله نماز می‌خوانیم، همانجا در میدان جنگ نماز خواندند، نمازی که در اصطلاح فقه اسلامی «نماز خوف» نامیده می‌شود. نماز خوف مثل نماز مسافر دو رکعت است، نه چهار رکعت، یعنی انسان اگر در وطن هم باشد باز باید دو رکعت بخواند، برای اینکه مجال نیست، در آنجا باید مخفف خواند، چون اگر همه به نماز بایستند وضع دفاعیشان بهم می‌خورد، موظف هستند در حال نماز، نیمی از سربازان در مقابل دشمن بایستند و نیمی به امام جماعت اقتدا بکنند، امام جماعت یک رکعت را که خواند صبر می‌کند تا آنها یک رکعت دیگر را خودشان بخوانند، بعد آنها می‌روند، پست را از رفقای خودشان می‌گیرند در حالیکه امام همینطور منتظر نشسته یا ایستاده است، بعد سربازان دیگر می‌آیند و نماز خودشان را با رکعت دوم امام می‌خوانند.

اباعبدالله چنین نماز خوفی خواند ولی وضع اباعبدالله یک وضع خاصی بود بطوری که چندان از دشمن دور نبود، لذا آن عده‌ای که می‌خواستند دفاع کنند نزدیک اباعبدالله ایستاده بودند و دشمن حتی در این لحظه هم آنها را راحت نگذاشت، در حالیکه اباعبدالله مشغول نماز بود، دشمن شروع به تیراندازی کرد، دو نوع تیر، هم تیر زبان! یکی فریاد کرد: حسین نماز بخوان ولی نماز تو فایده‌ای ندارد، تو بر پیشوای زمان خودت بیزید، یاغی هستی، و هم تیرهایی که از کمان پرتاب می‌کردند. بطوریکه یکی دو نفر از صحابه که خودشان را سپر قرار داده بودند، روی خاک افتادند، یکی از آنها «سعید بن عبدالله حنفی»، نزدیک جان دادنش بود، آقا خودش را به بالین او رساند. عرض کرد: «یا اباعبدالله! آؤفیت» آیا حق وفا را بجا آوردم؟ مثل اینکه هنوز هم فکر می‌کند که حق حسین آنقدر بزرگ و بالاست که این مقدار فداکاری هم شاید کافی نباشد. این بود نماز اباعبدالله در صحرای کربلا.

امام رضا علیه السلام نیز در حال مناظره‌ای سرنوشت ساز با یکی از پیروان ادیان پیشین آن گاه که بحث به جایی حسّاس و تعیین کننده رسیده بود، اصرار مخاطب برای ادامه‌ی گفت گو و اظهار آمادگی برای پذیرش مکتب اسلام را، نادیده گرفته، با رسیدن وقت نماز، بی‌درنگ، بر خاسته و به سوی نماز شتافتند!^۱ زمانی دیگر، وقتی به آن حضرت گفتند: صبر کنید، تا مأمومان برای نماز، گرد آیند. امام ضمن توصیه به نماز اوّل وقت و در هر شرایطی که ممکن باشد، آن را به هنگام اقامه فرمودند.

هنگام اقامت حضرت امام رحمة الله علیه در پاریس، حدود سیصد خبرنگار از سراسر جهان برای انجام مصاحبه درباره‌ی مسأله‌ی فرار شاه از ایران در منزل ایشان جمع شده بودند. هنوز بیش از چند پرسش مطرح نشده بود، که وقت نماز رسید. امام فوراً جایگاه خود را ترک کردند و به سوی نماز شتافتند: ایشان در پاسخ کسانی که اصرار داشتند: این برنامه‌ی مهم، بیشتر ادامه یابد، با عصبانیت فرمودند که: به هیچ وجه نمی‌شود.^۲

آن بزرگوار در سفرها، و حتی بیمارستان به رغم خستگی و بیماری، نماز اول وقت را ترک نمی‌کردند. روزی به دلیل استفاده از قرص خواب آور مطمئن نبودند هنگام اذان ظهر بیدار شوند. لذا از پزشکان خواستند ایشان را، نزدیک اذان، بیدار کنند؛ ولی آنان زمان استراحت امام را، به هم نزدند! حضرتش اندکی پس از اذان، برخاستند؛ نخست، نماز را ادا، و سپس غذا را صرف کردند.

۱. عیون اخبار الرضا.

۲. سرگذشت های ویژه از زندگی امام خمینی (ره).

حضرت موسی در مقام مناجات از خداوند پرسید: پاداش کسی که نماز را در وقت آن بخواند، چیست؟ خطاب آمد: «أَعْطَيْتَهُ سُؤْلَهُ وَ أُبِيحُهُ جَنَّتِي؛ خواسته اش را، روا می‌دارم و بهشتم را بر او مباح می‌گردانم.»^۱

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم می‌فرماید:

«ما مِنْ عَبْدٍ اِهْتَمَّ بِمَوَاقِيتِ الصَّلَاةِ وَ مَوَاضِعِ الشَّمْسِ الْأَضْمِنَتْ لَهُ الرُّوحَ عِنْدَ الْمَوْتِ وَ انْقِطَاعِ الِهْمُومِ وَ الْاِحْزَانِ وَ النَّجَاةِ مِنَ النَّارِ؛^۲

هر بنده‌ای به اوقات نماز اهمّیت دهد، من ضمانت می‌کنم هنگام مرگ، آرامش یابد؛ اندوه‌ها از دلش رخت بندند و از آتش خلاص شود.»

تعقیبات نماز

جدایی از عزیزان و وداع یاران، جانکاه و طاقت فرساست. نماز، نور چشم پیامبر و پیروان اوست، چگونه می‌توان آسان با آن، وداع کرد؟!^۳

تعقیبات نماز، نشان آن است که نمازگزار بر استمرار ارتباط معنوی خود با خداوند مهربان، اصرار دارد. دیدار او با نماز، عاشقانه و وداعش ناباورانه است.

نیایش‌هایی را پس از نمازها، با عنوان تعقیبات نماز در دو بخش «مشترک» و «ویژه» برای هر نماز، روایت کرده‌اند.

امام صادق علیه السلام فرمود: در سه زمان، مانعی برای رسیدن دعا [و اجابت آن] نیست؛ بعد از نماز واجب، هنگام نزول باران و آن گاه که معجزه یا امری خارق عادت دیده می‌شود.^۳

۱. بحارالانوار، ج ۸۲، ص ۲۰۴.

۲. همان، ج ۸۳، ص ۹.

۳. امالی طوسی، ج ۱، ص ۲۸۷.

امام رضا علیه السلام نیز از زبان پیامبر می‌فرماید: هر کس نماز واجبی را به جای آورد، به دنبال آن، یک دعای مستجاب دارد.^۱

در حدیث می‌خوانیم: «يَا بْنَ آدَمَ اذْكُرْنِي بَعْدَ الْغَدَاةِ سَاعَةً وَ بَعْدَ الْعَصْرِ سَاعَةً اَكْفِكَ مَا اَهَمَّكَ»^۲ ای فرزند آدم! ساعتی بعد از نماز صبح و نیز ساعتی پس از نماز عصر، مرا یاد کن، تا آنچه را، مهم می‌شماری برایت فراهم آورم.»

یکی از یاران امام باقر علیه السلام از حضرتش پرسید: بعضی می‌گویند؛ خوابیدن بعد از اذان صبح تا طلوع خورشید مکروه است؛ زیرا پروردگار در آن ساعت، روزی بندگان را تقسیم می‌کند. حضرت فرمود: رزق‌ها از پیش، تقسیم شده، اما خداوند متعال، فضلی دارد که آن هنگام، آن را - علاوه بر روزی - به آفریدگان عطا می‌کند؛ همان گونه که خود فرموده است: «وَاسْئَلُوا اللَّهَ مِنْ فَضْلِهِ»^۳ از خداوند، از فضلش بخواهید.» سپس افزود: ذکر خدا بعد از نماز صبح، در کسب روزی و مال، مؤثرتر از تلاش و تجارت است.^۴

در روایتی دیگر وعده داده شده: تا زمانی که نمازگزار در مُصَلَّای خود بنشیند، مقام او نزد خداوند متعال بالا رود و گناهانش محو و بر حسناتش افزوده شود.^۵ در حدیث می‌خوانیم: وقتی مؤمنی نماز به جا می‌آورد، خداوند، گروهی از فرشتگان را مأمور می‌سازد، تا گرداگردش حلقه زنند، اما وقتی می‌بینند از خدا چیزی نمی‌خواهد، پراکنده می‌شوند.^۶

۱. عیون اخبار الرضا، ج ۲، ص ۲۸.

۲. امالی شیخ صدوق / ۱۹۳.

۳. نساء / ۳۲.

۴. تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۲۴۰.

۵. بحار الانوار، ج ۸۵، ص ۳۲۳.

۶. همان / ۱۸.

اینک پاره‌ای از مهم‌ترین آداب و تعقیبات نماز را بر می‌شماریم:

۱. تکبیر

وقتی پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله وسلم مکه را فتح کردند و در خانه‌ی خدا، نماز ظهر را همراه یارانش کنار حجرالاسود به جا آوردند، با سه تکبیر نماز را به پایان بردند و آنگاه دعای وحدت را با اصحاب خود خواندند و به آنان فرمودند: این تکبیرها و دعا را پس از هیچ نمازی فراموش نکنید؛ زیرا نهایت سپاسی است که می‌توان به پاس تقویت لشکریان اسلام به جا آورد.^۱

۲. تسبیح حضرت زهرا سلام الله علیها

تسبیحات حضرت زهرا، ادبی خاص است، که پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله وسلم به دخترش تعلیم فرمود؛ ابتدا ۳۴ «الله اکبر» و سپس ۳۳ «الحمد لله» پس از آن ۳۳ «سبحان الله». این تسبیح موجب آمرزش گناهان و دور ماندن از فقر و بیماری‌های روحی و جسمی می‌گردد.^۲

امام صادق علیه السلام می‌فرماید: هیچ ذکری ارزشمندتر از این تسبیحات نیست؛ زیرا در این صورت، پیامبر اکرم، آن را به دخترش تعلیم می‌فرمود.^۳

در خبری دیگر، حضرتش به یکی از یاران خود فرمود:

«أَنَا نَأْمُرُ صَبِيَانَا بِتَسْبِيحِ فَاطِمَةَ عَلَيْهَا السَّلَامُ كَمَا نَأْمُرُهُمْ بِالصَّلَاةِ فَأَلْزِمَهُ فَإِنَّهُ لَمْ يَلْزِمَهُ عَبْدٌ عَبْدٌ فَشَقِيٌّ؛^۴ ما همان سان که به نماز خواندن فرزندانمان توصیه داریم، آنان

۱. علل الشرائع، ج ۲، باب ۷۸.

۲. بحار الانوار، ج ۸۵، ص ۷.

۳. وسائل الشیعه، ج ۴، ص ۱۰۲۴.

۴. فروع کافی، ج ۳، ص ۳۴۲.

را به خواندن تسبیحات حضرت زهرا فرمان می‌دهیم. پس: بر انجام این تسبیحات تأکید داشته باش؛ تا دچار شقاوت نشوی.»

۳. نفرین و اعلان براءت از دشمنان اسلام

پیوند با خدا همواره با اعلان براءت از دشمنان او همراه است. دو تن از یاران امام صادق علیه السلام می‌گویند: ما خود شنیدیم که امام علیه السلام به دنبال هر یک از نمازهای واجب، چهار مرد و چهار زن را لعنت می‌فرمود.^۱ از این روایت فهمیده می‌شود که براءت و لعن با صدای بلند صورت می‌پذیرفت. البته گفتنی است که لعن و نفرین باید بر دشمنان شناخته شده‌ی اسلام نثار گردد تا بر وحدت و صلابت مسلمانان بیفزاید.

۴. استغفار

خداوند متعال در قرآن کریم، وجود دو عنصر را مانع عذاب امت معرفی می‌کند و خطاب به پیامبرش می‌فرماید: تا تو در میان امت هستی و آنان اهل استغفارند، عذاب بر آنها نازل نمی‌گردد:

«وَمَا كَانَ اللَّهُ لِيُعَذِّبَهُمْ وَأَنْتَ فِيهِمْ وَمَا كَانَ اللَّهُ مُعَذِّبَهُمْ وَهُمْ يَسْتَغْفِرُونَ»^۲

امام علی علیه السلام در نهج البلاغه می‌فرماید: اکنون «امان نخست» (پیامبر اکرم) را از دست داده‌اید پس: امان دیگر را معتنم شمردید و از آن بهره‌گیرید.^۳

۵. سجده‌ی شکر

امام رضا علیه السلام فرمود: سجده بعد از نماز واجب، سپاسی است در برابر توفیق انجام فریضه، و کمترین حد آن این است که ۳ بار بگوید: «شُكْرًا لِلَّهِ».

۱. فروع کافی، ج ۳، ص ۳۴۲ و تهذیب، ج ۲، ص ۳۲۱.

۲. انفال/ ۳۳.

۳. نهج البلاغه، حکمت ۸۸.

علامه مجلسی رحمه الله علیه ذیل این حدیث شریف می‌نگارد:
 «فَإِنْ كَانَ فِي الصَّلَاةِ تَقْصِيرٌ لَمْ يُتِمَّ بِالنَّوَافِلِ تَمَّ بِهِ ذِهِ السَّجْدَةِ؛^۱ اگر در نماز، اشکالی باشد که با نماز نافله برطرف نشود، با سجده‌ی شکر، جبران می‌شود.»
 درباره‌ی فضیلت و اهمیّت سجده‌ی شکر به همین مختصر، بسنده می‌کنیم.
 آری، پس از انجام عبادت و سجده‌ی طاعت، گاه مناسبی برای طلب آمرزش گناه و استغفار از پروردگار است. در روایتی امام صادق علیه السلام پس از آموزش استغفار می‌فرماید: هر کس این استغفار را بعد از نماز بگوید، خداوند گناهان بزرگ او را می‌بخشد.^۲

۶. تبرک جُستن به سجده‌گاه

هنگام وداع در هر دیداری، پرونده‌ی ملاقات با «مصافحه» بسته می‌شود. در فرجام هر نماز نیز، نمازگزار نخست دست بر سجده‌گاه می‌کشد، سپس بر چهره و بدن، تا از هر گونه ضعف و بیماری، ایمن شود!^۳

۱. بحارالانوار، ج ۸۵، ص ۱۹۸.

۲. همان، ص ۵.

۳. امالی طوسی، ج ۱، ص ۱۶۷؛ بحارالانوار، ج ۸۵، ص ۲۰۶ و ۲۱۰.

آزمون

۱. گفتاری از تأکید حضرت علی علیه السلام بر نماز اوّل وقت بنویسید.
۲. چرا امام حسین علیه السلام در گرما گرم جنگ ظهر عاشورا، بر اقامه‌ی نماز اوّل وقت، اصرار داشتند و آن نماز را چگونه به جای آوردند؟
۳. امام رضا علیه السلام در کدام یک از صحنه‌های حسّاس، کار خود را ترک کرده، به سراغ نماز رفتند؟
۴. یک خاطره از امام خمینی رحمه الله علیه درباره‌ی توجه به نماز اوّل وقت ذکر کنید.
۵. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم درباره‌ی پاداش کسی که به نماز اوّل وقت مقید باشد چه فرمود؟
۶. به گفته‌ی امام صادق علیه السلام دعا در چه اوقاتی مستجاب است؟
۷. روایتی قدسی در زمینه‌ی فضیلت تعقیبات نماز ذکر کنید و تفاوت بین حدیث قدسی و احادیث دیگر را بنویسید.
۸. چهار مورد از آداب تعقیبات نماز را بنویسید.
۹. بر اساس سخن امام علی علیه السلام چه چیزهایی وسیله‌ی ایمنی از عذاب دوزخ است؟
۱۰. روایتی از امام صادق علیه السلام در مورد فضیلت استغفار بعد از نماز ذکر کنید.

درس یازدهم

نماز جماعت

ساختار فرهنگ اسلامی بر اساس زدودن منیت‌ها و رهایی انسان از تنهایی و حصار خود، بنا گردیده است. هر یک از آموزه‌ها و الزام‌های شرعی به نحوی، جامعه را به سوی ضمیمه شدن تمام انسان‌ها به یکدیگر پیش می‌برد. غالب اذکار و شعارهای نماز به این شعور فرا می‌خواند و نیز به سمت همین هدف، سایر تعالیم، همچون روزه، خمس، زکات، حج، جهاد، تولی و تبری و... جهت می‌گیرند.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم چنین می‌فرماید: هر کس به اندازه‌ی یک وجب، راه خود را از مسیر مسلمانان جدا کند و از آنان فاصله بگیرد، رشته‌ی اسلام را از گردن خود باز کرده است.^۱ حضرتش در گفتاری دیگر، چنین افرادی را در مقایسه با توده‌ی انسان‌ها به گوسفندی تشبیه می‌کند که از سایر گوسفندان جدا، و در دام گرگ‌ها افتد. انسان تک‌رو، اسیر ابلیس و طعمه‌ی او می‌شود.^۲

۱. سفینه البحار، ج ۱، ص ۱۷۶.

۲. کنز العمال، ج ۱، ص ۲۰۶.

لذا اسلام به انسان توصیه می‌کند برای سفر و حَضَر خود و در هر حرکت و سکون، از تنهایی و تک‌روی بپرهیزد. شاید به همین منظور و با در نظر گرفتن اهداف و آثار دیگر، او را به نماز جماعت فرا می‌خواند و آن را از هر عبادتی فراتر می‌داند.

در روایتی چنین آمده است: «امیرمؤمنان علیه السَّلام شبی تا صبح مشغول عبادت بود. وقت اذان صبح، نماز خود را به صورت فُرادی^۱ خواند و خوابید. چون پیامبر اکرم حضرت را در صف نمازگزاران ندید، روانه‌ی خانه‌اش گردید و احوالش را از حضرت زهرا پرسید. وقتی پیامبر، ماجرا را شنید، فرمود: آنچه بخاطر ترک جماعت صبح از دست علی رفته، بیش از چیزی است که از شب زنده داری و عبادت در تمام شب، به دست آورده است.

در این هنگام علی علیه السَّلام از گفت‌و‌گوی پیامبر و فاطمه علیهما السَّلام بیدار شد. رسول خدا به حضرتش فرمود:

«يا علي انَّ مَنْ صَلَّى الصَّلَاةَ فِي جَمَاعَةٍ أَفْضَلَ مِنْ قِيَامٍ لَيْلَةٍ كُلِّهِ؛^۱ کسی که نماز صبح را به جماعت بخواند، بهتر است از آن که تمام شب را به عبادت بگذراند.»
و در گفتاری دیگر فرمود: اگر تعداد نمازگزاران صفوف جماعت از ۱۰ نفر فراتر رود، پاداش هر رکعت آن چنان افزون می‌شود، که حتی^۱ اگر تمام آسمان‌ها کاغذ، تمام دریاها مُرکَب و همه‌ی درختان قَلَم گردند و تمام فرشتگان، مأمور نوشتن پاداش آن، نمی‌توان ثواب آن را ثبت کرد؛ که این کار، فقط در خور محاسبه‌ی ذات بیکران الهی است.^۲ پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ فرمود:

۱. سفینه البحار، ج ۱، ص ۱۷۶؛ بحار الانوار، ج ۸۸، ص ۱۷ و ۴۰.

۲. بحار الانوار، ج ۸۸، ص ۱۴.

نماز جماعت □ ۱۴۳

«صَلَاةُ الرَّجُلِ فِي جَمَاعَةٍ خَيْرٌ مِنْ صَلَاتِهِ فِي بَيْتِهِ أَرْبَعِينَ سَنَةً»^۱ یک نماز جماعت، بهتر است از چهل سال نماز در خانه.»

و باز فرمود: هر کس همواره و در هر شرایطی به نماز جماعت برود، از پل صراط همچون برق بگذرد و به بهشت نایل شود.^۲

مردی نابینا از حضرتش پرسید: من توانِ پیمودن مسیر بین منزل تا مسجد را ندارم؛ و راهنما و مددکاری هم ندارم! پاسخ شنید: طنابی از مسجد تا منزلت بکش و به وسیله‌ی آن، راه را پیدا کن اما هرگز نماز جماعت را ترک نکن.^۳

آثار و برکات نماز جماعت

۱. **عرضه‌ی اسلام به جامعه:** دعوت به یک اعتقاد و یک روش، گونه‌هایی مختلف دارد. امروزه با راه یافتن شیوه‌های جدید در تبلیغات، اثر ارائه‌ی نمونه در معرض دید همگان یا نصب ماکت و تصویر در جذب افراد، بر کسی پوشیده نیست. نماز، ماکت اسلام و اعتقاد مجسم دینی است و عرضه‌ی آشکار آن - به فرموده‌ی امام رضا علیه السلام - حجّت را بر بسیاری افراد تمام می‌کند، تا نتوانند از اسلام اظهار بی‌اطلاعی کنند.^۴

۲. **توفیق اجباری:** در میان مسلمانان و کسانی که به زبان، اسلام را پذیرفته‌اند، افرادی وجود دارند که در عمل، توجهی به لوازم ایمان خود ندارند! برپائی نماز جماعت و شرکت در آن، این گروه را وامی‌دارد نماز خود را همراه جمع به جا

۱. مستدرک الوسائل، ج ۶، ص ۴۴۵.

۲. ثواب الاعمال و عقاب الاعمال / ۳۲۳.

۳. بحار الانوار، ج ۸۸، ص ۷.

۴. وسائل الشیعه، ج ۵، ص ۳۷۱.

آورند و اگر در انجام نماز، یا به جا آوردن آن در اوّل وقت، سست هستند، زمینه‌ی این توفیق برای شان فراهم گردد.

۳. **آشنایی مسلمانان با یکدیگر:** با کندوکاو در برنامه‌ها و میتینگ‌هایی که به منظور آشنا کردن افراد یک جامعه با یکدیگر صورت می‌گیرد، می‌توان دریافت که برنامه‌ی نماز سالم‌ترین، عاطفی‌ترین، پربهاترین و کم‌خرج‌ترین آن‌ها است. مسلمانان در قالب این برنامه‌ی دینی و عبادت‌گروهی، یکدیگر را می‌شناسند، تا بتوانند هنگام گرفتاری و نیاز، یار هم باشند و در هرگونه داورى، قبول شهادت و استفسار، دوستان مسجدى و برادران دینی خود را تأیید کنند. امام صادق علیه السلام فرمود: هر کس نمازهای خود را به جماعت می‌خواند، به او خوش‌بین باشید و شهادت او را درباره‌ی دیگران بپذیرید.^۱

پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله وسلم نیز می‌فرماید: اگر درباره کسی که اهل جماعت و مسجد نیست، از شما سؤال کردند، بگویند: من او را نمی‌شناسم^۲

۴. **ایجاد فضای معروف در جامعه:** صدای مؤذن و برپایی صفوف جماعت، عطر معنویّت و تقوا را در جامعه منتشر می‌سازد و به عبارتی دیگر: نماز جماعت، تجسّم عملی امر به معروف و نهی از منکر است؛ به طرفداران توحید، قوت و تحرّک و امید می‌بخشد و طالبان منکر را منزوی و مأیوس می‌نماید.^۳ حرکت فشرده‌ی مؤمنان به سوی مساجد و تعطیلی همه‌ی مشاغل، جز اشتغال به خدا و انجام فرمان او، فضای جامعه را تغییر می‌دهد. زیبایی این تقیّد و تعهّد حتّی^۱

۱. بحارالانوار، ج ۸۸، ص ۸.

۲. همان، ص ۵.

۳. این اثر در صورتی متجلی است، که نماز جماعت با حضور همه‌ی قشرها در جامعه بر پا گردد و اگر صرفاً با حضور چند تن، به شکل محدود و ... برگزار شود، بالتبع، آثار مزبور در آن، تحقّق نمی‌یابد.

نماز جماعت □ ۱۴۵

قلب‌های تاریک و ناآشنا را به خود مشغول و مشغوف، و کفّهی دین باوران را در مقایسه با دنیا طلبان، وزین می‌کند.

۵. رعب و وحشت دشمنان: امروزه مانور نیرو و امکانات از جمله تاکتیک‌ها و برنامه‌های بودجه‌بری است که قدرت‌ها، برای نمایش موجودیت خود در برابر دیگران در موقعیت‌های مختلف انجام می‌دهند. نماز جماعت مسلمانان، یک مانور نیرویی سالم و آرامی است که بدون صرف بودجه، هر روزه انجام می‌گیرد. صفوف متحد نمازگزاران در هر کوچه و محله و میدان، مانوری است که دشمن را از فکر صدمه زدن و توطئه بر ضد مسلمانان منصرف می‌سازد.

آری، نماز جماعت، اعلام موجودیت و حضور در برابر کافران است؛ لذا وقتی خداوند تبارک و تعالی به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم فرمان داد آیین خود را آشکار سازد، برپایی نماز جماعت، با حضور امیر مؤمنان علیه السلام و جعفر بن ابی طالب، جزء نخستین اقدام‌های آن بزرگوار بود.^۱

۶. حفظ اعتبارات اجتماعی: یکی از آثار شرکت در نماز جماعت، تثبیت جایگاه و موقعیت افراد در جامعه اسلامی است. چنانکه اگر کسی از جماعت مسلمانان روی بگرداند و به آنان بی‌اعتنایی کند، آنان نیز حق دارند از او فاصله بگیرند و حتی در صورت لزوم با او قطع رابطه کنند.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: هر کس از جماعت مسلمانان روی گرداند، از عدالت ساقط می‌شود و می‌توان با او قطع رابطه نمود.^۲

۱. وسائل الشیعه، ج ۵، ص ۳۶۳.

۲. همان، ص ۳۹۴.

آداب نماز جماعت

برخی مقررات و احکام در نماز جماعت باید مورد توجه قرار گیرد، که فشرده‌ای از آن‌ها را، ذیلاً یادآوری می‌شویم:

۱. برادران اهل سنت تأکیدی شایسته بر تنظیم صفوف نماز جماعت دارند، که این تقید در صفوف جماعت تشیع نیز بایسته است؛ چرا که سنت و سیرت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم چنین بود و شخصاً به این مسأله اهتمام می‌ورزید. در جایی نیز فرمودند: «صفوف نماز را منظم کنید؛ زیرا عامل تمامیت و کمال نماز^۱ و موجب درود و سلام و تحسین ملائک است.»^۲

گفتنی است صف‌های جلو از ثواب و امتیاز بیشتری برخوردارند، به طوری که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: اگر می‌دانستند فضیلت صف اوّل چقدر است، برای حضور در آن، قرعه می‌کشیدند، و همه خواهان صف اوّل بودند.^۳ اما متأسفانه معمولاً نمازگزاران صف‌های وسط یا آخر را ترجیح می‌دهند که این باور غلط باید تصحیح شود. در هر حال باید صفوف جماعت پیوسته باشد و بین نمازگزاران فاصله‌ای نباشد.

۲. امام جماعت باید شرایطی از قبیل عدالت و صحت قرائت حمد و سوره را دارا باشد. ولی تفحص فراوان در این موارد لازم نیست و حکم به ظاهر یا اتکا به گواهی شهود، کفایت می‌کند. در روایات، به معیارهایی همچون: فهم، فضیلت، برتری در مقایسه با دیگران، حفظ قرآن، علم، تقوا، رعایت احترام بزرگ‌ترها

۱. وسائل الشیعه، ج ۵، ص ۳۹۴.

۲. بحار الانوار، ج ۸۸، ص ۲۰.

۳. دعائم الاسلام، ج ۱، ص ۱۵۵.

نماز جماعت □ ۱۴۷

خصوصاً والدین، تبعیت از رهبری حق و دوری از افراط و تفریط اشاره شده است.

۳. زنان، به فتوای برخی مراجع، در صورت احراز شرایط می‌توانند امامت جماعت زنان دیگر شوند و در سمت امام یا مأوموم باید نکاتی را که در حفظ و صیانت آنان از نامحرم مؤثر است رعایت کنند؛ زیرا از آداب وضو تا انجام سجده، قرائت یا سایر آداب و احکام، نکات و تفاوت‌هایی بین زن و مرد منظور شده، که دقت قانونگذار را در حفظ عفت زنان، آشکار می‌سازد.

۴. مساجد باید آراسته، زیبا و دلپذیر باشند و افراد نیز این نظم و آراستگی را رعایت، و خود را برای نماز، تزیین و معطر کنند. نه آن که بوی نامطبوع پای آنان، یا گرد و غبارِ غربت مسجد، موجب دل‌زدگی و گریز افراد از آن شود.

۵. امام جماعت باید از طولانی کردن نماز بپرهیزد و آن را متناسب با توان ضعیف‌ترین مأومومان تنظیم کند.

در باره پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله وسلم چنین آمده است که «كَانَ مِنْ أَتَمِّ النَّاسِ صَلَاةً وَ أَحَقَّهُمْ»^۱ کامل‌ترین نمازها و در عین حال کوتاه‌ترین آنها را به جا می‌آورد.»

۶. متولیان امور مساجد باید افرادی خوش اخلاق، با جاذبه و مؤدب باشند، تا خاطره‌هایی زیبا در ذهن نمازگزاران، نقش بندد. مسجد باید کانون محبت باشد و آنچه موجب اندوه می‌گردد، از مسجد حذف شود.

۷. امام، در حد امکان باید قرائت نماز را در نمازهای جهریه، به گونه‌ای بخواند، که صدای قرائت او به گوش مأومومین برسد، ولی آنان نباید اذکار رکوع و سجده را به شکلی بگویند، که امام بشنود.^۱

۱. من لا یحضره الفقیه، ج ۱، ص ۳۸۱.

۸. مستحب است امام، وقتی متوجه می‌شود کسی قصد اقتدا به او را در رکوع دارد، رکوعش را طولانی‌تر کند. همچنین بعد از نماز، قبل از مأمومین مصّلائی خود را جز در موارد ضروری، ترک نگوید.^۲
۹. مأموم می‌تواند قبل از اتمام رکوع امام به او اقتدا کند و آن رکعت، حساب می‌شود. در رکعت‌هایی که امام، حمد و سوره را قرائت می‌کند، مأموم باید ضمن سکوت کامل به حمد و سوره‌ی او گوش دهد.
۱۰. در صورتی که امام، از ادامه‌ی نماز معذور شد، یکی از مأمومین واجد شرایط می‌تواند ادامه‌ی جماعت را بر عهده می‌گیرد.

نماز جمعه

- چشمه‌های بی‌شمار فیض و عبودیت (نمازهای جماعت) هفته‌ای یک بار به اقیانوس بیکران انسان‌های مؤمن تبدیل می‌گردد و در این مجمع بزرگ، مؤمنان دین باور و تعهد شناس با قلبی آکنده از تقوی^۱ و توجه به خدا، به اقامه‌ی نماز جمعه می‌پردازند.
- نماز جمعه دو رکعت است که حتماً باید به صورت جماعت خوانده شود و قبل از نماز، امام جماعت به عنوان خطیب جمعه، دو خطبه ایراد می‌کند، که در آن، علاوه بر توصیه به پرهیزکاری و نیکوکاری، به وارسای مسایل سیاسی — فرهنگی جهان اسلام می‌پردازد.
- وقت نماز جمعه از زوال ظهر تا یک ساعت پس از اذان ظهر است و حداقل افرادی که می‌توانند به نماز جمعه رسمیت دهند، پنج نفر هستند.^۳

۱. وسائل الشّیعه، ج ۵، ص ۴۵۱.

۲. همان.

۳. خصال، ج ۱، ص ۱۳۹.

نماز جماعت □ ۱۴۹

پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله وسلم نماز جمعه را حجّ مساکین^۱، موجب آمرزش گناهان^۲ و این اجتماع عظیم را سرزنش و توبیخی مجسم برای منافقان معرفی کرده است.^۳

هر کس این فریضه‌ی بزرگ را، سه هفته بدون عذر ترک کند، خداوند مَهرِ نفاق را بر قلب او خواهد زد.^۴

اسلام، همه‌ی قشرها را به شرکت در نماز جمعه دعوت کرده است. امام علی علیه السلام زندانیان را با مراقبت، یا تحت ضمانت خانواده‌هایشان در نماز جمعه شرکت می‌دادند.^۵

امام صادق علیه السلام می‌فرمایند: مسافری که با اشتیاق و ایمان به نماز جمعه روی آورد، پاداش می‌برد.^۶

در روایت دیگر پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله وسلم ضمن نفرین تارکان نماز جمعه چنین فرمود:

«فَمَنْ تَرَكَهَا فِي حَيَاتِي أَوْ بَعْدَ مَوْتِي اسْتِخْفَافاً أَوْ جُحُوداً لَهَا فَلَا جَمَعَ اللَّهُ شَمْلَهُ وَلَا بَارَكَ فِي أَمْرِهِ أَلَا وَلَا صَلَاةَ لَهُ، أَلَا وَلَا زَكَاةَ لَهُ، أَلَا وَلَا حَجَّ لَهُ، أَلَا وَلَا صَوْمَ لَهُ، أَلَا وَلَا بَرًّا لَهُ حَتَّى يَتُوبَ»^۷

۱. بحارالانوار، ج ۸۹، ص ۱۹۹.

۲. وسائل الشیعه، ج ۵، ص ۳.

۳. بحارالانوار، ج ۸۹، ص ۱۳۸.

۴. وسائل الشیعه، ج ۵، ص ۶.

۵. مستدرک الوسائل، ج ۶، ص ۲۷.

۶. بحارالانوار، ج ۸۹، ص ۱۶۶.

۷. وسائل الشیعه، ج ۷، ص ۳۰۲.

هر کس نماز جمعه را در زمان حیات من، یا پس از مرگم از روی استخفاف و انکار ترک کند! خدا، پراکندگی را از زندگی او نزداید و برکت را در کارش قرار ندهد، و بدانید نماز و زکاتش پذیرفته نخواهد بود؛ روزه‌ای نخواهد داشت و کار نیکی برای او نیست، مگر آن که توبه کند.»

حضور مسؤولان و کارگزاران کشور در نماز جمعه الزامی است. امام باقر علیه السلام می‌فرماید: «بر هفت گروه واجب است در نماز جمعه شرکت کنند؛ که از جمله به حضور حاکم اسلامی، قُضات و کارگزاران اشاره کرده‌اند.^۱

امام جمعه، همچون حاکم و قاضی توسط رهبر جامعه‌ی اسلامی به این سِمَت منصوب می‌گردد؛ همان گونه که رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم این مهم را شخصاً انجام می‌دادند.^۲

در روایاتی فراوان تأکید گردیده: آن گاه که امام به خطبه می‌ایستد، بر مأمومین لازم است سکوت را رعایت کنند و حالت نمازگزار داشته باشند.^۳

امام جمعه نیز باید با ظاهری آراسته و خوشبو در جایگاه نماز، حاضر گردد.^۴

۱. وسائل الشیعه، ج ۷، ص ۱۷۶.

۲. بحارالانوار، ج ۸۹، ص ۲۴۴.

۳. همان / ۲۵۶.

۴. همان / ۲۵۷.

آزمون

۱. جدایی از جماعت مسلمانان در سخن پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله وسلم به چه چیز تشبیه شده است؟
۲. رسول اکرم صلی الله علیه وآله وسلم ثواب نماز جماعت صبح را چگونه بیان فرمودند؟
۳. روایتی ذکر کنید که بر حسب آن یک نماز جماعت ثواب سالها نماز در خانه را دارد؟
۴. نماز جماعت دارای چه آثار و برکاتی است؟
۵. نظر رسول اکرم صلی الله علیه وآله وسلم را درباره‌ی تنظیم صفوف جماعت بیان کنید.
۶. روایتی را از پیامبر اعظم صلی الله علیه وآله وسلم در فضیلت صف اول جماعت ذکر کنید؟
۷. شرایط امامت جماعت و معیارهای اولویت آن چیست؟
۸. امام جماعت چه آدابی را باید در نماز رعایت کند؟
۹. چه شرایطی در فضای مسجد و متوکیان امور آن باید رعایت گردد؟
۱۰. به سخنی از پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله وسلم درباره‌ی ترک کنندگان نماز جمعه اشاره کنید. متن روایت و ترجمه ذکر شود.

درس دوازدهم

نمازهای غیر یومیه

نماز شب

کسانی که انس بیشتر و محفل صمیمی تری را می طلبند، ملاقات ویژه ای برای آنان در ساعاتی خلوت تنظیم گردیده، تا فارغ از هر شغل و شاغلی به بارگاه یار، ره یابند و در دامان وصال او بستر گیرند و همنشین اش گردند. نماز شب، وقت ملاقات عاشقان قرب به خدا، در نزدیک ترین تماس معنوی و روحانی است. اگر فرایض روزانه، تجسم اطاعت و عبادت خدا، نام گیرند، نماز شب را می توان نمایش محبت و عشق به خدا تفسیر کرد.

قرآن کریم در ستایش این شب ستیزان چنین می گوید: «آنان - به هنگام نیمه شب - پهلوهاشان از بستر کنده می شود و خدای را با ترس و امید می خوانند و از آنچه به آنان روزی داده ایم، انفاق می کنند و هیچ کس نمی داند چه پاداش های ارزشمندی برای شان ذخیره شده است.»^۱

در حدیثی می‌خوانیم:

«كَذِبَ مَنْ زَعَمَ أَنَّهُ يُحِبُّنِي فَإِذَا جَنَّهُ اللَّيْلُ نَامَ عَنِّي، أَلَيْسَ كُلُّ مُحِبِّ يُحِبُّ خَلْوَةَ حَبِيبِهِ؛^۱ دروغ می‌گوید هر که می‌پندارد مرا دوست دارد و شب‌هنگام - آرام - سر بر بستر می‌گذارد! آیا هر محبی دوست ندارد همنشینِ خلوتِ محبوبش باشد؟»
 آری، این خلوت‌نشینی، توفیقی است که به هر کس عطا نکنند. تا محرم نباشد و از گناه پرهیز نکند، به چنین حریمی مقدّس و پاک، ره نمی‌برد، و لذّت این گفت‌گو را در نمی‌یابد. ناپاکی، انسان را از این کامیابی باز می‌دارد. مردی خدمت امیرالمؤمنین علیه السلام عرض کرد: از نماز شب محروم شده‌ام! حضرت فرمود: گناهان، تو را در بند کشیده‌اند.^۲

در سخن دیگر امام صادق علیه السلام فرمود: گاه، دروغی، سبب محروم ماندن از نماز شب برای اهلش می‌شود.^۳

نماز شب، آثاری فراوان بر شخصیت، چهره و زندگی نیایشگر باقی می‌گذارد. امام صادق علیه السلام فرمود: نماز شب چهره را نورانی، نفس انسان را معطر^۴ و رزق را فراوان می‌گرداند.^۵

پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله وسلم فرمود: هر بنده‌ای، به هنگام شب از روی اخلاص وضو بگیرد و با نیت پاک و قلب سلیم و بدن خاشع و چشم گریان،

۱. وافی، ج ۲، ص ۲۲.

۲. بحارالانوار، ج ۸۷، ص ۱۴۶.

۳. همان / ۱۴۶.

۴. علامه مجلسی (ره) می‌گوید: معطر شدن، کنایه از خوش‌خویی آدمی و اقبالِ جامعه است.

۵. بحارالانوار، ج ۸۷، ص ۱۴۹.

پروردگار را بخواند، خداوند نه صف از فرشتگان بی‌شمار را پشت سر او قرار می‌دهد و به تعداد آن‌ها درجات معنوی اش را بالا می‌برد.^۱

در حدیث نبوی می‌خوانیم: «خداوند به ملایک می‌گوید: بنگرید چگونه در شب تاریک به سراغ من آمده، در حالی که خوش‌گذرانان سرگرم‌عشرتند و غافلان، خفته. شاهد باشید که گناهانش را بخشیدم.»^۲

امام صادق علیه السلام محرومان از سحرخیزی و تهجد را افرادی مغبون در زندگی معرفی می‌فرماید.^۳ آری! درک این غبن و تشخیص این خسارت، تنها برای کسی ممکن است که دل و جانی آشنا با حلاوت عبادت داشته باشد.

رهبر کبیر انقلاب اسلامی؛ امام خمینی (ره) شخصیتی بود که در طول دوران جوانی، و تا پایان عمر، در سفر و حضر به اقامه‌ی نماز و نافله‌ی شب، عشق می‌ورزید. از زبان فرزندش می‌خوانیم: «روزی در خانه حالت تأثر و زاری شدیدی از پدرم ملاحظه کردم که برایم بی سابقه بود. از این که علت را از ایشان بپرسم، شرم داشتم. لذا از مادر پرسیدم. ایشان پاسخ داد: دیشب نماز شب پدرت قضا شد؛ به همین دلیل ناراحت و متأثر هستند.»^۴

امام علی علیه السلام در حال مناجات چنین عرض می‌کند:

«الهی مَنْ ذَا الَّذِي ذاقَ حَلَاوَةَ مَحَبَّتِكَ فَرَامَ مِنْكَ بَدَلًا؟^۵ آن‌کس که شیرینی اُنس

با تو را چشیده باشد، مُحال است آن را با چیز دیگر، سودا کند.»

۱. امالی شیخ مفید، ۴۲.

۲. بحارالانوار، ج ۸۷، ص ۱۳۷.

۳. همان/۱۴۶.

۴. سرگذشتهای ویژه از زندگی امام خمینی (ره).

۵. مفاتیح الجنان، مناجات خمسسه عشر، مناجات المحبّین.

آری! این باور است که امیر مؤمنان علیه السلام را نیمه‌های شب به نخلستان‌های کوفه می‌کشاند و این زمزمه‌ی عاشقانه را بین عبد و مولا در آسمان کوفه طنین می‌افکند: «الْهِيَ صَبْرْتُ عَلَىٰ عَذَابِكَ فَكَيْفَ أَصْبِرُ عَلَىٰ فِرَاقِكَ». چشیدن طعم این نجواست، که فرزندش امام حسین علیه السلام را وا می‌دارد از سپاه کفر، تنها یک چیز تمنا کند! مجالی دیگر برای عشقبازی، و نه عشق بازی! که عشق، بازی نیست. شبی برای عبادت و راز و نیاز، سوز و گداز، در بارگاه یگانه محبوب بی‌نیاز.

استاد مطهری رحمة الله علیه می‌نگارد:

«در عصر تاسوعا، لشکر عمر سعد، طبق دستور عبیدالله بن زیاد حمله کردند. شبانه می‌خواستند با حسین بجنگند. حسین علیه السلام به وسیله‌ی برادرش ابوالفضل العباس از آنها می‌خواهد فقط شبی دیگر را مهلت دهند. می‌گوید: «برادر جان! به آنان بگو: همین امشب را به ما مهلت بدهند؛ من فردا می‌جنگم. من اهل تسلیم نیستم، می‌جنگم».... بعد برای این که گمان نکنند حسین علیه السلام می‌خواهد دفع‌الوقت بکند، این جمله را گفت: «برادر! خدا خودش می‌داند من مناجات با او را دوست دارم. می‌خواهم شب آخر عمرم را شب توبه و استغفار قرار بدهم.» آن شب عاشورا اگر بدانید چه شبی بود، معراج بود، یک دنیا شادی و بهجت و مسرت حکمفرما بود.»^۱

در این جا خاطره‌ای دیگر از درک لذت و حلاوت عبادت و مناجات نیمه شب مولا امیرمؤمنان علیه السلام را از زبان استاد مطهری می‌خوانیم:

«عدی بن حاتم» نزد معاویه آمد، در حالی که سال‌ها از شهادت مولا گذشته بود. معاویه می‌دانست عدی یکی از یاران قدیم مولاست. خواست کاری بکند که

۱. گفتارهای معنوی، ۱۲۵.

این دوست دیرین بلکه یک کلمه بر ضدّ حضرتش سخن بگوید. گفت: «عدی! آئِنَ الطَّرْفِ أْت؟» پسرانت چه شدند؟ [عدی سه پسر داشت: طریف، طرفه و طارف]، که هنگام جوانی در رکاب حضرت در جنگ صفین کشته شده بودند. [معاویه] می‌خواست عدی را به خشم آورد، تا از مولا اظهار ناخشنودی کند [عدی گفت: در رکاب مولایشان علی با تو که زیر پرچم کفر بودی، جنگیدند و کشته شدند. گفت: عدی! علی در باره‌ی تو انصاف نداد! پرسید: چه طور؟ گفت: پسران خودش را نگاه داشت و پسران تو را به کشتن داد! عدی گفت: معاویه! من درباره‌ی علی انصاف ندادم؛ نمی‌بایست علی امروز در زیر خروارها خاک باشد و من زنده باشم! ای کاش مرده بودم و او زنده می‌ماند.

معاویه دید تیرش کارگر نیست. گفت: عدی! الان دیگر کار از این حرف‌ها گذشته است. دلم می‌خواهد چون تو زیاد با علی بودی، قدری کارهایش را برایم وصف بکنی، که چه می‌کرد. گفت: معاویه! مرا معذور بدار. گفت: نه! حتماً باید بگویی. شروع کرد به صحبت کردن در باره‌ی علی. گفت: معاویه! می‌خواهم منظره‌ای را که با چشم خودم دیدم، برایت بگویم. در یکی از شب‌ها دیدم علی در محراب عبادت، مستغرقِ خدای خودش است و محاسنش را به دست مبارک گرفته، می‌گوید: آه، آه، از این دنیا و آتش‌های آن! می‌گفت: «یَا دُنْيَا غُرِّي غَيْرِي...»

عدی، آن چنان علی را وصف کرد، که دل سنگ معاویه تحت تأثیر قرار گرفت؛ به طوری که با آستینش اشک‌های صورتش را پاک می‌کرد. آن وقت گفت: دنیا، عقیم است که مانند علی بزاید!

وَمَنْ أِقْبَ شَهْدَ الْعَدُوِّ بِفَضْلِهِ
وَالْفَضْلُ مَا شَهِدْتُ بِهِ الْأَعْدَاءَ

علی، مردی است که دشمنانش در باره‌ی فضیلت او گواهی می‌دادند.^۱ فرزندان آزاده‌ی امام هنگام اسارت در زندان حزب بعث، حقانیت این ادعا و عینیت آن را در عصر حاضر به امضای تاریخ رساندند. آنان در حالی که به جرم سخرخیزی، ده‌ها و صدها شلاق و شکنجه‌ی روحی و جسمی را تحمل می‌کردند، لحظه‌ای انس با خدا و اقامه‌ی نماز را رها نکردند. خاطراتی تکان دهنده از آنان خوانده‌ایم، و می‌خوانیم:

«در یکی از شب‌ها، یکی از بچه‌ها در اتاق خودمان، مشغول خواندن نماز شب بود، که نگهبان عراقی سر رسید و او را دید. فردای همان شب - که صبح سردی بود - عده‌ای از عراقی‌ها با کابل به جان او افتادند و آن قدر کتکش زدند، که خودشان خسته شدند. با وجود این او در شب‌های دیگر هم، نمازش را ادامه داد.»^۲

در خاطره‌ای دیگر چنین می‌خوانیم:

«یک شب به نگهبان خودی که مراقب عزیزان آزاده و دربند بود، سفارش کردم مرا برای نماز شب بیدار کند. وقتی نیمه شب مرا برای گفت گو با معبود بیدار کرد، متوجه شدم بیش از نود درصد بچه‌ها مشغول خواندن نماز شب هستند. با ملاحظه‌ی این صحنه، از خودم خجالت کشیدم. این در حالی بود که اگر نگهبان عراقی متوجه می‌شد و نام نمازگزار در فهرست اسیران متخلف ثبت می‌شد، فردای آن شب، غرامت و مجازات این سخرخیزی را می‌باید از طریق تحمل ضربه‌های کابل،

۱. اسلام و مقتضیات زمان، ۲۹۸.

۲. نماز در اسارت، ۱۰۳؛ با اندکی تصرف؛ خاطره از: رمضانعلی خرسندی.

شلنگ آب و گاهی میله‌ی مفتول آهنی بپذیرد و گاهی تمام افراد یک آسایشگاه به این پذیرایی! دعوت می‌شدند.»^۱

نماز عید

بر خلاف جشن‌ها و شادی‌های معمول و مرسوم که غالباً آمیخته با انواع هوسرانی‌ها و غفلت‌هاست، عید اسلامی با مراسم نماز، دعا، انفاق و غسل برگزار می‌گردد. اصولاً در فرهنگ اسلامی، روزی که در آن، طاعت و عبادت و بروز امتیازهای اخلاقی و منش‌های انسانی باشد، عید است.

امام علی علیه السلام می‌فرماید: «كُلُّ يَوْمٍ لَا يُعْصَى اللَّهُ فِيهِ فَهُوَ يَوْمٌ عِيدٌ»^۲ در روزهای عید فطر و عید قربان، مسلمانان، شادی را با نماز آغاز می‌نمایند. این نماز دو رکعت است که در رکعت اول بعد از قرائت، پنج قنوت و در رکعت دوم، چهار قنوت خوانده می‌شود.

این نماز، به جماعت برگزار می‌گردد؛ قنوت آن دعایی ویژه دارد و بندگان از پروردگار می‌خواهند هر خیری را که خدا برای پیامبر و خاندانش مقرر فرموده، برای آنان نیز تقدیر کند و از هر شری که آن بزرگواران را مصون داشته، آن‌ها را ایمن دارد.

قبل و بعد این نماز، تکبیرهایی گفته می‌شود و پایان آن، شکرگزاری از توفیق خداوند در انجام عبادات و طاعات ماه مبارک رمضان، یا ایام دهه‌ی مبارک ذی‌الحجه است.

نماز آیات

۲. همان / ۹۹. با اندکی تصرف؛ خاطره از: شهریار رحمانی.

۱. نهج البلاغه، حکمت ۴۲۸.

انسان، با همه‌ی شرافت و کرامتش، دچار ضعف‌هایی از قبیلِ نسیان و غفلت است. لذا مرئی اصلی خلقت برای نجات او از خطرها، از هر فرصتی بهره گرفته‌است، هنگام بروز حوادث ارضی و سماوی همانند زلزله و خسوف و کسوف او را به نماز فرامی‌خواند.

امام رضا علیه السلام می‌فرماید: «همانا برای ماه گرفتگی، نمازی بر انسان واجب است؛ زیرا خسوف یکی از آیات الهی است که نمی‌دانیم نشانه‌ی رحمت است، یا عذاب؟ در چنین هنگامی پیامبر، امت را به سوی خدا بسیج می‌کند، تا آنان را از آفات این حوادث، دور دارد. همان‌گونه که قوم حضرت یونس وقتی به دنبال مشاهده‌ی نشانه‌های عذاب به خداوند التجا کردند، خدای متعال عذاب را از آنان دور گردانید.»^۱

با آن که زلزله، خسوف و کسوف از یک نوع قهر و غضب حکایت دارد، اما اسلام با هر نوع تفسیر خرافی درباره‌ی آن‌ها مبارزه کرده است. در زمان پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله وسلم حادثه در گذشت ابراهیم فرزند هجده ماهه‌ی آن حضرت، با حادثه گرفتگی خورشید هم‌زمان شد، مردم این دو حادثه را به هم ربط داده و گفتند: از شدت و عظمت این مصیبت که بر پیامبر وارد شد، خورشید گرفت! پیامبر ضمن ایراد خطابه‌ای روشنگرانه به مردم چنین فرمود: «خورشید و ماه دو آیه از آیات خداوندی هستند، که به امر او جاری می‌شوند و به مرگ و زندگی کسی مربوط نمی‌شوند. در چنین موقعی به نماز پناه ببرید و آن را به جا آورید. سپس خود با مردم نماز آیات به جای آوردند.»^۲

۱. من لا یحضره الفقیه، ج ۱، ص ۳۴۲.

۲. وسائل الشیعه، ج ۵، ص ۱۴۳.

این نماز، دو رکعت است و هر رکعت، پنج رکوع دارد، که به دنبال قرائت قسمتی از سوره انجام می‌شود. به دنبال بروز هر یک از حوادث یاد شده در یک منطقه، واجب است تمام مکلفان فوراً این نماز را آدا کرده، در صورت تأخیر، قضای آن را انجام دهند.

نماز میّت

فرستی دیگر که می‌تواند پندآموز و عبرت آفرین باشد، موقعیت رویارویی با مرگ، هنگام ختم پرونده‌ی زندگی انسان‌ها و کوتاه شدن دست آنان از صحنه‌ی عمل و تلاش در دنیا است. آن‌گاه که گروهی از مؤمنان، جنازه‌ی مسلمانی را فرا روی خود می‌نهند و بر او نماز میّت می‌خوانند، یکی از پربارترین و زیباترین برنامه‌های آموزش سمعی و بصری و تذکر غیر مستقیم به انسان‌هاست. چگونه می‌توان محسوس‌تر از این صحنه، این باور را برای انسان‌ها، بُرهانی ساخت، که مرگ حق است؟ آنان نیز پس از گذر از دوره‌ای نه چندان طولانی که امکان دارد هر آن پایان پذیرد، چنین شرایطی را در پیش خواهند داشت! کلاس تشییع، نماز و خاک سپاری میّت، آموزنده‌ترین کلاس معارف عینی و واقعی است. در این کلاس، مسلمانان بی‌اعتباری دنیا، اغتنام فرصت‌ها، حسّ تعاون و نوع‌دوستی، گریز از غفلت و... را مرور می‌کنند.

در این نماز پنج تکبیر گفته می‌شود که پس از تکبیر اول به وحدانیت خدا و نبوت پیامبر، شهادت می‌دهیم و پس از تکبیر دوم بر پیامبر و آتش درود می‌فرستیم و پس از تکبیر سوم برای اهل ایمان مغفرت می‌طلبیم، و پس از تکبیر چهارم بر پیامبر و آتش درود می‌فرستیم و با تکبیر پنجم، نماز پایان می‌پذیرد.

خواندن این نماز، قبل از دفن و پس از غسل و کفن هر میت، واجب کفایی^۱ است. اگر این نماز را بر میت نخوانند، باید پس از دفن بر قبرش بخوانند. هنگام انجام این مراسم، همه‌ی شرکت کنندگان باید سکون، آرامش و سکوت را حفظ کنند و به حدیث نَفْس و موعظه‌ی خویشتن مشغول باشند. به فرموده‌ی امام صادق علیه السّلام باید خود را جای میت ببینند، که موقتاً مهلتی به آنها داده شده تا به دنیا باز گردند و تکالیف از یاد رفته‌ی خویش را به جای آورند.^۲

امیر مؤمنان علیه السّلام در تشییع جنازه‌ای، فردی را در حال خندیدن دید! حضرت فرمودند: گویا مرگ برای غیر ماست و این میت به سفر کوتاهی می‌رود و به زودی به سوی ما باز خواهد گشت؟! و ما، در دنیا جاودانه‌ایم؟! ما پند و اندرزهایی که باید از این صحنه بیاموزیم، از یاد برده‌ایم.^۳

نماز باران

نافرمانی و طغیان در برابر مالک آسمان‌ها و زمین موجب محرومیت از برکات ارضی و سماوی می‌گردد. خداوندی که عذاب را نازل می‌کند، راه رفع آن، و جلب رحمت و برکت خویش را نیز آشکارا نموده است.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: وقتی خداوند بر ملت‌ی غضب کند و به دلیلی عذابی - که یک باره نابودشان کند - بر آنان نازل نگردد، آنان را به گرانی، کوتاه‌عمری، کمی محصولات، کم آبی نهرها و نباریدن باران مفید،

۱. واجب کفایی، آن است که بر همه واجب است، ولی با انجام آن توسط یک نفر، از دیگران ساقط می‌شود.

۱. بحارالانوار، ج ۷۱، ص ۲۶۶.

۲. نهج البلاغه، حکمت ۱۲۲.

نمازهای غیر یومیه □ ۱۶۳

مبتلا، و اشرار را بر آنان مسلط می‌سازد^۱. صادق آل محمد علیهم السلام نیز نباریدن باران را معلول رواج بی‌عدالتی دانسته است^۲.

در چنین شرایطی، انسان‌ها به یک دگرگونی عاطفی-معنوی و برگزاری مراسم خاصّ دعا و نماز دعوت شده‌اند، تا در پرتو انابه و انکسارشان، رحمت و عنایت ایزد مَنان به آنان بازگردد. نماز استسقا که همچون نماز عید به جماعت اقامه می‌گردد، معمولاً در بیابان یعنی منطقه‌ای که از آلودگی‌های گناه، دور است، انجام می‌شود. کودکان و چهارپایان که به دلیل نافرمانی دیگران، از رحمت خدا محروم شده‌اند در این مراسم شرکت داده می‌شوند. نوزادان را از مادرها جدا می‌کنند تا ناله آنان در سایرین ایجاد رقت کند. سه روز را به عبادت و روزه سپری می‌نمایند و قبل از نماز به توبه و استغفار و تکبیر مشغول می‌شوند و سپس همگی پابرنه به صحرا می‌روند و زیر آسمان نماز را بجای می‌آورند و پس از نماز، امام جماعت به نصیحت و موعظه بندگان و عرض حال به محضر احدیت می‌پردازد.

تاریخ، نمونه‌هایی فراوان از نماز باران را در خود ثبت کرده، که پس از بازگشت روحی و معنوی آدمیان به پیشگاه خدای مهربان، نعمت و رحمت نیز به میان آنان بازگشته است. از جمله در قرن اخیر و در سال ۱۳۶۳ هجری قمری اهالی قم در حالی که با کمبود باران و قطع رحمت الهی، مواجه شده بودند، از مرحوم حضرت آیت الله سید محمد تقی خوانساری درخواست کردند با آنان برای اقامه‌ی نماز باران به بیرون شهر عزیمت کنند. این مرد الهی دو روز متوالی به رغم استهزای برخی از ناباوران، این نماز را با مردم به جای آوردند. پس از

۳. وسائل الشّیعه، ج ۵، ص ۱۵۸.

۴. همان.

پایان دومین نماز و قبل از بازگشت مردم به شهر، چنان بارانی نازل شد که تمام جویبارها را فرا گرفت و همه‌ی مزارع سیراب گشتند. مردم شادمان شدند و در پرتو این قهر و آشتی، پیوند و ارتباط آنان با خداوند تجدید گشت.^۱

نماز قضا

نماز، فریضه‌ای است که در هیچ حال و شرایطی نباید آن را ترک کرد. تنها زنان در دوره‌ای خاص از هر ماه، به جای انجام آن، بر سجاده می‌نشینند و به نیایش می‌پردازند. در غیر این صورت، نمازگزار باید تمام نمازها را به طور منظم، کامل و با قرائت صحیح، لباس پاکیزه و رعایت سایر شرایط انجام داده، و اگر عمداً یا از روی فراموشی، نمازی را ترک کرد، یا ناقص خواند، باید قضای آن را به جای آورد و توبه‌ی نمازهایی که نخوانده، جز به اتیان آنچه بر او واجب بوده، تحقق نمی‌پذیرد و هیچ چیزی جای آن را نمی‌گیرد.

گه‌گاه برای برخی مکلفان، با توجه به کاستی‌ها و ناآشنایی‌های دوره‌ی نخستین تکلیف، احتمال نمازهایی فاقد شرایط لازم، یا انجام ندادن بعضی نمازها، وجود دارد؛ از این رو، باید در حدّ توان، در رفع کاستیها کوشید، تا پروردگار نیز هنگام محاسبه‌ی اعمال از تقصیرات ما چشم پوشد!

۱. گنجینه دانشمندان، ج ۱، ص ۳۲۴.

آزمون

۱. حدیثی در باب فضیلت شب زنده داری ذکر کنید.
۲. امیرمؤمنان علیه السلام علت محرومیت از نماز شب را چگونه تبیین می فرماید؟
۳. آثار نماز شب را از زبان امام صادق علیه السلام بیان کنید؟
۴. خداوند هنگام عبادت بنده اش، خداوند به ملایک چه می گوید؟
۵. خاطره‌ای از حضرت امام خمینی (ره) در باره‌ی تقیّد ایشان به نماز شب ذکر کنید.
۶. یک خاطره از نماز شب آزادگان سرفراز را بیان کنید.
۷. امام علی علیه السلام چه روزهایی را روز عید اسلام می داند؟
۸. کیفیت نماز آیات را بیان کنید؟
۹. نماز میت چگونه خوانده می شود و چه حکمتی دارد؟
۱۰. در نماز عید، بندگان چه تقاضایی از خدای متعال می کنند؟

درس سیزدهم

ترک نماز

بررسی روایات مربوط به نماز، این نتیجه را به دست می‌دهد که مسأله نماز، چنان مهم و حساس است که: نباید آن را تحقیر و یا به آن بی‌اعتنایی کرد و ترک آن، چنان سنگین و سخت است که نمی‌توان حرفی از آن بر زبان راند. اگر در روایات می‌خوانیم: نخستین پرسش در قیامت از نماز است، اگر نماز قبول شد، بقیه اعمال نیز بررسی می‌شود، و گرنه، دیگر اعمال را نمی‌نگرند:

«ان قَبِلْتَ نُظِرَ فِي غَيْرِهَا وَ اِنْ لَمْ تُقْبَلْ لَمْ يُنْظَرْ فِي شَيْءٍ مِنْ عَمَلِهِ»^۱

مراد روایت، سؤال از کیفیت انجام نماز است، نه از بود و نبودش! زیرا تارک الصلاة بی‌هیچ پرسشی به دوزخ می‌رود. قرآن گفت‌وگوی بهشتیان با دوزخیان را چنین نقل می‌کند: «ما سَأَلَكُمُ فِي سَفَرٍ قَالُوا لَمْ نَكُ مِنَ الْمُصَلِّينَ»: ^۲ چه چیز شما را دوزخی کرد؟ گویند: ما از نمازگزاران نبودیم.»

در روایات، کسی که نماز نمی‌خواند، «کافر» شمرده شده است!

۱. بحارالانوار، ج ۸۲، ص ۲۲۷.

۲. مدثر / ۲۴ - ۲۵.

از امام صادق علیه السلام پرسیدند: چرا به زناکار، «کافر» گفته نمی‌شود، اما به «تارک الصلوة» اطلاق می‌گردد؟ فرمود:

«لأن الزانى وما أشبهه إنما يفعل ذلك لمكان الشهوة لأنها تغلبه وتارك الصلاة لا يتركها إلا استخفافاً بها؛^۱ زیرا زناکار به جهت غلبه شهوت، آلوده شده است [و با خدا سر ستیز ندارد] ولی «تارک الصلاة» نماز را از روی بی‌اعتنایی به فرمان خدا ترک می‌کند.»

یکی از دانشمندان معاصر اهل سنت^۲ می‌گوید: «مسلمانان بر این مطلب اتفاق نظر دارند که نماز بر هر مسلمان بالغ و عاقل واجب است و تمام آنان بر این باورند که هرکس نماز را منکر شود کافر و مرتد است... اما آن که نماز را از روی سستی و استخفاف ترک کند، فاسق و گناهکار است، مگر آن که تازه مسلمان باشد و هنوز نماز را فرا نگرفته باشد.»

بی‌اعتنایی به نماز

بدون تردید سبک شمردن نماز، گناهی است بس بزرگ. بنابراین: شناخت مصادیق آن، لازم است:

الف. تأخیر نماز: امام صادق علیه السلام در تفسیر آیه «فَوَيْلٌ لِلْمُصَلِّينَ الَّذِينَ هُمْ عَنْ صَلَاتِهِمْ سَاهُونَ»^۳ فرمود: «تأخیر الصلاة عن أول وقتها لغیر عذر؛^۴ مراد از بی‌اعتنایی به نماز، تأخیر بدون عذر آن از اول وقت است.»

۱. وسائل الشیعه، ج ۳، ص ۲۸.

۲. مقصود: دکتر وهبة الزحیلی استاد دانشگاه دمشق است.

۳. ماعون / ۴ و ۵.

۴. بحار الانوار، ج ۸۳، ص ۶.

گفتنی است مقصود از «عذر»، امری است که قابل تأخیر نباشد، وگرنه هم‌نوا با شهید رجایی باید به کارها گفت: نماز دارم! نه اینکه به نماز بگوئیم کار دارم!

ب. عدم رعایت آداب آن: امیرمؤمنان علیه السلام در روایتی چنین می‌فرماید:

«مَنْ أَحْسَنَ صَلَوَتَهُ حِينَ يَرَاهُ النَّاسُ وَ أَسَاءَهَا حِينَ يَخْلُو فَتِلْكَ اسْتِهَانَةٌ!»^۱

آن کس که در مقابل مردم، به دقت، و در خلوت، بی‌دقت نماز گزارد، به آن بی‌اعتنایی کرده است.»

مروری بر نمازهای خلوت و جلوت ما نشان می‌دهد که آیا توجه ما به نماز بیشتر است، یا به ناظران نماز!

ج. فراهم نکردن مقدمات نماز: در روایت دیگری می‌فرماید: کسی که وضوی نماز را به تأخیر اندازد، به نماز بی‌اعتنایی کرده است. روشن است کسی که به کاری اهمیتی می‌دهد، مقدماتش را فراهم می‌کند. کدام ملاقات و میهمانی است که وقت آن فرارسیده باشد و ما هنوز لباس و کفش خود را آماده نکرده باشیم؟!

د. ندانستن معانی: آیا ندانستن مفاهیم الفاظی که روزانه بارها تکرار می‌شود، به معنای بی‌اعتنایی به نماز نیست؟! آیا اگر ما برای طرف گفت‌و‌گوی خویش در نماز، اندکی اهمیتی قائل باشیم، در اندیشه‌ی درک محتوای مذاکره با او بر نخواهیم آمد؟! چگونه برای اقامتی کوتاه در یک کشور، تا حدودی به زبان مردمانش آشنا می‌شویم و معنای کلمات روزمره را فرا می‌گیریم؛ اما در برخورد با نماز این حساسیت را روا نمی‌داریم؟! آیا این‌ها بی‌اعتنایی به نماز نیست؟!

این جاست که معنای مناجات امام حسین علیه السلام روشن می‌شود:

«الهِى مَنْ كَانَتْ مَحَاسِنُهُ مَسَاوِيهً فَكَيْفَ لَا يَكُونُ مَسَاوِيهً مَسَاوِيهً؛
خدایا! آن کس که نیکی‌هایش ناپسند است، چگونه گناهانش گناه نباشد؟!»

۱. مستدرک الوسائل، ج ۲، ص ۲۶.

تفاوت نمازگزارانی که در نماز، جز دردِ فراقِ دوست را احساس نمی‌کنند^۱، هیچ صدائی نمی‌شنوند^۲ و غرق در مناجات با معشوقند، و نیز نمازبانانی که زیر شلاق و به رغم هرگونه تهدید و شکنجه نماز را به پا می‌دارند^۳، با کسانی که آن را باری گران می‌دانند و هنگام خواندنش شتاب می‌ورزند و خمیازه‌های پیاپی می‌کشند، فقط و فقط در اهتمام یا استخفاف به نماز است.

۵. شتاب در نماز: سریع خواندن نماز، بدون توجه به معانی و رعایت خشوع و طمأنینه، از نشانه‌های دیگر بی‌توجهی به نماز است.

مردی در حضور علی علیه السلام نماز خود را با شتاب به جا آورد. امام نگاهی به او کرد و فرمود: چند وقت است این گونه نماز می‌خوانی؟ گفت: مدت‌هاست. حضرت فرمود: مثل تو نزد خداوند، مثل کلاغی است، که منقار بر زمین می‌کوبد. سجده‌ی تو، خضوع در برابر خدا نیست، بلکه منقار بر زمین کوبیدن است. اگر این گونه بمیری، بر غیر ملت و دین پیامبر اکرم مُرده‌ای. سپس امیرمؤمنان فرمود: همانا دزدترین مردم کسی است، که از نمازش بدزدد.^۴

پیامدهای کوچک شمردن نماز

در این بخش، برخی پیامدهای استخفاف نماز را بر می‌شماریم:

۱. قهر پیامبر و قطع رابطه با عترت

پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله وسلم به یاران خود فرمود:

۱. اشاره به ماجرای کشیدن تیر از پای مبارک امیر مؤمنان علیه السلام در حال نماز.
 ۲. فرزند امام سجّاد در حالی که حضرت در حال نماز بود، به چاه افتاد و حضرت به رغم شیون افراد خانه متوجه آن نشد و پس از نماز، فرزند را به سلامت از چاه بیرون آورد. بحار الانوار، ج ۸۴، ص ۲۴۵.
 ۳. نماز در اسارت.
 ۴. بحار الانوار، ج ۸۴، ص ۲۴۲.

«لَيْسَ مِنِّي مَنْ ضَيَّعَ الصَّلَاةَ»^۱ آن کس که نماز را تضييع کند از من نیست.»

و امام صادق عليه السلام چنین فرمود:

«امْتَحِنُوا شِيعَتَنَا عِنْدَ مُحَافَظَتِهِمْ عَلَى الصَّلَوَاتِ؛

شیعیان ما را از دقت آنان در انجام بهنگام نمازها بشناسید.»

در روایت مشهور دیگری حضرتش سهل انگاری در نماز و استخفاف آن را

موجب محرومیت از شفاعت خاندان عترت در روز قیامت شمرد.^۲

پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله وسلم نیز در بیانی دیگر می فرماید:

«مَنْ اسْتَخَفَ بِالصَّلَاةِ لَا يَرِدُ عَلَى الْحَوْضِ لَا وَاللَّهِ؛

آن کس که نماز را سبک شمرد، روز قیامت مرا ملاقات نخواهد کرد.»^۳

این تأکید و بیان همراه با قسم، از عمق فاصله‌ی بین پیامبر اکرم و نماز گزارانی

که به نماز اهمیّت نمی دهند، حکایت می کند.

۲. خشم خداوند

قرآن کریم، افرادی که نماز را ضایع می کنند، یا به آن بی اعتنا هستند،

نکوهش می کند.

۱. مستدرک الوسائل، ج ۳، ص ۹۸.

۲. در هنگام وفات امام صادق علیه السلام، وقتی ابوبصیر آمد به «امّ حمیده» تسلیت گوید، او گریست و گفت:

ابوبصیر نبودی و لحظه‌ی آخر عمر امام را ندیدی. جریان عجیبی رخ داد. ابوبصیر پرسید: چه جریانی؟ امّ حمیده

گفت: امام در یک حالی فرو رفت، که تقریباً حالتی غشوه مانند بود. بعد چشم هایش را گشود و فرمود: «تمام

خویشان نزدیک مرا بگوئید، بالای سر من حاضر شوند» ما همه را دعوت کردیم. وقتی همه جمع شدند، حضرت

چشمش را باز کرد و فقط یک جمله گفت: «لَنْ تَنَالَ شَفَاعَتَنَا مُسْتَخْفًا بِالصَّلَاةِ» هرگز شفاعت ما به کسی که نماز

را سبک بشمار، نخواهد رسید. این را گفت و جان به جان آفرین تسلیم کرد؛ بحار الانوار، ج ۸۲، ص ۲۳۶.

۳. بحار الانوار، ج ۸۳، ص ۹.

۴. مریم/ ۵۶. فَيَخْلَفَ مِنْ بَعْدِهِمْ خَلْفًا اضَاعُوا الصَّلَاةَ

۵. ماعون/ ۵. قَوْلِيلٌ لِّلْمُصَلِّينَ الَّذِيْنَ هُمْ عَنْ صَلَاتِهِمْ سَاهُونَ

امیرمؤمنان علیه السلام می فرماید: «فی تأخیرِ الصَّلَاةِ مِنْ غَیْرِ عِلَّةٍ غَضَبُ اللَّهِ؛^۱ تأخیر نماز از اول وقت بدون دلیل، موجب خشم خداوند متعال می گردد.»
آن حضرت در روایتی دیگر می فرماید:

«إِذَا قَامَ الْعَبْدُ فِي الصَّلَاةِ فَخَفَّفَ صَلَوَتَهُ قَالَ اللَّهُ تَعَالَى لِمَلَائِكَتِهِ أَمَا تَرَوْنَ إِلَى عَبْدِي كَأَنَّهُ يَرَى أَنْ قَضَاءَ حَوَائِجِهِ بِيَدِ غَيْرِي؛^۲ وقتی بنده ای نماز را با شتاب به پایان می برد و آن را کوتاه می کند، خداوند به ملائکه می فرماید: آیا نمی بینید بنده ام را که گویا می پندارد بر آوردن حاجتش به دست کسی جز من است!»

۳. اجابت نشدن دعا و محرومیت از دعای صالحان

کسانی که به تکلیف الهی بی توجهی کنند و آن را کوچک بشمارند خداوند نیز به خواسته های آنان توجه نخواهد کرد. امام صادق علیه السلام می فرماید:
«مَنْ تَهَاوَنَ بِصَلَوَتِهِ لَا يَرْتَفِعُ دُعَاؤُهُ إِلَى السَّمَاءِ؛^۳ هر کس به نمازش بی توجه باشد، دعایش به آسمان راه نمی یابد.»

و در سخنی دیگر از حضرتش می خوانیم: «آن که به نمازش بی اعتنا باشد، مشمول دعای خیر صالحان نخواهد بود.»^۴

۴. تنگنا و نارسایی دنیوی

غضب خدا و پیامبر به کسانی که نماز را کوچک می شمروند، زیانها و خساراتی بر جای خواهد نهاد، گرچه ممکن است تارک یا مستهین به نماز این تأثیر را درک نکند و متوجه علت گرفتاری های خود نباشد.

۱. سفینه البحار، ۲، ص ۴۴.

۲. محجة البيضاء، ج ۱، ص ۳۴۱.

۳. بحار الانوار، ج ۸۰، ص ۲۲.

۴. همان، ج ۸۰، ص ۲۱.

ترک نماز □ ۱۷۳

امام صادق علیه السلام فرمود: خداوند، برکت را از عمر و روزی کسانی که نماز را کوچک می‌شمرند برمی‌دارد.^۱

پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله وسلم نیز برای این گروه، تهدستی را پیش‌بینی کرده، می‌فرماید:

«الاستخفافُ بالصَّلَاةِ تُورِثُ الْفَقْرَ؛^۲ استخفافِ نماز، موجب فقر می‌شود»

۵. سختی احوال قبر و قیامت

امام صادق علیه السلام فرمود: نمازگزاری که نمازش را سبک بشمارد، وقتی از قبر خارج می‌شود، خداوند ملکی را بر وی موکل می‌گرداند، تا او را بر عرصه‌ی قیامت و ارونه بر زمین بکشاند. مردم به او می‌نگرند و خداوند از او و با شدت و سخت‌گیری محاسبه می‌کند.^۳ حضرتش در همین باره چنین می‌فرماید:

«مَنْ تَهَاوَنَ بِصَلَاتِهِ يُضَيِّقُ عَلَيْهِ قَبْرُهُ وَ تَكُونُ الظُّلْمَةُ فِي قَبْرِهِ؛^۴

هر کس به نمازش بی‌اعتناء باشد به تنگی و تاریکی قبر مبتلا خواهد شد.»

در سخنی دیگر از پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله وسلم می‌خوانیم: «کسی که نماز را سبک بشمارد، با ذلت و گرسنگی و تشنگی، جان می‌دهد.»^۵

۶. قبول نشدن نماز

نمازی که با سهل‌انگاری و تحقیر، صورت پذیرد، مقبول خداوند متعال نمی‌گردد. امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

۱. همان، ج ۸۳، ص ۲۰۲.

۲. همان، ج ۷۳، ص ۳۱۵.

۳. همان، ص ۲۲.

۴. همان، ص ۲۱.

۵. همان.

«إِنَّ اللَّهَ لَا يَقْبَلُ إِلَّا الْحَسَنَ فَكَيْفَ يَقْبَلُ مَا يَسْتَخْفَىٰ بِهِ؛
خداوند جز نیکو را نمی‌پذیرد؛ پس چگونه عملی که مورد استخفاف واقع
گردیده است، بپذیرد؟»

۷. نفرین و لعنت

برخی از روایات، تصویر و تمثیلی را برای نماز ترسیم کرده‌اند که بر حسب
آن، نماز به صورت ملکی با انسان به گفت و گو می‌نشیند. گاه تشکر می‌کند و گاه
گله‌مند می‌شود. امام صادق علیه السلام می‌فرماید: وقتی نماز در وقت خود اقامه
نگردد و بی دقت ارائه شود به صورتی سیاه و تاریک به انسان باز می‌گردد و
می‌گوید: مرا ضایع کردی، خدا تو را ضایع کند و اگر در وقت خود اقامه شود
برای انسان دعا می‌کند و می‌گوید: همان‌گونه که مرا حفظ و احترام کردی،
خداوند نیز تو را حفظ کند.^۱

آری، قرآن کریم، پایان سفر تارکان نماز را «سَقَر» برمی‌شمارد:

«مَا سَأَلَكُمْ فِي سَقَرٍ قَالُوا لَمْ نَكُ مِنَ الْمُصَلِّينَ»^۲

و کسانی که نماز می‌خوانند اما جماعت را ترک می‌کنند، به حسرت و
پشیمانی محکوم می‌نماید و می‌فرماید:

«يَوْمَ يُكْشَفُ عَنْ سَاقٍ وَيُدْعَوْنَ إِلَى السُّجُودِ فَلَا يَسْتَطِيعُونَ، خَاشِعَةً أَبْصَارُهُمْ

تَرْهُقُهُمْ ذُلَّهُ وَقَدْ كَانُوا يُدْعَوْنَ إِلَى السُّجُودِ وَهُمْ سَالِمُونَ»^۳

و آنان که خشوع و مواظبت چندانی در نماز خود ندارند، مستحق توبیخ و

سرزنش می‌شمرد:

۱. بحار الانوار، ج ۸۰، ص ۹.

۲. مدثر / ۴۲ - ۴۳.

۳. قلم / ۴۲ - ۴۳.

«فَوَيْلٌ لِلْمُصَلِّينَ الَّذِينَ هُمْ عَنْ صَلَاتِهِمْ سَاهُونَ»^۱

و در آیه‌ای دیگر این گروه را به نفاق موسوم کرده، می‌فرماید:

«إِنَّ الْمُنَافِقِينَ يُخَادِعُونَ اللَّهَ وَهُوَ خَادِعُهُمْ وَإِذَا قَامُوا إِلَى الصَّلَاةِ قَامُوا كُسَالَى يُرَاءُونَ النَّاسَ وَلا يَذْكُرُونَ اللَّهَ إِلاَّ قَلِيلاً»^۲

تنها آن گروه، مورد ستایش قرآنند که نماز را با خشوع اقامه کنند:

«قَدْ أَفْلَحَ الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ هُمْ فِي صَلَاتِهِمْ خَاشِعُونَ»^۳

مولوی می‌گوید:

اگر نه روی دل، اندر برابرت دارم من این نماز، حساب نماز، نشمارم
ز عشق روی تو، من رو به قبله آوردم و گرنه من ز نماز و ز قبله بیزارم
مرا غرض ز نماز، آن بُود که پنهانی حدیث درد فراق تو، با تو بگزارم
وگرنه این چه نمازی بُود که من با تو نشسته روی به محراب و دل به بازارم؟
در یک روایت جامع، پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله وسلم در پاسخ به سؤال
زهراى اطهر - علیها سلام الله - در مورد عقوبت کسی که نماز را کوچک
می‌شمارد، به بیان عوارض ناشی از این پدیده پرداخته، می‌فرماید:

«ای فاطمه! هر کس از مردان یا زنان به نماز بی‌اعتنایی کند، خداوند او را به
پانزده عقوبت مبتلا می‌گرداند که شش عقوبت آن در دنیاست، سه عقوبت هنگام
مرگ به سراغ او می‌آید، سه عقوبت در قبر و سه عقوبت دیگر در قیامت آنگاه
که از قبر برانگیخته شود، دامنگیر او می‌شود. اما آنچه در دنیا متوجه چنین افرادی
می‌شود عبارتست از: برداشتن برکت از عمر، برداشتن برکت از روزی، محو

۱. ماعون / ۴ - ۵.

۲. نساء / ۱۴۲.

۳. مؤمنون / ۱ - ۲.

سیمای صالحین از چهره و رخسار، بی‌اجر ماندن اعمال، عدم قبولی دعا و عدم مشمولیت دعای نیکان. به هنگام مرگ نیز ذلیل، تشنه و گرسنه خواهد مرد و اگر از نهرهای دنیا بیاشامد، عطش او فرو نخواهد نشست. در قبر هم ملکی او را شکنجه می‌نماید و قبر بر او تنگ و تاریک می‌گردد. همچنین در قیامت او را وارونه بر زمین خواهند کشید، سخت مورد محاسبه قرار می‌گیرد، خدا به او نظر رحمت نخواهد داشت و به عذابی دردناک گرفتار می‌گردد.^۱

آزمون

۱. اولین سؤال در قیامت از چیست؟
۲. تفاوت تارک نماز و منکر نماز چیست؟
۳. امام صادق علیه السلام در پاسخ به این سؤال که: «چرا به افراد زناکار کافر گفته نمی‌شود، اما به تارک نماز کافر می‌گویند؟» چه فرمود؟
۴. مصادیق بی‌اعتنایی به نماز را بیان کنید؟
۵. این جمله را کامل کنید و بگویید به چه معنا و از کدام امام است؟ «الهی من کانت محاسنه. . .»
۶. پیامدهای استخفاف نماز را ذکر کنید؟
۷. معیار شناسایی شیعه از نظر امام صادق علیه السلام چیست؟ ضمن روایتی از ایشان بیان کنید.
۸. چرا خداوند، جز نیکو را نمی‌پذیرد؟ ضمن روایتی، توضیح دهید.
۹. شعر مولوی را درباره‌ی توجه به نماز ذکر کنید؟
۱۰. پیامبر چه عقوبت‌هایی را برای استخفاف نماز بیان نمود، پنج مورد را ذکر کنید.

درس چهاردهم

عوامل بی‌رغبتی به نماز

چه کسانی و با چه استدلال یا ذهنیتی، به نماز رغبتی ندارند؟
آیا می‌توانید عوامل بی‌رغبتی به نماز را قبل از مطالعه‌ی کتاب از دانستنی‌های
خود در جدول زیر بنویسید و سپس آن را با داده‌های کتاب مقایسه کنید؟

جدول ۱۴. عوامل بی‌رغبتی به نماز

۱.
۲.
۳.
۴.
۵.

اینک به بررسی این عوامل از منظر روایات اسلامی می‌پردازیم.
انسانی که به خوردن غذا یا میوه میل ندارد؛ یا از سلامت جسمی محروم
است، یا خاصیت غذا را نمی‌داند و یا عوامل جنبی او را از خوردن غذا باز داشته

است. نیایش و نماز، غذای روح است. پس چرا بعضی نسبت به آن بی‌رغبت و بی‌تفاوتند؟! و چه عواملی آنان را از جذب به آن باز می‌دارد؟! در این بخش به بررسی برخی از این عوامل می‌پردازیم.

۱. گناه و آلودگی

یکی از میراث‌های ارزشمند در فرهنگ اسلامی، دعاها و مناجات‌های به یادگار مانده از ائمه معصومین - صلوات الله علیهم اجمعین - است که در ضمن آنها، معارف اسلامی به زبان دعا بیان شده است. در دعای ابوحمزه ثمالی امام سجّاد علیه السلام به بررسی عوامل بی‌رغبتی به نماز و مناجات پرداخته است و به خداوند تبارک و تعالی عرض می‌کند:

«خدایا! چه شده است که هرگاه با خود می‌گویم آماده نماز شوم و مناجاتی با تو داشته باشم، کسالت را بر من مسلط و لذت مناجات را از من سلب می‌کنی... شاید مرا بی‌اعتنا به ربوبیت خود یافتی و از خود دورم نموده‌ای... شاید به جرم و گناهم یا به جهت بی‌حیایی مرا مجازات نموده‌ای؟ شاید مرا با اهل بطالت مانوس می‌دانی و انس با نماز را از من سلب می‌کنی.»^۱

آری! امام علیه السلام، گناه و آلودگی را از عوامل مهم بی‌رغبتی به نماز معرفی می‌فرماید.

۲. ناآشنایی با خداوند

شخصیتی که ناشناخته باشد، جاذبه و حریم نخواهد داشت. خدای سبحان در سوره‌ی مبارک حمد، نخست خود را برای جهانیان وصف می‌کند که رابطه اش با آنان، رابطه مالک و مرئی است و او به مملوکین و مربوبین خویش سراپا محبت

۱. مفاتیح الجنان، دعای ابوحمزه ثمالی.

و لطف است و این ارتباط در دار دنیا قطع نمی‌گردد و در جهان آخرت، مرکز همه‌ی توجهات و قدرت‌ها اوست و لاغیر. پس از آن که انسان، خدای خویش را شناخت و در پرتو این شناخت، احساس محبت و عشق پیدا کرد، آن‌گاه می‌گوید: «ایاک نَعْبُدُ وَ اِیَاکَ نَسْتَعِینُ».

آن کس که در برابر دریای بیکران رحمت و لطف الهی سر تعظیم فرود نمی‌آورد و به او احساس محبتی ندارد، او را نشناخته و احساس بیگانگی دارد. پروردگار متعال در سخن خویش، رغبت و عشق به نماز را ناشی از شناخت و محبت به خداوند می‌داند و می‌فرماید:

«يَا بْنَ عَمْرَانَ لَوْ رَأَيْتَ الَّذِينَ يُصَلُّونَ لِي فِي الدُّجَىٰ وَقَدْ مَثَلَتْ نَفْسِي بَيْنَ أَعْيُنِهِمْ وَ هُمْ يُخَاطِبُونِي... يَا بْنَ عَمْرَانَ كَذَبَ مَنْ زَعَمَ أَنَّهُ يُحِبُّنِي فَإِذَا جَنَّهُ اللَّيْلُ نَامَ عَنِّي أَلَيْسَ كُلُّ مُحِبٍّ يُحِبُّ خَلْوَةَ حَبِيبِهِ!»^۱

ای موسی! اگر آن‌ها که شبانگاهان برای من نماز می‌خوانند، بینی (درمی‌یابی که گویی) من در پیش چشم‌شان حاضرم و آنان با من به گفت و گو نشسته‌اند... ای فرزندِ عمران! دروغ می‌گویند آن کس که می‌پندارد مرا دوست دارد، اما چون شب فرا می‌رسد، می‌خوابد. آیا هر محبی، خلوت با محبوب را دوست ندارد؟!^۱

۳. ناآشنایی با فلسفه و معانی نماز

نماز، تجسم باوری از نیازهای درونی انسان است. بنابراین: به پاداشتن آن مبتنی بر درک صحیح از اسرار و فلسفه‌ی آن است. انسانی که نمی‌داند چرا باید نماز بخواند و چه اثری بر آن مترتب است و چه مضامینی در این گفت و گوهای مکرر بازگو می‌شود، بی‌تردید، برای انجام آن، انگیزه و رغبتی ندارد. انسان

۱. امام صادق علیه السلام؛ ارشاد القلوب؛ بحارالانوار، ج ۸۷، ص ۱۳۹.

معمولاً در برابر اعمالی تمکین می‌کند که اگر چه به ناروا و غلط، تصویر و باوری قانع‌کننده از آن داشته باشد و جسم یا روان خود را محتاج به آن بداند. نیاز، مدار همه‌ی کنش‌ها و محور تمام تلاش‌های انسان است. حتی^۱ خوردن و خوابیدن اگر مفید تشخیص داده نشوند، ترک می‌گردند و گرسنگی و بی‌خوابی برای درک منفعت برتر، به نفس تحمیل می‌شود. در میان این‌همه نیازهای شناسایی شده، اگر نیاز به نماز، یا هر عبادت دیگری ناشناخته بماند، چه چیز می‌تواند توجیه‌کننده‌ی رغبت و تمایل به آن باشد؟ و چگونه انسان می‌تواند به جای کار یا استراحت، اولویت را به این امر نآشنا! اختصاص دهد؟ درمان این بیماری در گرو شناخت معانی و اسرار نماز است.

پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله وسلم می‌فرماید: «لَوْ تَعَلَّمَ مَالِكٌ فِي صَلَاتِكَ وَمَنْ تُنَاجِي مَا سَأَلْتَهُ وَمَا أَلْتَفْتَهُ؛^۱ اگر بدانی در نمازت چیست و با چه کسی گفت‌وگو می‌کنی، خسته نمی‌شوی و نماز را به پایان نمی‌بری!»

۴. نشناختن نیازهای خود

بر نیابردن صحیح نیازها، موجب غفلت از ضرورت‌ها می‌گردد. اگر انسان نیاز به معبود را درک کند و بداند به ثمر رسیدن هر تلاش و کوششی در گرو اراده‌ی خداوند است، از پیوند با او در مقاطع فعالیت‌ها و برنامه‌های شبانه روز دریغ نمی‌کند. او نمی‌داند گره‌های امور او باید در ارتباط با خدا گشوده شود. در برابر چنین نادانی و گمراهی، خداوند به ملایک خطاب می‌کند: «به او بنگرید! سخت در اشتباه است! می‌پندارد نیازهای او به دست کسی جز من است و نمی‌داند فقط من می‌توانم حاجت‌هایش را بر آورم.»^۲

۱. بحارالانوار، ج ۸۲، ص ۲۳۴.

۲. وسائل الشیعه، ج ۳، ص ۲۴.

عوامل بی‌رغبتی به نماز □ ۱۸۳

آری، قهر با خدا و یاد او، تنها از جهالت نشأت می‌گیرد؛ جهل نسبت به خدا، جهل نسبت به نماز و جهل نسبت به نیازها و فقر خویش؛ و لذا به گمان خود از هر مجالی، برای گریز از خویش، بهره می‌جوید!

به ظلمت، ز نور خدا می‌گریزی! تو لب تشنه ز آب بقا می‌گریزی!
خدا خواندت تا عطایت نماید چرا بی‌جهت زین صدا می‌گریزی!
ز مادر بود مهربان‌تر خدایت تو جاهل، به قهر از خدا می‌گریزی!
اگر می‌گریزی ز بیگانه بگریز چرا دیگر از آشنا می‌گریزی!
به هر جا روی سایه لطف یزدان به دنبال آید، کجا می‌گریزی!

۵. دنیا زدگی

کسانی که به استعمال دود تلخ و رنج آور سیگار، علاقه مند می‌شوند، نخستین بار که به سراغ این سفیر بیماری و پژمردگی می‌روند، با واکنش منفی طبع، ذائقه و دستگاه گوارشی و تنفسی مواجه می‌شوند، اما پس از مدتی چنان تغییر طبع و گرایش می‌دهند، که هیچ چیز به اندازه‌ی سیگار مورد توجه آنان نیست. دیگر از غذاهای لذیذ و مفید لذت نمی‌برند و تنها دود سرطان زای سیگار به آنان آرامش می‌دهد. دنیازدگی و محبت به دنیا نیز، تاریکی و ظلمتی است، که زیبایی‌ها و لذت‌های معنوی و عبادی را از ذائقه‌ی انسان می‌برد. پیامبر بزرگ خدا حضرت مسیح علیه السلام می‌گوید:

«صاحبُ الدُّنْیَا لَا یَلْتَدُّ بِالْعِبَادَةِ وَلَا یَجِدُ حَلَاوَتَهَا مَعَ مَا یَجِدُ مِنْ حُبِّ الْمَالِ؛^۱

دنیا پرست از انس با خدا لذت نمی‌برد تا زمانی که حب مال در دل اوست.»

امیرمؤمنان علیه السلام می‌فرماید:

۱. بحار الانوار، ج ۱۴، ص ۳۱۰.

«كَيْفَ يَجِدُ لَذَّةَ الْعِبَادَةِ مَنْ لَا يَصُومُ عَنِ الْهَوَىٰ»^۱

چگونه لذت عبادت را درک می‌کند، آن کس که از هواها خودداری نمی‌کند.»
 خدای متعال به حضرت داوود می‌فرماید: «مَا لِأَوْلِيَائِي وَاللَّهِمَّ بِالْدُّنْيَا إِنَّ الْهَمَّ
 يَذْهَبُ حَلَاوَةَ مُنَاجَاتِي مِنْ قُلُوبِهِمْ»^۲ اولیای من از دنیازدگی دورند؛ همانا
 دنیازدگی، حلاوت مناجات مرا از قلب‌های آنان می‌ستاند.»

۶. نداشتن برنامه صحیح درباره‌ی نماز

قرآن کریم، نخستین نشانه‌ی حکومت صالحان را بر پا داشتن نماز و ایجاد شرایط اقبال و رغبت می‌شمارد. با آن که پس از استقرار حکومت اسلامی در ایران و تشکیل ستادی با عنوان اقامه‌ی نماز، تلاش‌هایی فراوان با هدف ارتقای فرهنگ نماز در جامعه صورت گرفته و به همین جهت، درصد افراد نمازخوان به شدت افزایش یافته است، مدارس و مراکز فرهنگی و دانشگاهی، معطر به عطر نماز شده‌اند، و... اما همواره ناظران و کارشناسان مربوط، کاستی‌هایی را در زمینه‌ی رغبت و تشویق به نماز مورد توجه و گوشزد قرار می‌دهند. از جمله عناوینی که می‌توانند مبنای پژوهش‌های علمی و بالینی ترویج فرهنگ نماز قرار گیرند و باید همواره مد نظر تمام مسلمانان متعهد باشند، عبارت‌اند از:

- ارتباط رغبت به نماز با اقامه‌ی شکوهمند آن در منظر عمومی.
- نقش معرفی نماز با زبان هنر به جوانان.
- نقش برنامه‌های آموزشی و تربیتی مسجد.
- نقش فضای تربیتی خانواده.

۱. غُرُّ الْحِكْمِ وَ دُرُّرُ الْكَلِمِ.

۲. بحار الانوار، ج ۸۲، ص ۱۴۳.

عوامل بی‌رغبتی به نماز □ ۱۸۵

- حضور و همراهی والدین با فرزندان در برنامه‌های عاطفی و تفریحی و تأثیر آن در همراهی فرزندان با آنان در برنامه‌های مذهبی (نماز، حضور در مسجد).
 - ارتباط رغبت کارمندان با حضور مدیران و مسئولان آنها در نماز.
 - نقش هم‌نشین در ایجاد رغبت به نماز.
 - ارتباط رغبت فرزندان به نماز با نحوه تشویق و برخورد والدین.
 - نقش محبت اولیا به فرزندان، هنگام اقامه‌ی نماز و ایجاد تمایل در آنان.
 - ارتباط رغبت نسل نو، به نماز، با برخورد اهل مسجد و هیأت ائمه با آنان.
 - ارتباط عملکرد نمازگزاران در جامعه با بی‌رغبتی یا رغبت جوانان به نماز.
 - ارتباط رغبت افراد به نماز با نظافت و زیبایی‌ها و فضای معنوی مسجد.
 - تأثیر اقامه‌ی نماز در مراکز عمومی بر گسترش فرهنگ نماز.
 - ارتباط رغبت به نماز با نحوه توجیه آثار آن در محافل علمی و آموزشی.
 - تأثیر برخورد، روش و آدابی که امام جماعت القا می‌کند.
 - نقش مؤذن و پیام‌رسان.
 - تأثیرپذیری فرزندان در فراگیری شیوه‌ی اقامه‌ی نماز از والدین.
 - نقش عرضه و انتشار احوال نمازگزاران مخلص.
 - ارتباط میانه روی در عبادت و تداوم نشاط و رغبت به آن.
- در پایان این بخش، نمودارهایی از سنجش عوامل تأثیرگذار در ترویج فرهنگ نماز را، که توسط پژوهشگران در برخی استان‌ها انجام شده، مرور می‌کنیم.
- خداوندا! به آبروی پیامبر و آلش، ما را از اقامه‌کنندگان نماز مقرر دار.
- توفیق درک حلاوت مناجات و ذکر را از ما دریغ مدار و ما را در جبران کاستی‌های نماز موفق بدار.

آمین یا رب العالمین.

آزمون

۱. چه عواملی از نظر امام سجّاد علیه السلام در بی رغبتی به نماز تأثیر دارد؟
۲. چگونگی ارتباط شناخت و رغبت به نماز را توضیح دهید.
۳. خداوند متعال در مورد خفتگان در شب، چه پیامی به حضرت موسی علیه السلام داد؟
۴. آشنایی با نماز در ایجاد رغبت به آن، چه نقشی دارد؟ ضمن روایتی از پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله وسلم بیان کنید.
۵. حضرت مسیح علیه السلام درباره‌ی لذت عبادت و رغبت به آن، چه فرمود؟
۶. روایتی از حضرت علی علیه السلام ذکر کنید، که در آن یکی از عوامل بی‌رغبتی به نماز اشاره شده است؟
۷. خداوند متعال خطاب به حضرت داوود علیه السلام چه چیز را مانع درک حلاوت مناجات معرفی می‌کند؟
۸. چه عوامل محیطی در بی‌رغبتی به نماز دخالت دارد؟ آن‌ها را بیان کنید.
۹. در محیط مسجد، چه عواملی در ایجاد رغبت به نماز تأثیر دارد؟
۱۰. در محیط دانشگاه، چه اقدام‌هایی می‌تواند در ترویج فرهنگ نماز مؤثر باشد؟ از متن کتاب و خارج از آن پاسخ گوید.

جداول نظرسنجی

نظرات دانش آموزان مدارس راهنمایی منطقه ۲ شهر کرد

ردیف	پرسش‌ها	کم	متوسط	زیاد	خیلی زیاد
۱	به نظر شما پدر و مادر در تشویق فرزندان به نماز چقدر مؤثر هستند؟	۱۵	۵	۳۳	۴۷
۲	آیا پدر و مادری که خود نماز نمی خوانند، می توانند در تشویق فرزندان مؤثر باشند؟	۱۸	۲۲	۲۶	۳۴
۳	آیا خویشاوندان نزدیک در جهت تشویق به نماز مؤثرند؟	۲۴	۲۶	۳۰	۲۰
۴	گفتار و عمل امام جماعت در شرکت دانش آموزان به نماز چقدر تأثیر دارد؟	۲۹	۲۱	۲۵	۲۵
۵	برخورد و رفتار امام جماعت در تشویق دانش آموزان چقدر مؤثر است؟	-	۱۰	۴۴	۴۶
۶	اگر روحانی نماز را سریع بخواند، آیا در شرکت دانش آموزان به نماز تأثیر دارد؟	۲۰	-	۲۳	۵۷
۷	آیا محیط نماز خانه از نظر زیبایی و خوش بو بودن بر شرکت دانش آموزان به نماز مؤثر است؟	-	۲۰	۳۲	۴۸
۸	آیا وضو گرفتن برای نماز در مدرسه سخت تر از وضو گرفتن در خانه است؟	۴۰	۲۰	۱۵	۲۵
۹	داشتن محیط زیبا و بهداشتی نماز خانه آیا بر شرکت آنان در نماز مؤثر است؟	۱۰	۱۱	۲۴	۵۵
۱۰	راهنمایی و تشویق مدیر و معاونان مدرسه چقدر بر حضور دانش آموزان در نماز مؤثر است؟	-	۱۱	۴۴	۴۵
۱۱	حل مسایل و مشکلات دانش آموزان در زمینه‌ی نماز توسط مدرسه بر حضور آنان چقدر مؤثر است؟	-	۱۹	۵۱	۳۰

۳۵	۳۵	۳۰	-	راهنمایی و تشویق معلمان مدرسه چقدر بر حضور دانش آموزان در نماز مؤثر است؟	۱۲
۴۵	۳۷	۱۸	-	شرکت دبیران در نماز جماعت بر تشویق دانش آموزان به نماز چقدر مؤثر است؟	۱۳
۳۱	۴۹	۱۰	۱۰	خوش خلقی و معاشرت خوب معلمان حاضر در نماز چقدر در تشویق دانش آموزان اثر دارد؟	۱۴
۲۴	۳۶	۲۱	۱۹	آیا شرکت اختیاری و بدون اجبار در حضور آنان در نماز اثر دارد؟	۱۵
۳۸	۲۲	۲۲	۱۸	آیا نداشتن اطلاعات از چگونگی انجام نماز از طرف دانش آموزان بر شرکت آنان در نماز اثر دارد؟	۱۶
۷۳	۱۷	۱۰	-	به نظر شما چه تعدادی از دانش آموزان از نماز، آگاهی و شناخت کافی ندارند؟	۱۷
۵۰	۱۹	۱۱	۲۰	به نظر شما آیا شرکت نکردن دانش آموزان در نماز به دلیل نداشتن آگاهی از نماز است؟	۱۸
۴۱	۴۹	۱۰	-	دوستان دانش آموز بر شرکت او در نماز جماعت چقدر مؤثر است؟	۱۹
۸۰	۱۰	۱۰	-	آیا وجود دوستان اهل نماز، در تشویق او به نماز کمک می‌کند؟	۲۰
۳۳	۲۵	۲۲	۲۰	آیا داشتن دوستان ناباب و تارک نماز، بر شرکت نکردن دانش آموزان در نماز جماعت اثر دارد؟	۲۱

عوامل تأثیر گذار بر حضور دانش آموزان دوم متوسطه‌ی قزوین در نماز جماعت

کم	متوسط	زیاد	خیلی زیاد	پرسش
۱۱	۲۰/۸	۲۷/۵	۲۹/۵	۱. آیا همکاری و حضور مدیر و معاونان آموزشی در نماز جماعت بر میزان حضور شما در نماز جماعت دبیرستان مؤثر است؟
۱۴/۳	۲۳/۳	۲۵	۲۸	۲. آیا همکاری و حضور دبیران دروس دینی و قرآن در نماز جماعت بر میزان حضور شما در نماز جماعت دبیرستان مؤثر است؟
۱۸/۳	۲۶/۸	۱۷/۳	۱۹/۳	۳. آیا همکاری و حضور دبیران دروس غیر دینی و قرآن در نماز جماعت بر میزان حضور شما در نماز جماعت دبیرستان مؤثر است؟
۱۵/۸	۲۷	۲۶/۵	۱۷/۵	۴. آیا همکاری و حضور معاون یا مربی پرورشی در نماز جماعت بر میزان حضور شما در نماز جماعت دبیرستان مؤثر است؟

تأثیر آموزش نماز بر میزان حضور دانش آموزان در نماز جماعت دبیرستان

کم	متوسط	زیاد	خیلی زیاد	پرسش
۱۱	۲۰/۸	۲۷/۸	۳۷/۳	۵. آموزش احکام نماز به روش شفاهی بر میزان حضور شما در نماز جماعت دبیرستان مؤثر است؟
۷	۲۱	۳۲/۵	۳۵/۸	۶. آموزش احکام نماز به روش عملی بر میزان حضور شما در نماز جماعت دبیرستان مؤثر است؟
؟؟؟	۱۴/۸	۳۰/۵	۴۷/۸	۷. بیان اسرار، آثار و فلسفه‌ی نماز بر میزان حضور شما در نماز جماعت دبیرستان مؤثر است؟
۱۶/۳	۲۶/۵	۲۷/۵	۲۳/۵	۸. مطالب کتاب‌های درسی دینی و قرآن بر میزان حضور شما در نماز جماعت دبیرستان مؤثر است؟
۱۸/۵	۲۸/۳	۲۵/۳	۲۰	۹. آموزش مسایل نماز در قالب برگزاری مسابقه‌ی احکام و اذان بر میزان حضور شما در نماز جماعت دبیرستان مؤثر است؟

تأثیر امکانات مناسب برگزاری نماز بر میزان حضور دانش آموزان در نماز جماعت دبیرستان

کم	متوسط	زیاد	خیلی زیاد	پرسش
۶/۵	۱۳/۸	۲۲/۵	۵۴/۸	۱۰. وجود نمازخانه در آموزشگاه بر میزان حضور شما در نماز جماعت دبیرستان مؤثر است؟
؟؟؟	۸/۵	۲۵/۳	۶۰/۳	۱۱. پاکیزگی و نظافت نمازخانه بر میزان حضور شما در نماز جماعت دبیرستان مؤثر است؟
۱۰/۳	۲۲/۵	۲۸/۳	۳۲	۱۲. تزئین و آراستگی نمازخانه بر میزان حضور شما در نماز جماعت مؤثر است؟
۱۲	۲۶	۲۶/۵	۳۰/۵	۱۳. وجود امکانات لازم از قبیل جامه‌پوشی و سجاده در نمازخانه بر میزان حضور شما در نماز جماعت دبیرستان مؤثر است؟
۱۸/۸	۲۲/۸	۲۴	۱۷/۸	۱۴. وجود جاکفشی در داخل یا بیرون نمازخانه بر میزان حضور شما در نماز جماعت دبیرستان مؤثر است؟
۱۷/۵	۲۷/۳	۲۱/۳	۲۳	۱۵. وجود وسایل گرم کننده و سرد کننده در نمازخانه بر میزان حضور شما در نماز جماعت دبیرستان مؤثر است؟
۱۷/۸	۲۴/۸	۱۷/۳	۲۳/۸	۱۶. کیفیت نوع زیر انداز (موکت و فرش) در نمازخانه بر میزان حضور شما در نماز جماعت دبیرستان مؤثر است؟
۱۰/۳	۲۱	۲۶/۸	۳۵/۵	۱۷. وجود سرویس‌های بهداشتی (توالت) مناسب و کافی در آموزشگاه بر میزان حضور شما در نماز جماعت دبیرستان مؤثر است؟

تأثیر زمان برگزاری نماز بر میزان حضور دانش آموزان در نماز جماعت دبیرستان

کم	متوسط	زیاد	خیلی زیاد	پرسش
۵/۵	۱۰/۳	۲۸	۵۳	۱۸. برگزاری نماز اول وقت شرعی - بدون درنگ - بعد از اذان بر میزان حضور شما در نماز جماعت دبیرستان مؤثر است؟
۳/۵	۱۰/۳	۲۸	۵۵	۱۹. وجود زمانی معین به نام زنگ نماز در برنامه‌ی آموزشی مدرسه بر میزان حضور شما در نماز جماعت دبیرستان مؤثر است؟
۸/۳	۲۱/۵	۳۴/۳	۳۱/۳	۲۰. تنظیم برنامه‌ی آموزشی مدرسه با توجه به اوقات شرعی بر میزان حضور شما در نماز جماعت دبیرستان مؤثر است؟
۱۱/۸	۱۸/۳	۲۲/۸	۳۶/۵	۲۱. تعطیلی فعالیت‌های آموزشگاه در زمان برگزاری نماز جماعت در میزان حضور شما در نماز جماعت دبیرستان مؤثر است؟

تأثیر تشویق دانش آموزان بر میزان حضور آنها در نماز جماعت دبیرستان

کم	متوسط	زیاد	خیلی زیاد	پرسش
۱۰/۵	۱۷/۸	۲۱/۸	۳۳	۲۲. اهدای جوایز به دانش آموزان شرکت کننده در نماز جماعت بر میزان حضور شما در نماز جماعت دبیرستان مؤثر است؟
۸	۱۳/۸	۲۷/۸	۴۳	۲۳. برقراری رابطه‌ی دوستانه و احترام به دانش آموزان توسط کارکنان دبیرستان بر میزان حضور شما در نماز جماعت دبیرستان مؤثر است؟
۵/۸	۱۰/۵	۱۸	۵۵/۸	۲۴. اعزام دانش آموزان شرکت کننده در نماز جماعت به اردوهای سیاحتی - زیارتی بر میزان حضور شما در نماز جماعت دبیرستان مؤثر است؟
۱۳/۳	۳۱/۸	۲۸/۸	۱۸/۸	۲۵. سپردن مسؤلیت برگزاری نماز به دانش آموزان بر میزان حضور شما در نماز جماعت دبیرستان مؤثر است؟

تأثیر روحانی بودن امام جماعت بر میزان حضور دانش آموزان در نماز جماعت دبیرستان

کم	متوسط	زیاد	خیلی زیاد	پرسش
۱۱/۳	۱۵	۲۳	۴۰/۸	۲۶. روحانی بودن امام جماعت بر میزان حضور شما در نماز جماعت دبیرستان مؤثر است؟
۶/۸	۱۳/۳	۲۶/۵	۴۹/۵	۲۷. رفتار و گفتار امام جماعت بر میزان حضور شما در نماز جماعت دبیرستان مؤثر است؟
۴	۱۴/۳	۳۴/۵	۴۲/۳	۲۸. حضور بموقع امام جماعت برای اقامه‌ی نماز بر میزان حضور شما در نماز جماعت دبیرستان مؤثر است؟
۱۶	۲۱	۲۵/۳	۱۹	۲۹. وضعت ظاهری امام جماعت بر میزان حضور شما در نماز جماعت دبیرستان مؤثر است؟
۱۰	۲۳/۵	۲۸/۵	۲۸/۵	۳۰. سخنرانی امام جماعت بر میزان حضور شما در نماز جماعت دبیرستان مؤثر است؟

نظرات دانش آموزان پسر دبیرستانی شهرستان تفت

ردیف	پرسش	خیلی زیاد	زیاد	متوسط	کم	اصلاً	جمع
۱	سست بودن پایه‌های مذهبی خانواده تا چه میزان در عدم گرایش دانش آموزان به نماز مؤثر است؟	۶۸	۲۶	۶	-	-	۱۰۰
۲	شرکت کردن والدین در نماز جماعت تا چه میزان در گرایش دانش آموزان به نماز مؤثر است؟	۶۷	۲۵	۵	۳	-	۸۰

۳	مقیّد بودن خواهر به مسایل مذهبی و شرکت کردن وی در نماز جماعت تا چه میزان در گرایش دانش آموزان به نماز مؤثر است؟	۵۱	۳۰	۱۹	-	-	۱۰۰
۴	مقیّد بودن برادر به نماز و مسایل مذهبی و شرکت کردن وی در نماز جماعت تا چه میزان در گرایش دانش آموزان به نماز مؤثر است؟	۳۵	۲۲	۱۳	-	-	۱۰۰
۵	مقیّد بودن والدین به نماز و مسایل مذهبی تا چه میزان در گرایش دانش آموزان به نماز مؤثر است؟	۷۵	۲۵	-	-	-	۱۰۰
۶	مجبور کردن دانش آموزان به نماز توسط والدین تا چه میزان علت نماز خواندن آنها است؟	۲۰	۱۵	۲	۱۶	۴۷	۱۰۰
۷	وادار کردن دانش آموزان به نماز توسط مربیان تربیتی تا چه میزان باعث گرایش آنان به نماز است؟	۳۳	۱۳	۶	۲۵	۲۳	۱۰۰
۸	سختگیری مسئولان مدرسه تا چه میزان در جذب دانش آموزان به نماز مؤثر است؟	۲۴	۱۳	۱۶	۱۵	۳۲	۱۰۰
۹	وادار کردن به نماز از طریق محروم کردن از بسیاری امکانات رفاهی توسط اولیا، تا چه میزان در دانش آموزان به نماز مؤثر است؟	۲۰	۱۵	۱۰	۲۲	۳۳	۱۰۰
۱۰	مجبور کردن دانش آموزان به نماز از طریق کم یا زیاد کردن نمره‌های درسی توسط معلمان، تا چه میزان در گرایش دانش آموزان به نماز مؤثر است؟	۲۲	۱۹	۳	۲۵	۳۱	۱۰۰
۱۱	بی اطلاعی از اهمیّت نماز، تا چه میزان در گرایش دانش آموزان به نماز مؤثر است؟	۱۲	۴	۵	۱۹	۶۰	۱۰۰

۱۰۰	۹	۱۲	۱۸	۴۷	۱۴	انتشارات احادیث و سخنان بزرگان درباره‌ی اهمّیت نماز، تا چه میزان دانش آموزان را به نماز خوانی مشتاق می‌کند؟	۱۲
۱۰۰	۰	۴	۹	۲۴	۶۳	مطالعه و آگاهی از کتابهای مربوط به نماز، تا چه میزان در گرایش دانش آموزان به نماز مؤثر است؟	۱۳
۱۰۰	۲	۵	۱۰	۳۱	۵۲	تأثیر نصیحت‌ها و راهنمایی مدرسه، تا چه میزان در گرایش دانش آموزان به نماز مؤثر است؟	۱۴
۱۰۰	۰	۳	۷	۲۷	۶۳	دعوت از بزرگان دین و تشریح و تفسیر فلسفه‌ی نماز توسط آنان تا چه میزان در گرایش دانش آموزان به نماز مؤثر است؟	۱۵
۱۰۰	۲	۵	۷	۲۸	۵۸	تبلیغات رادیو تلویزیون درباره‌ی نماز، تا چه میزان در گرایش دانش آموزان به نماز مؤثر است؟	۱۶
۱۰۰	۵	۱۲	۹	۳۹	۳۵	تأثیر مجلات و روزنامه‌های دیواری درباره‌ی نماز، تا چه میزان در گرایش دانش آموزان به نماز مؤثر است؟	۱۷
۱۰۰	۰	۱	۴	۲۴	۷۱	پخش اذان و مراسم نماز از سیمای جمهوری اسلامی ایران، تا چه میزان در گرایش دانش آموزان به نماز مؤثر است؟	۱۸
۱۰۰	۴	۱۳	۱۱	۳۳	۳۹	تبلیغات مطبوعات و روزنامه‌ها درباره‌ی نماز، تا چه میزان در گرایش دانش آموزان به نماز مؤثر است؟	۱۹
۱۰۰	۹	۲۵	۱۱	۲۹	۲۶	چاپ و نشر پوسترهای تبلیغاتی نماز در مدارس، تا چه میزان در گرایش دانش آموزان به نماز مؤثر است؟	۲۰

منابع و مأخذ

نام کتاب	مؤلف
۱. آشنائی با قرآن	شهید مطهری (ره)
۲. احیای فکر دینی	شهید مطهری (ره)
۳. ارشادالقلوب	دیلمی
۴. از ژرفای نماز	آیت الله سید علی خامنه ای
۵. اسرار الصلاة	میرزا جواد ملکی تبریزی (ره)
۶. اسلام و مقتضیات زمان	استاد مطهری (ره)
۷. اصول کافی	مرحوم کلینی (ره)
۸. الصلاة	محبی الدین مستو
۹. الفقه الاسلامی وادلته	دکتر وهبة الزحیلی
۱۰. الفقه علی المذاهب الخمسة	دکتر محمد جواد مغنیه
۱۱. آمالی	مرحوم شیخ طوسی (ره)
۱۲. بحار الانوار	مرحوم مجلسی (ره)
۱۳. پرتوی از اسرار نماز	استاد محسن قرائتی
۱۴. تنمة المنتهی	حاج شیخ عباس قمی (ره)
۱۵. تعلیم و تربیت در اسلام	استاد مطهری (ره)
۱۶. تفسیر ابن کثیر	ابن کثیر دمشقی

- | | |
|-------------------------------|---|
| علامه طباطبائی (ره) | ۱۷. تفسیر المیزان |
| محمد بن مسعود بن نصر عیاشی | ۱۸. تفسیر عیاشی |
| مرحوم طبرسی (ره) | ۱۹. تفسیر مجمع البیان |
| استاد محسن قرائتی | ۲۰. تفسیر نماز |
| الشیخ عبدالعلی الحویزی | ۲۱. تفسیر نورالثقلین |
| ورام ابن ابی فراس | ۲۲. تنبیه الخواطر |
| مرحوم شیخ صدوق (ره) | ۲۳. توحید |
| شیخ صدوق | ۲۴. ثواب الاعمال |
| حاج شیخ معزی ملایری | ۲۵. جامع احادیث الشیعه |
| شیخ صدوق | ۲۶. خصال |
| قاضی نعمان مصری | ۲۷. دعائم الاسلام |
| عفیف عبدالفتاح طیاره | ۲۸. روح الصلاة فی الاسلام |
| مصطفی وجدانی | ۲۹. سرگذشت‌های ویژه از زندگی امام خمینی |
| شیخ عباس قمی (ره) | ۳۰. سفینه البحار |
| ابن ماجه قزوینی | ۳۱. سنن ابن ماجه |
| استاد مطهری (ره) | ۳۲. سیری در نهج البلاغه |
| سید مجتبی موسوی لاری | ۳۳. سیمای تمدن غرب |
| ابن ابی الحدید معتزلی | ۳۴. شرح نهج البلاغه |
| محمد بن اسماعیل بخاری | ۳۵. صحیح بخاری |
| حسین واعظی نژاد | ۳۶. طهارت روح |
| مرحوم سید محمد کاظم یزدی (ره) | ۳۷. عروة الوثقی |
| مرحوم شیخ صدوق (ره) | ۳۸. علل الشرایع |

- | | |
|--------------------------|-------------------------------|
| مرحوم شیخ صدوق (ره) | ۳۹. عیون اخبار الرضا |
| دکتر محدث | ۴۰. فهرست غرر الحکم آمدی (ره) |
| آیه الله مشکینی | ۴۱. قصار الجمل |
| علاء الدین متقی هندی | ۴۲. کنز العمال |
| شهید مطهری (ره) | ۴۳. گفتارهای معنوی |
| شیخ محمد زاری | ۴۴. گنجینه دانشمندان |
| مرحوم فیض کاشانی (ره) | ۴۵. محجة البیضاء |
| مرحوم نوری طبرسی (ره) | ۴۶. مستدرک الوسائل |
| احمد بن محمد حنبل | ۴۷. مسند احمد بن حنبل |
| مرحوم شیخ صدوق (ره) | ۴۸. معانی الاخبار |
| دکتر فارس علوان | ۴۹. معجزة الصلاة |
| حاج شیخ عباس قمی (ره) | ۵۰. منتهی الامال |
| شیخ صدوق (ره) | ۵۱. من لایحضره الفقیه |
| استاد محمدی ری شهری | ۵۲. میزان الحکمة |
| ستاد اقامه نماز | ۵۳. نماز در اسارت |
| ستاد اقامه نماز | ۵۴. نماز بهشت خلوت انس |
| ستاد اقامه نماز | ۵۵. نماز نشانه حکومت صالحان |
| علامه خوئی | ۵۶. شرح نهج البلاغه |
| مرحوم فیض کاشانی (ره) | ۵۷. وافی |
| مرحوم شیخ حرّ عاملی (ره) | ۵۸. وسایل الشیعه |
| استاد مطهری (ره) | ۵۹. هدایتها و حکایتها |